حومه‌ای

www.iran-archive.com

خبرنامه

از شمارهٔ ٤٠ تا ٣١ (دورهٔ جدید)

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۱

جمعه ۲۰ مهر ماه ۱۳۸۰

کومه‌له

www.komala.org

جنگ علیه افغانستان آغاز شد

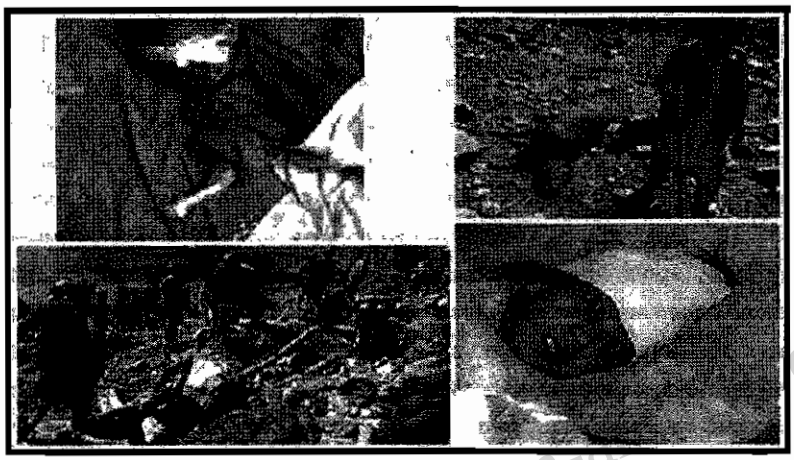

در این شماره:

خودسوزی زنان در ایران

۱۵ ضربه شلاق برای یک جوان ۱۵ ساله

جناح های اسلامی در ایران...

راهپیمایی ده هزار نفری کارگران...

بیانیه‌های رژیم برای گسترش اعتیاد در کردستان

قابل توجه خوانندگان

خبرنامه‌ی کومه‌له از این تاریخ هر هفته، روزهای شنبه و چهارشنبه در ٤ صفحه انتشار می‌یابد.

با ارسال درس الکترونیکی خود، شامگاه شنبه و چهارشنبه‌ی هر هفته به وقت اروپا خبرنامه‌ی کومه‌له را مستقیما دریافت دارید.

با خبرنامه‌ی کومه‌له هم کاری کنید. ارسال اخبار و گزارشات و مطالب گوناگون خبرنامه را در پیش برد وظایف خود یاری رسانید.

سوسیالیسم یا بربریت؟

بالاخره جنگی که همگان بعد از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر انتظارش را می‌کشیدند، آغاز شد. شامگاه روز یکشنبه هفتم اکتبرماه، حملات هوایی مرگ بار بر افغانستان آغاز شد و جنگ ویرانگر دیگری این بار تحت لوای مبارزه با تروریسم منطقه‌ی خاورمیانه را در بر گرفت. بوش آشکارا اعلام کرد که هر کس با آمریکا نیست، با تروریست هاست. به تهدید همه‌ی کشورهای جهان پرداختند. آشکارا اعلام کردند که پس از افغانستان نوبت کشورهای دیگری است. گفتند که این جنگ ممکن است تا ۱۰ سال طول بکشد. در چنین فضایی شناخته شده‌ترین رژیم های جهان که در کشتار جمعی مردمان خود، تروریسم و صدور آن و فقر و آوارگی و زندان و شکنجه و سرکوب مخالفین پرونده‌ای قطور دارند، به مخالفت با تروریسم پرداختند، به ائتلاف جهانی ضد تروریسم پیوستند، برای دیگران خط و نشان کشیدند و لیست و اسامی تروریست ها تعیین می‌کردند. چنین کشورهایی با وارد شدن به ائتلاف جهانی "ضد تروریسم" و یا به هر حال مخالفت نکردن با آن، بر آن شدند تا بلکه هر یک امتیازاتی کسب و معضلات داخلی‌شان را حل نمایند. پاکستان در یک چرخش سریع به متحد نزدیک آمریکا بدل شد، روسیه در این هم کاری، کوتاه کردن دخالت "بیگانگان" را در ...

ص ۲

مسأله‌ی چچن تعقیب می‌کند، و دیگر کشورها هر یك در این فضای واژگونه تحکیم موقعیت خود و خلاص شدن از شر نا آرامی‌ها و معضلات داخلی را مدنظر دارند.

جنگ جدید برای آمریکا و دنبالچه‌اش یعنی انگلستان هیچ حقانیتی ندارد. همگان بر این عقیده‌اند که واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر آمریکا، فرصت طلایی به این کشور داده است که با لشکر کشی نظامی، اشغال نظامی و حملات نظامی، موقعیت جهانی‌اش را از آن چه که هست محکم‌تر سازد. بمباران افغانستان، بمباران هر صدای مخالفی علیه آمریکا و علیه نظم سرمایه‌داری است. اشغال افغانستان، هر چه بیشتر به اسارت در آوردن جهان در راه منافع آمریکاست. واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر هر اندازه وحشیانه و جنایتکارانه بوده باشد و قربانی‌اش هر اندازه وسیع بوده باشد، ذره‌ای به آمریکا مشروعیت چنین جنگی را نمی‌دهد، بر پلاکاردی در نیویورك در یك تظاهرات علیه جنگ جاری نوشته شده بود: "جنگ، قربانی‌یان ما را بازنمی‌گرداند". این جنگ اتفاقاً بر قربانیان واقعه‌ی آمریکا سرمایه‌گذاری شده است، این جنگی نیست برای انتقام قربانیان ۱۱ سپتامبر، جنگی است به بهانه‌ی آن و تحت نام مبارزه‌ی "ضد تروریستی" این جنگ همان اهدافی را تعقیب می‌کند که جنگ خلیج فارس در ۱۰ سال قبل به پایان رساند و همان رسالتی را بر دوش دارد که پایگاه‌های نظامی آمریکا در دهه‌های اخیر داشته است.

جنگ جدید آمریکا، رسالتی جز سرپوش گذاشتن بر تناقضات و تضادهای جامعه‌ی بحران زده‌ی سرمایه‌داری ندارد. این جنگ، همانند تمام جنگ های امپریالیستی و بورژوازی قرون اخیر، باید مزاحمت ها و موانع تداوم حیات سرمایه‌داری را کنار بزند. تا همین لحظه هم طی هفته‌های گذشته، رسانه‌های امپریالیستی توانسته‌اند افکار عمومی جهان را به مسائلی مشغول سازند که خود می‌خواهند و ... بقیه در ص ٦

جنگ علیه افغانستان آغاز شد

ساعت ۲۰:٤٥ دقیقه‌ی یکشنبه ۱۵ مهر ماه برابر با هفتم اکتبر جرج دبلیو بوش رئیس جمهور ایالت متحده‌ی آمریکا آغاز علیه افغانستان را اعلام کرد.

ایالت متحده‌ی آمریکا رسماً اعلام کرد که ضربه‌ی نظامی و حمله علیه طالبان و گروه اسامه بن لادن در افغانستان آغاز شد. جرج بوش در یك سخن رانی اعلام کرد که حملات آمریکا برای از کار انداختن توان نظامی طالبان انجام می‌گیرد. جرج بوش گفت که نیروهای انگلستان در این عملیات نظامی شرکت دارند و کشورهای دیگر هم چون فرانسه و کانادا اعلام کرده‌اند که نیروهای آمریکایی را در این حملات نظامی کمك خواهند کرد.

حملات نظامی آمریکا که اساساً از طریق هوا صورت گرفته است، شهرهای کابل، قندهار و جلال آباد و هرات را در بر گرفته است. صدها جنگنده‌ی آمریکایی و انگلیسی در این عملیات شرکت دارند. صدای انفجارهای مهیب و یکی پس از دیگری و هم چنین نور و روشنایی ناشی از این انفجارها شهرهای مذبور را برای چند ساعت در برگرفته است. در کابل ساختمان رادیو صدای شریعت رادیوی رسمی طالبان مورد حمله قرار گرفت و صدای این رادیو یکباره قطع گردید. اما خبر می‌رسد که پس از یك ساعت برنامه‌هایش را از سرگرفته است. مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند که در این حملات مراکز طالبان و بن لادن مورد حمله قرار گرفته است. جرج بوش در سخن رانی دیشب خود پس از حملات گسترده به افغانستان گفت:

این حملات به منظور از بین بردن مراکزی است که تروریسم در آن پرورش داده می‌شود، و اشاره کرد که این حملات ممکن است زیاد طول بکشد و ممکن است طرف های دیگری را هم شامل شود و از مردم آمریکا خواست که طی ماه‌های آینده صبر و بردباری داشته باشند.

در رابطه با حملات آمریکا بوش گفت: که بمباران ۸ مرکز فرماندهی و کنترل و ارتباطات با طالبان را در برگرفته و گفت که هدف این حملات خارج ساختن تروریست ها از مخفی‌گاه‌هایشان است.

در این رابطه تونی بلر نخست وزیر انگلستان گفت: در این حملات نظامی مسأله‌ی جلوگیری از تلفات غیر نظامیان در نظر گرفته شده است، و اشاره کرد که نیروهای انگلستان با زیر زیردریایی و ناو جنگی در این حملات شرکت دارند.

درباره‌ی حملات شب گذشته نیروهای ایالت متحده‌ی آمریکا و انگلستان به افغانستان خبرگزاری‌های جهان اعلام داشته‌اند که در نتیجه‌ی این حملات مقر فرماندهی طالبان در قندهار ویران شده، فرودگاه کابل و جلال آباد مورد حمله قرار گرفته است و ۳ کمپ تروریست های وابسته به القاعده به رهبری اسامه‌بن لادن هدف حملات دیشب قرار گرفته است. خبرها حاکی از آن است که شهر هرات در شمال غربی افغانستان نیز مورد تهاجم واقع شده است.

ژاك شیراك رئیس جمهور فرانسه اعلام کرد که فرانسه در جنگ علیه تروریسم شرکت خواهد کرد. اتحادیه‌ی اروپا نیز از این حملات دفاع کرد. چین از تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان به طور مشروط به حمایت برخواست. چین اعلام کرد که باید به غیرنظامیان افغانستان تلافات وارد نشود. دولت ژاپن حمایتش را از جنگ علیه افغانستان اعلام کرد. جمهوری اسلامی در اولین واکنش خود از زبان سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که جنگ می‌بایست به رهبری سازمان ملل انجام گیرد. دولت آلمان و صدراعظم این کشور حمایت خود را از عملیات نظامی اعلام داشت.

در واکنش به حملات آمریکا، صبح روز بعد در پیشاور پاکستان حدود هزار تا دو هزار نفر در اعتراض به عملیات نظامی علیه افغانستان به تظاهرات پرداختند که با دخالت پلیس متفرق شدند. مشابه این تظاهرات در یکی دیگر از شهرهای پاکستان _ کراچی انجام گرفته است. در اندونزی گروه‌ها و جریانات اسلامی تهدید کرده‌اند که اگر دولت این کشور رابطه‌اش را با آمریکا قطع نکند، دست به اقدام خواهد زد. در تمامی کشورهای جهان اقدامات امنیتی شدیدی به ویژه در اطراف مراکز و سفارت خانه‌های آمریکا و دول غربی صورت گرفته است.

پس از حملات دیشب، اسامه بن لادن از کانال تلویزیونی الجزیره در کشور قطر در یك فیلم ویدیوئی که گفته می‌شود قبلاً آماده گردیده است، ضمن حمایت خود از حملات روز ۱۱ سپتامبر به آمریکا، تهدید کرد که عملیات و اقدامات بیشتری علیه آمریکا صورت خواهد گرفت.

در کشور ایتالیا، تهدیدات بن لادن برای حملات بیشتر تروریستی، بسیار جدی تلقی شده و به همین خاطر اقدامات

←

www.iran-archive.com

شدید امنیتی در دستور کار دولت این کشور قرار گرفته است. در عین حال از آمریکا خبر می‌رسد که صدها نفر از طرفداران جنبش ضد سرمایه‌داری در اعتراض به آغاز جنگ آمریکا و متحدانش علیه افغانستان به تظاهرات پرداخته‌اند. پیش بینی می‌شود که مخالفت با جنگ در اروپا و در اقصی نقاط جهان گسترش یابد. دو هفته قبل در شهر برلین در آلمان اتحادیه‌ی ضد جنگ تأسیس شد و قرار بر این گذاشته‌اند که روزی که حمله به افغانستان شروع خواهد شد دست به تظاهرات و اعتراض بزنند.

در شمال افغانستان نیروهای مخالف طالبان به جنب و جوش نوینی افتادند. هم زمان با حمله‌ی آمریکا، نیروها و ائتلاف ضد طالبان دست به حملات جدیدی علیه طالبان زده‌اند. در شمال افغانستان تاجیکستان حمایت خود را از حملات آمریکا اعلام کرد و خاطر نشان ساخت که حاضر است حریم هوایی و پایگاه‌های هوائی‌اش را در اختیار نیروهای آمریکا و متحدان قرار دهد.

***

خودسوزی زنان در ایران

پدیده‌ی دل خراش و دردآور خودسوزی زنان به ویژه دختران و زنان جوان در ایران امروزی، وضعیت هولناك و شرایطی را که زنان محروم این جامعه در آن بسر می‌برند، نشان می‌دهد. خودسوزی به تنها راه نجات تعداد زیادی از دختران و زنان تبدیل شده است که از دست فشارها و اخلاقیت های عقب مانده، سنت های ارتجاعی، توهین و بی‌احترامی، مرد سالاری و رفتار و خشونت آمیز خانواده و شوهران و هم چنین قوانین ظالمانه‌ای که جمهوری اسلامی علیه زنان به اجرا درمی‌آورده تبدیل شده است. بسیاری از خودسوزی‌ها، داستان غم‌انگیزی را بازگو می‌کند که چگونه زن و یا دختر جوانی بخاطر بدیهی ترین مسائل و انسانی‌ترین حقوق خویش اقدام به خودسوزی کرده است. بسیاری از مشکلاتی که این زنان با آن درگیر هستند، در بخش اعظمی از کره‌ی زمین حل شده است. حق ازدواج آزادانه از آنان سلب می‌شود، حق دلداری و عاشق شدن، حق مسافرت آزادانه، حق صحبت با پسران، حق تحصیل، حق مشارکت در سرنوشت خود و فرزندانش، حق تصمیم گیری در مورد خانواده و غیره و غیره از این زنان آشکارا سلب می‌گردد. در این میان جمهوری اسلامی به عنوان این که ارتجاعی‌ترین و غیرانسانی‌ترین رفتار را با زنان قانونی و شرعی‌و الهی کرده است، مقصر اصلی است. جمهوری اسلامی در دو دهه‌ی گذشته در ایران، حافظ اصلی ستم بر زنان، عامل اصلی زن ستیزی و مدافع قدرتمند تبعیض و ظلم و زور بر زنان بوده است. این شرایط است که در بسیاری موارد، زنان و دختران را جوان را به خودسوزی می‌کشاند و تنها راه‌نجات را از وضعیتی که در آن گرفتار شده‌اند، خودسوزی و خودکشی می‌دانند.

روزنامه‌ی همشهری چاپ تهران در شماره‌ی هشتم مهر ماه خود به مواردی از خودسوزی زنان اشاره کرده و می‌نویسد: "در سال ۱۳۷٦ در استان ایلام از مجموع ۳٤۱ خودکشی ٦۳ درصد مربوط به زنان بوده است. در سال ۱۳۷۷ از مجموع ۳٤٤ خودکشی ٦٤/٥ درصد به زنان مربوط می‌شده است. در سال ۱۳۷۸ از مجموع ۲۷۱ مورد خودکشی ٦۱ درصد مربوط به زنان بوده و بالاخره در سال ۱۳۷۹ از مجموع ۳٤۱ خودکشی ٦٥ درصد به زنان مربوط است." در این خودکشی‌ها، خودسوزی از رایج ترین شیوه‌های آن بوده است.

در کردستان نیز آمار خودسوزی دختران و زنان جوان بالاست. رادیو صدای کومه‌له همواره اخبار دردناك خودسوزی‌های صورت گرفته را پخش نموده و در عین حال سعی بر آن داشته است که یك حرکت عمومی، یك تکان و یك جنبش را برای کاستن و یا از بین بردن چنین فجایعی به وجود آورد. اکنون نیز وظیفه‌ی تمام عناصر پیشرو، روشنفکران، جامعه‌ی معلمان و ادیبان، پدران و مادران متعهد و همه‌ی فعالین سوسیالیستی است که در مقابل پدیده‌ی‌خودسوزی و خودکشی به ویژه زنان و دختران خاموش نمانند و دست به اقدام بزنند.

***

سنندج

خودسوزی یك جوان

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه دهم مهر ماه جاری یك جوان راننده‌ی تاکسی پس از آن که به دفعات از طرف پلیس های باج گیر راهنمایی و رانندگی جریمه می‌شوند، بر اثر فشارهای وارده روحی بر وی در میدان آزادی (اقبال سابق) با ریختن بنزین بر روی خود اقدام به خود سوزی می‌کند که متأسفانه بر اثر سوختگی شدید این راننده‌ی جوان جانش را از دست می‌دهد.ما ضمن تسلیت به خانواده و اقوام و آشنایان این جوان خود را شریك غم و اندوه آنان می‌دانیم و جمهوری اسلامی را عامل اصلی مرگ این جوانان می‌دانیم. رژیمی که شرایط زندگی میلیون ها نفر را در ایران در تاریکی مطلق فرو برده است. رژیمی که مرگ و یأس و ناامیدی‌هایی را در میان مردم موقعیتی برای خود و ضامنی برای تداوم حاکمیتش می‌داند.

رادیو کومه‌له
با رادیو کومه‌له هم کاری کنید
آدرس الکترونیکی رادیو کومه‌له:
Komala_radio@hotmail.com

خبرنامه‌ی کومه‌له
با خبرنامه‌ی کومه‌له هم کاری کنید
آدرس الکترونیکی خبرنامه:
Khabarnameh_komala@hotmail.com

www.iran-archive.com

راهپیمایی ۱۰ هزار نفر از کارگران کارخانجات نساجی اصفهان

روز پنج شنبه ۱۲ مهر ماه شهر اصفهان شاهد راهپیمایی و تجمعات اعتراضی هزاران نفر از کارخانجات نساجی این شهر بود. تعداد این کارگران بنا به آمارهای چاپ شده در روزنامه‌های رژیم تا حدود ۱۰ هزار نفر برآورده شده است. در میان این کارگران، صدها کارگر زن نیز حضور داشته‌اند.

اعتراضات هزاران کارگر در این روز در شهر اصفهان با راه‌پیمایی‌های طولانی در سطح شهر، تجمع در مقابل استانداری و سر دادن شعارهایی علیه مجلس شورای اسلامی، استاندار و نیروهای انتظامی همراه بوده است.

کارگران معترض در ادامه‌ی راهپیمایی خود در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. هنگامی که کارگران قصد آن را داشتند که وارد استانداری شوند با واکنش تند و خشن نیروهای انتظامی روبرو شدند و در این هنگام درگیری شدید شروع شد. کارگران معترض در واکنش به حملات و تهاجمات نیروهای انتظامی که با شلیک گازهای اشک آور توام بود، به شکستن شیشه‌های چند سینما و کیوسک پلیس ۱۱۰ در چهارباغ و به آتش کشیدن یك موتور سیکلت پلیس اقدام کردند. (روزنامه‌ی کیهان شنبه ١٤ مهر ماه)

اعتراض کارگران بنا به نوشته‌ی روزنامه‌های رژیم علیه بند "دال" مصوبه‌ی اخیر مجلس در خصوص بازسازی صنایع نساجی صورت گرفته است که با توجه به مدرن شدن دستگاه‌های کارخانجات تعدیل کارگران را پیشبینی کرده است.

تظاهرات گسترده و راهپیمایی ۱۰ هزار نفری کارگران کارخانجات نساجی اصفهان و هم چنین مقابله متحدانه‌ی آنان علیه واکنش های تند و خشن نیروی انتظامی، انعکاس گسترده‌ای یافته است و ارگان ها و مقامات رژیم واکنش های متفاوتی از خود نشان داده‌اند. روزنامه‌ی کیهان چاپ تهران ضمن خبر این تظاهرات همانند همیشه در پی آن بود که رقابت های جناحی و جنگ قدرت درونی رژیم از آن بهره گیرد.

خبرگزاری دانشجویان ایران به نقل از (یك مقام مسئول در خانه‌ی کارگر اصفهان) می‌نویسد: کارگران نساجی اصفهان نقشی در اختشاشات اخیر این شهر نداشتند. علی رضا شاکرین قائم مقام دبیر اجرایی خانه‌ی کارگر در استان اصفهان در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی ایسنا_خبرگزاری دانشجویان ایران_ می‌گوید: به خشونت کشیده شدن راهپیمایی اخیر کارگران اصفهان را بازتاب عمل کرد نامناسب وزارت کشور دانست و مدعی شد علی رغم مذاکرات خانه‌ی کارگر با وزارت کشور برای اخذ مجوز قانونی جهت برگزاری راهپیمایی کارگران صنعت نساجی، وزارت خانه‌ی مذکور تصمیم نهایی خود را مبنی بر عدم برگزاری آن تجمع در آخرین ساعت وقت اداری روز چهارشنبه‌ی گذشته که عملاً امکان دسترسی به کارگران جهت اعلام این خبر غیر ممکن بود، اتخاذ کرد. پس از اعلام موافقت وزارت کشور در زمینه‌ی برگزاری این تجمع خانه‌ی کارگر استان با راسال بیانیه‌ای با هدف آگاهی کارگران از عدم برپایی این راهپیمایی خواستار اعلام آن از طریق صدا و سیما شد که این مسأله نیز از طرف مسئولان وزارتخانه‌ی مذکور مورد موافقت قرار نگرفت.

به قول این مقام خانه‌ی کارگر اصفهان اختشاش گران را افرادی خارج از مجموعه‌ی کارگری عنوان کرد و گفت علی‌رغم اطلاعات ارائه شده در زمینه‌ی حمله‌ی کارگران به ساختمان فرمانداری و به آتش کشیدن یك باجه‌ی متعلق به نیروی انتظامی و یك دستگاه موتور پلیس، راهپیمایی کارگران از محل خانه‌ی کارگر تا ساختمان فرمانداری به صورت آرام برگزار شد و به این ترتیب کارگران هیچ نقشی در حمله به ساختمان فرمانداری اصفهان نداشتند. در رابطه با اعتراضات روز پنج شنبه‌ی گذشته ده هزار نفر از کارگران کارخانه‌ی نساجی اصفهان، خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی ایران با صدور اطلاعیه‌ای با تاکید بر (قانونی بودن حق اعتصاب در کشور) خواستار جلوگیری از تعیب و بازداشت اعتصاب کنندگان شد. اطلاعیه‌ی خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی که توسط خبرگزاری ایرنا انتشار یافته است می‌افزاید که: حوادث اخیر و درگیری کارگران نساجی‌های اصفهان با نیروهای انتظامی از نتایج بارز جلوگیری از تحرکات غیر قانونی معترضانه کارگران است. اطلاعیه خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی هم چنین اشاره می‌کند که: (سخن جامعه‌ی کارگری این است که نباید کسی برای استفاده از حق اعتصاب تحت تعقیب قرار گیرد و بازداشت شود). چرا که به نظر خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی ایران: (از سال ۱۳۷۷ تا کنون قوانین کار ایران حق اعتصاب را به رسمیت شناخته و هیچ قانون کاری آن را ممنوع نکرده است).

اما تلاش های خانه‌ی کارگر جمهوری اسلامی و مقامات آن در اصفهان برای نشان دادن این که در اعتراضات کارگری و به ویژه در حمله به مراکز دولتی کارگران دخیل نبوده‌اند و بلکه از ترفندهای قدیمی و شناخته شده و خنثی "عده‌ای اختشاش گر" استفاده شده است، کاری عبث و بیهوده است. طی ماه‌های گذشته شهر اصفهان بارها شاهد راهپیمایی‌ها، اعتراضات و اعتصابات متعدد کارگران کارخانجات نساجی بوده است. این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه‌ی خود، بی‌کاری سازی، خصوصی سازی و ورشکستگی و تعطیلی مراکز تولیدی به خیابان ها آمده‌اند، تجمع اعتراضی بر پا داشته‌اند و یا دست به اعتصاب زده‌اند. در یازدهم اسفند ماه سال گذشته، سال ۱۳۷۹ نیز کارگران در اصفهان دست به یك راهپیمایی گسترده در سطح شهر زدند که در رسانه‌های جهانی انعکاس گسترده‌ای یافت. کارگران کارخانجات مختلف نساجی طی ماه‌های گذشته بارها دست به اعتصاب و یا تجمع اعتراضی زده‌اند. اما کارگران اصفهان، تنها کارگرانی نیستند که با مسأله‌ی عدم پرداخت حقوق معوقه، ورشکستگی مراکز تولیدی و بی‌کار سازی روبرو بودند. بخش اعظم کارگران شاغل در ایران هم اکنون با مسأله‌ی عدم پرداخت به موقع دستمزدها دست به گریبانند. و مبارزه با عدم پرداخت دستمزدها یکی از هدف های اساسی مبارزات اخیر کارگران ایران را تشکیل می‌دهد. هم اکنون در ایران حداقل ۵۰۰ مرکز تولیدی از پرداخت دستمزد کارگرانشان امتناع می‌ورزند.

طی ماه‌های گذشته گسترش مبارزات کارگری و تجمعات اعتراضی کارگران، موجب برانگیختن بحث ها و اقداماتی در میان ارگان ها و مقامات رژیم جمهوری اسلامی از قبیل وزارت کشور، مجلس، خانه‌ی کارگر و نمایندگانشان شده است. از حق اعتصاب کارگری سخن به میان می‌آید، از بحران های کارگری و خطرات آن، از خطر آوانتوریسم در جنبش کارگری قلمفرسایی شده است و از سیاسی نکردن تجمعات کارگری بحث شده است. واکنش های رژیم طی ماه‌های گذشته، به خوبی نشان می‌دهد که اعتصابات و اعتراضات کارگری و گسترش آن و در نتیجه خیزش مجدد جنبش کارگری در ابعادی گسترده و سراسری یك احتمال واقعی است که از دیده‌ی ارگان های رژیم مخفی نمانده است. نویسندگان رژیم صریحاً از (گسترش حرکات کارگری و امید بستن به مارکسیست ها) به آن‌ها قلم به دست گرفته‌اند. در این میان جناحی از رژیم در پی آن است تا با دادن امتیازاتی، بحران عمومی‌تر و اعتصابات و اعتراضات کارگری را مدتی دیگر به تعویق بیاندازد.

م . روبین

***

www.iran-archive.com

اعتصاب کارگران بندر باهنر (بندر عباس)

بنا به گزارشات منتشره روز سه‌شنبه دهم مهر ماه جاری کارگران تخلیه و بارگیر بندر باهنر (بندر عباس) دست به اعتصاب زدند. در این گزارش آمده است که ۳۰۰ تن از کارگران تخلیه و بارگیر بندر باهنر در اعتراض به شرایط کاری دست به اعتصاب زده‌اند و فعالیت های این بندر را عملاً راکد گذاشته‌اند.

کارگران چیت ری جاده‌ی تهران _ کرج را مسدود کردند

کارگران کارخانه‌ی چیت ری برای چندمین بار طی ماه‌های گذشته دست به اعتراض زدند. کارگران این کارخانه طی روزهای هفتم و هشتم مهر ماه جاری در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان طی سه‌س ماه گذشته جاده‌ی تهران کرج را مسدود کردند که در هر دو روز به مدت چندین ساعت ادامه داشت. تعداد این کارگران که بیش از ۴۰۰ نفر برآورد می‌شد پس از قول رسیدگی به مشکلاتشان از سوی کارفرمایان کارخانه به اعتراض خود خاتمه دادند.

۱۵ ضربه شلاق برای یك نوجوان ۱۵ ساله

بنا به گزارشی که روزنامه‌های چاپ تهران انتشار داده‌اند نوجوان ۱۵ ساله‌ای به علت حمل و نگهداری ۳ گرم تریاك در دادگاه اطفال مورد محاکمه قرار گرفت.

روزنامه‌ی توسعه به نقل از گزارش خبرنگار خود در این باره چنین می‌نویسد: این نوجوان که محمد نام دارد، در هفتم مهر ماه امسال مورد اغفال یکی از دوستان ۲۴ ساله‌ی خود به نام محمد قرار گرفت. از آنجائیکه دوستش دارای اعتیاد شدیدی بود، مقدار ۳ گرم تریاك را جهت نگهداری به وی داد ولی بعد از گذشت دقایقی مأموران گشت نیروی انتظامی حین گشت زنی در محل به محمد مظنون شده و او را مورد بازرسی بدنی قرار داد و ۳ گرم تریاك را کشف کردند. مأموران سپس محمد را به دادگاه انقلاب فرستادند. از آن جائیکه محمد دارای ۱۵ سال سن می‌باشد دادگاه انقلاب جهت بررسی بر روی وی پرونده‌ی عدم صلاحیت خود را اعلام و محمد را به همراه پرونده به دادگاه اطفال منتقل کردند.

قاضی غلامی رئیس شعبه‌ی ۲۱۰۴ مجمع قضائی اطفال با تحقیق و بررسی پرونده‌ی مذکور دریافت که وی اعتیادی ندارد ولی محمد را به جرم حمل و نگهداری تریاك به ۷ هزار تومان جریمه‌ی نقدی و ۱۵ ضربه شلاق محکوم کرد.

این سرنوشت غم انگیز یك نوجوان در جمهوری اسلامی است. پر واضح است که این نوجوان گناهی ندارد. پر واضح است که این نوجوان قربانی شرایط و نابسامانی و تباهی جامعه‌ای شده است که بیست و دو سال است تحت حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارد. سرنوشت غم انگیز و دردآور محمد و جمهوری اسلامی سرنوشت نسلی از نوجوانان و جوانان این دیار است که از بد اقبالی در جمهوری اسلامی پا به عرصه‌ی وجود نهاده‌اند. حکم صادره برای محمد نوجوان هیچ گونه مشروعیتی ندارد. این جمهوری اسلامی ایران است که باید به محاکمه کشیده شود. محاکمه‌ی یك نوجوان و حکم شلاق برای وی افتخاری ندارد، چنین فرمانروایانی باید شرم که جای پروراندن این جوانان، به شکوفا کردن استعدادهایشان و به جای تربیت آن برای فردای جامعه، این چنین به تباهی و فساد کشیده می‌شوند.

ما ضمن محکوم نمودن چنین حکمی، ضمن مخالفت خود با حکم شلاق برای یك نوجوان ۱۵ ساله، بار دیگر اعلام می‌داریم که جمهوری اسلامی عامل اصلی گسترش اعتیاد، چشش مواد مخدر و معتاد کردن جوانان در ایران است.

مجازات های اسلامی درملاعام هم چنان ادامه دارد

طی هفته‌های گذشته موارد فراوانی از اجرای مجازات های اسلامی در ملا عام در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تنفر و انزجار مجدد همگان را علیه این رژیم برانگیخته است، موراد فراوانی اعدام، شلاق زدن، سنگسار، و قطع اعضای بدن در ملا عام در شهرهای بزرگ و کوچك بار دیگر اقدامات رژیم اسلامی را برای ایجاد رعب و وحشت تشدید کرده است.

در تازه‌ترین اخباری که انتشار یافته است، ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی گزارش می‌دهد که ٦ جوان به قول این خبرگزاری، مجرم در شهرستان دورود در ملا عام شلاق خوردند. ایرنا در گزارش خود چنین می‌نویسد:

شش جوان در دورود (جنوب غرب ایران) طی سه روز گذشته به جرم شرب خمر و و اعمال منافی عفت به حکم قاضی شعبه‌ی چهارم دادگستری این شهر در ملا عام شلاق خوردند. بنا به این گزارش چند نفر از متهمان که بین ۱۹ تا ۲۷ سال سن داشتند، یکشنبه در محل پارك ساحلی دورود به جرم شرب خمر هر کدام متحمل ۸۰ ضربه شلاق در ملاعام شدند و یك جوان دیگر دورودی به جرم زنا متحمل یکصد ضربه تازیانه شد.

رئیس دادگستری دورود در این باره گفت: اجرای حدود الهی در ملاعام موجب تضمین امنیت و سلامت جامعه خواهد شد. و یك مقام مسئوول در فرمانداری دورود گفت: در تابستان امسال ۹ مورد حکم شلاق در ملاعام در دورود اجرا شد."

نسل جوان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این چنین به تباهی کشیده شده است. میلیون ها جوان در ایران بی‌کارند، میلیون ها جوان هر روز ممکن است تازیانه‌ی ارتجاع و جهل و خرافه وجودشان را به شلاق بکشد، میلیون ها جوان تحت حاکمیت رژیم اسلامی از هر گونه امکانات آموزشی، رفاهی، تفریحی و از هر گونه پرورش و بارآوری محروم مانده‌اند، نسل جوان امروز قرار است نسل والدین فردای این جامعه باشد، ابعاد تباهی‌آور حاکمیت جمهوری اسلامی از هم اکنون جامعه‌ی بزرگ ایران را دربر گرفته است.

اجرای حدود الهی در ملاعام طی هفته‌های گذشته قرار است، بار دیگر جامعه در وحشت و نگرانی فرو برد. این مجازات ها به هیچ عنوان میزان جرایم و تباه‌کاری را کاهش نمی‌دهد اگر چنین بود چرا جمهوری اسلامی نتوانسته نه فقط میزان جرایم را کاهش دهد بلکه تحت حاکمیتش ابعاد آن به طرز هولناکی گسترش یافته است. این مجازات ها قرار است کرامت و شخصیت انسانی را لگد مال کند، قرار است اعتماد به نفس و جسارت را خفه کند، قرار است وحشت دائمی را در جامعه حاکم کند. اجرای احکام اسلامی در یك کلام جامعه و سرنوشت آن را در تباهی دردآورتری گرفتار خواهد کرد.

با تمام توان علیه اجرای مجازات های اسلامی در ملاعام به مبارزه برخیزیم. صدای اعتراض مان را بلند کنیم و متحدانه رژیم اسلامی را در پیش ببرد و نیات و اهداف ضد انسانی‌اش به عقب برانیم.

www.iran-archive.com

سنندج

توطئه‌های رژیم برای گسترش مواد مخدر در کردستان

طی ماه‌های گذشته رادیو صدای کومه‌له در تلاش بوده است تا سیاست ها و شگردهای جمهوری اسلامی را برای گسترش اعتیاد مواد مخدر در کردستان افشا نماید. جمهوری اسلامی سیاست معتاد کردن جوانان را به اولویت های کار خود در کردستان تبدیل کرده است. تمام مأمورین اطلاعات به گونه‌ای دست اندرکار گسترش اعتیاد و پخش مواد مخدر در کردستان هستند. چندی است که تریاك نایاب شده و قیمت آن نیز گران تر شده است. اما در عوض هروئین به فراوانی یافت می‌شود و با قیمت های نازل در دسترس متقاضیان قرار می‌گیرد. این در حالی است که هروئین و دیگر مواد مخدر ویرانگر ارزان تر از سیگار شده است. مأموران رژیم واکنش های شدیدی در رابطه با مشروب خواری و خرید و فروش آن از خود نشان می‌دهند اما آشکارا چشم خود را بر خرید و فروش و پخش انواع مواد مخدر بسته‌اند.

در رابطه با توطئه‌های رژیم برای گسترش مواد مخدر در کردستان از سنندج خبری به رادیو صدای کومه‌له رسیده است مبنی بر این که جمهوری اسلامی ۷۰ خانواده‌ی ساکن کرمانشاه را که آلوده به مواد مخدر هستند به شهر سنندج تبعید کرده است. این اقدام جمهوری اسلامی چیزی نیست جز اقدامی برای آلوده کردن شهرهای کردستان از یك سو، و از سوی دیگر گسترش یك جنگ روانی در میان مردم است. جمهوری اسلامی با این اقدامات در پی آن است که مردم را علیه ۷۰ خانوار و موارد شبیه آن تحریك کند و اذهان مردم را از علل واقعی گسترش اعتیاد و پخش مواد مخدر منحرف سازد. مردم هوشیار کردستان علی‌رغم مخالفت با تبعید چنین خانواده‌هایی به شهرهای کردستان، به رژیم اجازه نخواهند داد که این خانواده‌ها را قربانی توطئه‌های خود کنند. مردم کردستان به جمهوری اسلامی اجازه نخواهند داد که مبارزه و مخالفت مردم علیه اعتیاد و گسترش آن به کج راه برده شود.

تهران

بازداشت گسترده‌ی جوانان پس از مسابقه‌ی فوتبال

پس از برگزاری مسابقه‌ی فوتبال میان تیم های ایران و تایلند، روزنامه‌ی ایران چاپ تهران به تاریخ یکشنبه ۱۵ مهر ماه از قول سردار انصاری می‌نویسد: ۱۱۰ تن از جوانان فرصت طلب که پس از بازی ایران و تایلند اقدام به بر هم زدن نظم عمومی کرده بودند، بازداشت شدند. سردار محسن انصاری در گفت و گوئی اختصاصی در این باره گفته است که: این جوانان در منطقه‌ی غرب تهران در حالی که شهروندان تهرانی بعد از بازی فوتبال شادی می‌کردند، نظم عمومی را به هم زدند. وی اشاره کرد که: ۷۰ تن دیگر در مسابقه‌ی فوتبال بازداشت شدند و اظهار داشت که دستگیر شدگان از سوی پلیس، در اختیار دستگاه قضایی قرار گرفته‌اند.

برگزاری مسابقات فوتبال همواره فرصت مناسبی بوده است که مردم و بویژه جوانان برای لحظاتی بدور هم گرد آیند و به شادی و پایکوبی بپردازند. پیروزی‌های تیم ایران موجبی می‌شود برای بروز خوشحالی و در عین حال نشان دادن تنفر و انزجارشان از جمهوری اسلامی. به این دلیل است که رژیم قبل از آغاز مسابقات تدابیر امنیتی شدیدی را اتخاذ می‌نماید.

www.iran-archive.com

بقیه‌ی سوسیالیسم یا بربریت؟..... از ص ۲

در جهت منافع جنگی‌شان قرار دارد. بر جنبش ضد کاپیتالیستی که طی دو سال گذشته پابه عرصه‌ی وجود قدرتمندی گذاشته است، بر بی‌کار سازی فقط صد هزار پرسنل شرکت های هوایی در هفته‌های اخیر، بر نژادپرستی و ناسیونالیسم کور و تنگ نظرانه، بر برقرار ساختن دور جدیدی از جنگ، آوارگی، کشتار و کاشتن دور جدیدی از کینه‌ی قومی، مذهبی و نژادی و ...سرپوش گذاشته‌اند.

جنگ جاری، عامل یا عاملان واقعی رشد و وجود طالبان ها و بن لادن ها، جمهوری اسلامی ها، اسرائیلی‌ها و غیره راپنهان ساخته است. جنگ جاری رسالتش این است که تاریخ دهه‌های گذشته را وارونه جلوه دهد که امپریالیسم آمریکا و غرب برای محدود ساختن رقیب جهانی‌شان یعنی شوروی، کمربند سبز را بدور آن ایجاد کردند و لاجرم به تقویت و رشد و گسترش و حضور جریانات بنیادگرا، قمه‌کش و ارتجاعی مشروعیت بخشیدند. جنگ جاری قرار است این واقعیت عیان را پنهان سازد که شرایط حاکم بر خاورمیانه، وجود دولت نژادپرست اسرائیل و ارتجاعی‌ترین کشورهای جهان، همراه با فقر و بی‌عدالتی که وسیعاً حاکم است و آمریکا و غرب در حاکم شدن چنین شرایطی نقش بی‌چون و چرایی داشتند، عامل اساسی رشد و تقویت جریانات ارتجاعی و روی کار آمدن و بقا و تداوم رژیم های سرکوب گر منطقه است.

جنگ جاری، باید بار دیگر سلطه‌ی قدرت های ارتجاعی و سرکوبگر را تحکیم سازد، فقر را تداوم بخشد و در کنار منابع و پروتهای بی‌کران آن، مردمی فقیر، بازمانده از رشد جهانی و غرق در کینه‌های قومی، مذهبی و ملی وجود داشته باشند تا شرایط انباشت سرمایه در این منطقه و غارت ثروت و سامان آن همانند دهه‌های گذشته پیش برده شود.

جنگ جاری همانند هر جنگ امپریالیستی دیگر باید با پیروزی قدرتمندترین و در عین حال ضدکارگری ترین جناح های سرمایه‌ی جهانی به پایان برسد. افغانستان همانند اشغال کویت بهانه‌ای بیش برای دست یازیدن و غارت و چپاول منابع غنی و استراتژیك خاورمیانه نیست. آن کس که این جنگ را به طرف های مدرن و غیر مدرن تقسیم می‌کند در واقع موقعیتش را در این جنگ و هم سوی‌اش را با یك طرف نشان داده است.

جنگ جاری بر تناقضات سرمایه‌داری و بر مصائب فراوان جامعه‌ی بشری به شدت خواهد افزود. و اکثریت عظیم جامعه‌ی بشری در برابر این دو راهی قرار خواهند گرفت که دیر هنگامی است جامعه‌ی "مدرن بورژوازی" به عنوان تنها راه ممکن نشان داده است: سوسیالیسم یا بربریت؟

رضا کعبی

آلمان

تشکیل اتحادیه‌ی ضد جنگ

تهدیدات آمریکا برای یک حمله‌ی سراسری و گسترده به افغانستان هر روزه شدت می‌یابد. صدها هزار نفر از مردم افغانستان بار دیگر جاده‌ها، کوها و دشت ها را در برگرفته‌اند تا بلکه از کشتار و بمباران نجات یابند. مقامات ارشد آمریکایی یکی پس از دیگری درباره‌ی حملات آمریکا به افغانستان سخن می‌گویند.

در مقابل تهدیدات آمریکا به جنگ، تمایلات و گرایشات ضد جنگ به تدریج کشورهای مختلف جهان را در بر می‌گیرد. بنا به گزارشی از آلمان، اتحادیه‌ای علیه جنگ در شهر برلین پایتخت آلمان تشکیل شده است.

در این گزارش آمده است که: در پی انفجار مراکز تجاری در نیویورک و واشنگتن و واکنش دول غربی عضو ناتو و تهدید به جنگ، اتحادیه‌ای در برلین بر علیه جنگ شکل گرفته است. هدف این اتحادیه که از نیروهای مستقل رادیکال چپ آلمانی تشکیل شده است، مبارزه برای توقف تدارکات جنگ و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن منجمله به سطح معیشت گروهای اجتماعی فرودست، تصویب قوانین ضد خارجی و غیره تعریف شده است.

بخشی از اتحادیه‌ی علیه جنگ (اتحادیه‌ی مدارس برلین) روز چهارشنبه ٤ مهر ماه اولین تظاهرات ضد جنگ را در برلین با شرکت بیش از هزار دانش‌آموز سازمان داد. روز شنبه‌ی گذشته نیز یک تظاهرات از طرف این اتحادیه سازمان داده شد که بیش از ٥ هزار نفر در آن شرکت داشتند. قرار بر این است تظاهراتی در روز حمله‌ی آمریکا به افغانستان در برلین صورت برگیرد. به احتمال فراوان این تظاهرات بدون اعلام به پلیس و کسب اجازه صورت خواهد گرفت. محل و ساعت این تظاهرات نیز تعیین گردیده است. و جنگ هر روز که صورت بگیرد تظاهرات نیز همان روز برگزار خواهد شد.

در دیگر کشورهای جهان از جمله ایتالیا و فیلیپین و هم چنین در دانشگاه‌های آمریکا اعتراضاتی بر علیه جنگ صورت گرفته است. در ایتالیا و فیلیپین هزاران تظاهر کننده مخالفت خود را با جنگ اعلام داشته‌اند.

در افغانستان در هر ۳۰ دقیقه یک مادر به هنگام زایمان می‌میرد

رنج و محرومیت زن افغانی اکنون در سراسر جهان برای همگان آشناست. طی سال های گذشته اگر جامعه‌ی افغانستان در نتیجه‌ی جنگ و کشتار و ارتجاع مذهبی به تباهی و نابودی کشانده شده است، زن افغانی نخستین قربانی چنین شرایطی بوده است. هیچ گزارش و خبر و رپرتاژ و مقاله‌ای نمی‌تواند زخم های عمیق زنان افغانستان را منعکس کند.

نماینده‌ی یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد) در جنوب شرقی آسیا هشدار داده است که: در هر ۳۰ دقیقه یک زن افغانی به هنگام زایمان می‌میرد و و از هر چهار نوزاد افغانی یک نوزاد به سن یک سالگی نمی‌رسد. یونیسف خواستار تجهیزات اردوگاهی آوارگان، پتو، لباس، سرپناه، دارو و مواد غذایی پیش از رسیدن زمستانی سخت در اواسط نوامبر یا اواخر آبان ماه است که خطر سؤتغذیه و گرسنگی به شدت افزایش می‌یابد. این گزارش که در روزنامه‌ی نوروز چاپ تهران به تاریخ یکشنبه ۱۵ مهر ماه به چاپ رسیده است از قول نماینده‌ی یونیسف می‌افزاید: هر چند کاروان هایی از کمک های انسان دوستانه را به افغانستان ارسال کرده‌ایم، ولی هنوز فاصله‌ی زیادی تا رفع نیازها در پیش داریم.

از یک میلیون نفر افراد بی‌خانمان در افغانستان ۵۰٪ کودکان و ۲۰٪ را زنان تشکیل می‌دهند.

با شروع حملات آمریکا به افغانستان، پیش بینی می‌شود بر تعداد آوارگان و لاجرم مصائب فراوانتر افزوده می‌شود.

رادیو کومه‌له_ ده‌نگی کومه‌له

ساعات پخش و طول موج رادیو صدای کومه‌له، ده‌نگی کومه‌له، رادیوی کومه‌له _

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران را به دوستان و آشنایان خود در ایران اطلاع دهید.

ساعات پخش برنامه‌های ده‌نگی کومه‌له به زبان کردی:

روز: ساعت ۱۲,۵

شب: ساعت ۸

Komala_radio@hotmail.com

بر روی دو موج کوتاه، ردیف های:

٦٥ متر برابر با ٤٦٠٠ کیلوهرتز

٤٩ متر برابر با ٦٨١٥ کیلوهرتز

ساعات پخش برنامه‌های فارسی صدای کومه‌له به دنبال برنامه‌های کردی می‌باشد

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
friday
12 / 10 / 2001
No: 31

بیانیه‌ی پایانی استعفای نمایندگان استان کردستان در مجلس

حمله به مردم و تهدید آنان و سوگند به وحدت ، امنیت و اقتدار جمهوری اسلامی

روز یکشنبه پانزدهم مهر ماه نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی با انتشار بیانیه‌ای ضمن این که مسأله‌ی استعفای خود را تلویحاً منتفی اعلام کردند، خطاب به مردم کردستان پیامی داده‌اند که نیات واقعی و نقش آنان را در رابطه با مطالبات مردم مبارز کردستان بار دیگر به روشنی نشان داد.

مجمع نمایندگان استان کردستان اعلام کرده‌اند که: "به رغم پذیرفته نشدن استعفای دسته جمعی نمایندگان این استان با بهره‌گیری از اختیارات قانونی نمایندگی مجلس، مطالبات بر حق و قانونی این مردم را تعقیب خواهیم کرد." اما بیانیه‌ی نمایندگان مجلس بلافاصله به تهدید مردم می‌پردازد و می‌نویسد، "مبادا اشخاصی با نیت شوم در بین جمع صمیمی شما رسوخ و حرکاتی ناپسند و تفرقه‌افکنانه انجام دهند و اغتشاش به وجود آورند."

این نمایندگان در پایان بیانیه‌ی خود صریحاً نوشته‌اند: "ما در راه ایجاد واقعی نه صوری وحدت ملی و بالنتیجه امنیت ملی پایدار که بدون مشارکت صمیمانه‌ی همه‌ی مردم میسر و ممکن نیست، اقدام به استعفا کردیم و در سالی که به نام اقتدار ملی نامگذاری شده برای احقاق حقوق برابر مردم تلاش خواهیم کرد."

بدین ترتیب بیانیه‌ی پایانی استعفای مجمع نمایندگان استان کردستان با حمله به مردم و هشدار در مورد رسوخ اشخاص با نیات شوم در میان مردم و اغتشاش که اتهام آشنای رژیم های خودکامه علیه جنبش و اعتراض مردم است، با تأکید مجدد بر وحدت ملی، امنیت ملی و اقتدار ملی که همانا وحدت جمهوری اسلامی، امنیت جمهوری اسلامی و اقتدار جمهوری اسلامی است، بار دیگر جایگاه واقعی‌شان و تعلق شان را نشان دادند.

مجمع نمایندگان استان کردستان در بیانیه‌ی خود که معنایی جز صرفنظر کردن از استعفای خود ندارند، به جای توضیح قانع کننده‌ای برای این تصمیم خود و این که آیا بالاخره نسبت به اقدام آنان چه برخوردی صورت گرفته است، بر آن آمده‌اند تا با تأکید مجدد بر اقتدار و امنیت و وحدت جمهوری اسلامی و هم چنین هشدار به مردم کردستان درباره‌ی اغتشاش و رسوخ افراد با نیت شوم، مسأله‌ی اقدام شان را به استعفا و جنجالی که در پی آن آمد، جبران نمایند.

واقعیت این است با اعلام استعفای این نمایندگان، توده‌های مردم کردستان اعتماد به نفس و باور به خود در وجودشان تقویت شد. نه به این خاطر که چند نفر به طرح جزیی‌ترین مطالبات آنان پرداخته‌اند، بلکه اساساً به این دلیل که با تداوم جنبش شان، با ایستادگی و قبول نکردن حاکمیت جمهوری اسلامی کاری کرده‌اند که مبارزات و مطالباتشان حتی در مجلس شورای اسلامی انعکاس بیابد. استعفای نمایندگان کردستان، اعتراف به وجود جنبش انقلابی مردم، اعتراف به مطالبات مردم و اعتراف به این واقعیت است که جمهوری اسلامی نمی‌تواند نسبت به مطالبات و جنبش و اوضاع کردستان بی‌تفاوت باشد. پرواضح است که این نمایندگان و به تبع آن جمهوری اسلامی اهداف خود را تعقیب می‌کنند، نشان دادن این واقعیت در حالی که مردم کردستان بیش از بیست سال است علیه این رژیم ایستاده‌اند، ضرورتی ندارد، مسأله این است که با چنین اقداماتی اتفاقاً مردم کردستان در پافشاری و طرح مطالبات خود مصرتر خواهند شد. بر آنان اثبات خواهد شد که بالاخره با ایستادگی و استواری خود به صفوف دشمن شان شکاف انداخته‌اند و یا دیگران را تکان داده‌اند.

اما بیانیه‌ی پایانی مجمع نمایندگان استان کردستان و حمله‌ی مستقیم آنان به مردم، تأثیری بر جنبش انقلابی و مردم ستمدیده‌ی کردستان ندارد. قبل از هر چیز این نمایندگان دوری‌شان را از مردم و مطالبات آنان نشان داده‌اند. مردم کردستان از همان ابتدای استعفای این نمایندگان هشیارانه در پی آن بوده‌اند که این استعفا را به مجرای مبارزات مردم کردستان، هم چون امکانی برای طرح مطالبات اساسی‌تر خود و به عنوان شرایطی که می‌تواند صدای جنبش حق طلبانه را برای چند روزی در رسانه‌های جهان مطرح کند، نگریسته‌اند. صحبت از توهم مردم کردستان به این نمایندگان یا نگرانی از فریب مردم با این استعفاها، اساساً در نظر نگرفتن شعور و آگاهی این مردم و تجربه‌ی بیش از دو دهه مبارزه، مقاومت و پایداری مردم مبارز کردستان است.

مجمع نمایندگان استان کردستان می‌توانستند با پافشاری بر استعفای خود، با اقدام به استعفای فردی که هیأت رئیسه‌ی مجلس از آنان خواسته بود، و قرار گرفتن در کنار مردم مبارز کردستان، نشان دهند که مجلس شورای اسلامی، که وزارت کشور و کل جمهوری اسلامی کماکان دشمن قسم خورده‌ی مردم کردستان هستند. مجمع نمایندگان می‌توانستند با پافشاری بر استعفای خویش، خاطره‌ی بسیار مثبتی را برای خود در میان مردم کردستان به جا بگذارند.

در چنین حالتی هم نام خود را در کنار مردم مبارز کردستان ثبت می‌کردند، هم صدای حق طلبانه‌ی این مردم حداقل برای چند روز یا هفته در رسانه‌های همگانی مطرح کرده‌اند و هم اینکه جمهوری اسلامی را در اقدامات بعدی محتاط تر می‌کرد.

اما انتخاب چنین مسیری برای خود و صادر کردن چنین بیانیه‌ای با چنین لحن و محتوایی بر بی‌اعتباری خود افزوده‌اند و گرنه بر موانع و مبارزات مردم و جنبش انقلابی خلق کرد چیزی اضافه نشده است.

***

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۳۲

چهارشنبه ۲۵ مهر ماه ۱۳۸۰

شهر بوکان شاهد یك واقعه‌ی به‌یاد ماندنی

سحرگاه روز دوشنبه شانزدهم مهر ماه جاری شهر بوکان شاهد غم انگیزترین و در عین حال زیباترین لحظات خود بود. لحظاتی چنان دلگیر و غم انگیز و اشك آور که تمام وجود هر انسان و هر وجدان شرافتمندی را آزار می‌داد. اما پایان این لحظات به همان اندازه پر از شادی، انساندوستی و گذشت بود که در یك سحرگاه زردرنگ پائیزی، انسانی را در پناه مهربانی و انسانیت مادر داغدیده‌ای نجات داد.

از یك قتل غیر عمد سخن می‌گویم. از مادری که به اصطلاح "قاتل" جگر گوشه‌اش را مورد عفو قرار می‌دهد، از صحنه‌ی پر از وحشت قصاص و اعدام در ملا عام سخن می‌گویم. چند سال قبل در یك رویداد کاملاً تصادفی فردی به دست مهندس رضا عثمانی جانش را از دست می‌دهد. مهندس رضا عثمانی تا تاریخ ۱۶ مهر ماه ۱۳۸۰ در زندان به سر برد. بر اساس حکم دادگاه به جرم کشتن یك نفر مهندس عثمانی حکم اعدام برایش صادر شده بود و این حکم می‌بایست روز شانزدهم مهر ماه جاری اجرا می‌شد.

سحرگاه این روز مردم فراوانی در مقابل در زندان شهر بوکان اجتماع کردند. ساعت ٦ بامداد هزاران نفر از مردم شرافتمند و آگاه بوکان شهر بوکان برای قانع کردن خانواده‌ی مقتول به منظور بخشش و عفو مهندس عثمانی جمع می‌شوند. ساعت ٦ بامداد مهندس عثمانی را پای چوبه‌ی دار می‌روند. مقامات زندان از هزاران نفری که...

ص۲

تداوم جنگ در افغانستان

سنندج

درگیری مردم و نیروهای انتظامی

بنا به خبری که از شهر سنندج به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، روز دوشنبه‌ی گذشته بیست و سوم مهر ماه ساعت ٤ بعدازظهر درگیری شدیدی میان نیروهای انتظامی رژیم و مردم در ترمینال مریوان در شهر سنندج رویی داد. طی روزهای گذشته نیروهای انتظامی رژیم چند بار به ترمینال مریوان هجوم برده و به اذیت و آذار مغازه‌داران پرداخته و کالای آنان را به ویژه پارچه به عنوان کالای قاچاق مصادره کرده‌اند. روز دوشنبه هنگامی که یك بار دیگر سروکله‌ی نیروهای انتظامی پیدا شد، مردم به مقابله با آن برخواستند و درگیری شدیدی که منجر به کتك کاری شدید افراد نیروی انتظامی از سوی مردم شد، روی داد.

نیروهای رژیم که در مقابل ایستادگی مردم، ناتوان شده بوده بودند تقاضای نیروی کمکی کردند که پس از مدتی واحدهایی از یگان ویژه به محل درگیری آمدند. در درگیری‌های امروز ده‌ها تن از مردم توسط نیروهای رژیم بازداشت و دستگیر شدند.

بوکان _ روستای تازه‌قلعه

آتش سوزی در یکی از منازل روستا

ابوبکر فتاحی که برای خاموش ساختن آتش کمك رفته بود، جانش را از دست داد.

بنا به گزارشی که از منطقه‌ی بوکان به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، روز هشتم مهر ماه در روستای "تازه قلعه" از توابع بوکان، یکی از منازل روستا دچار آتش سوزی شدیدی می‌گردد. کاك ابوبکر فتاحی که یکی از کسانی بود که به کمك صاحب این خانه شتافته بود، هنگامی که در پشت بام قرار داشت با فروریزی سقف منزل به درون آتش می‌افتد و به شدت...

ص ۲

شهر بوکان شاهد یك واقعه‌ی به‌یاد ماندنی...

اجتماع کرده بودند، فقط اجازه دادند که صد نفر داخل محوطه‌ی زندان شوند. مردم حاضر از مادر مقتول التماس می‌کردند که مهندس عثمانی را عفو کند. پس از این لحظات، مادری که فرزندش به قتل رسیده بود، رفت و طناب را به گردن مهندس عثمانی انداخت و پس از آن کسی می‌بایست چهار پایه را از زیر پای مهندس عثمانی بیاندازد و برای همیشه به جرم یك قتل ناخواسته و غیرعمد کاملاً تصادفی چشم از جهان فرو ببندند. اما در این لحظات در مقابل چشمان مردم درون محوطه‌ی زندان و اظطراب هزارن نفر پشت دیوارهای زندان، مادر داغدیده طناب را از گردن مهندس عثمان بیرون آورد و او را عفو کرد. یکباره شادی و اشك شادی همراه با خوشحالی فراوان و سپاس فراوان از این مادر فداکار و جگرگوشه‌ی به قتل رسیده، جمعیت را فرا گرفت. این رویداد به سرعت در تمام شهر بوکان و روستاهای منتطقه پیچید و همگان با تحسین از این مادر و خشنودی از نجات مهندس عثمانی واقعه را بازگو می‌کردند. سحرگاهی که انسانیت و گذشت بر انتقام جویی و بر سنگ دلی و بر قوانین توحش آور جمهوری اسلامی غلبه کرد. سحرگاهی که درس های با ارزشی از خود به‌جای گذاشته است.

روز سه‌شنبه ۱۷ مهر ماه مهندس عثمانی از زندان آزاد شد. خانواده‌ی مهندس عثمانی کارتی را به عنوان سپاس و قدردانی فراوان نسبت به مادر فداکار و دیگر اعضای خانواده‌اش و هم چنین قدردانی از مردم شهر در سراسر شهر بوکان پخش کردند.

هم اکنون در زندان های ایران شماری زیادی از زندانیان در انتظار حکم قصاص و اعدام در ملا عام بسر می‌برند. جمهوری اسلامی در ابتدای روی آمدنش با اجرای قوانین پوسیده و ضد انسانی مجازات در ملا عام، حاکمیتش را تداوم بخشیده است. این گونه مجازات در دودهه‌ی گذشته جامعه‌ی ایران را صدها سال به عقب کشانده است.

واقعه‌ی شانزدهم مهر ماه شهر بوکان که برای همیشه خاطره‌ی انسانی آن باقی خواهد ماند در حالی است که طی یکی دو ماه گذشته رژیم اسلامی در ایران دور جدیدی از مجازات های اسلامی در ملا عام را پیش برده است و به نظر نمی‌رسد که آن را کاهش دهد. تجمع هزاران نفر از مردم شهر بوکان در مقابل زندان شهر و تاثیر حضور آنان برای نه فقط اجرا نکردن مجازات اعدام در ملا عام، بلکه عفو متهمی که در یك رویداد کاملاً تصادفی جرمی را مرتکب شده بود.

***

ادامه‌ی بوکان_ آتش سوزی ....

....مجروح می‌شود. که بلافاصله وی را به بیمارستان خمینی در شهر تبریز می‌رسانند. اما تلاش و زحمات دکترهای بیمارستان متأسفانه برای نجات جان کاك ابوبکر فتاحی به نتیجه‌ای نمی‌رسد و چند روز بعد جانش را از دست می‌دهد. کاك ابوبکر خود سرپرست خانواده‌ای فقیر در روستای "تازه قلعه" بود که از وی ۵ فرزند به جا مانده است.

کاك ابوبکر فتاحی در سال ۱۳۶۲ به دلیل ارتباط و هم کاری با کومه‌له از سوی جمهوری اسلامی برای مدت ۳ سال به زندان کشیده شد. در زندان توانست به یك چهره‌ی محبوب و سربلند تبدیل شود. پس از آزادی از زندان نیز هم چون مبارزی مورد اعتماد مردم شناخته شد.

ما ضمن ابراز غم و اندوه‌خود از درگذشت کاك ابوبکر فتاحی، صمیمانه به همسرش و فرزندان و وابستگانش و هم چنین به مردم روستای "تازه‌قلعه" تسلیت می‌گوئیم.

با خبرنامه‌ی خویشاوند هم کاری کنید

تجمع وسیع کارگران صنعت نساجی سراسر کشور

بنا به گزارش ایسنا خبرگزاری دانشجویان ایران _ تهران، کارگران صنعت نساجی سراسر کشور در اعتراض به لایحه‌ی نوسازی صنایع در مجلس شورای اسلامی، روز دوشنبه ۱۶ مهر ماه در تهران گردهم آمدند.

خبرگزاری دلانشجویان ایران در گزارش خود در این باره چنین می‌نویسند: به رغم آن که دست اندرکاران این برنامه هدف آن را تقدیر از وزیر سابق کار و امور اجتماعی اعلام داشتند این تجمع بیشتر رنگ و بوی اعتراض به وضعیت صنعت نساجی و قانون تازه‌ی تصویب نوسازی صنایع را به خود گرفته بود. هم چنین کارگران حاضر که اکثر آن‌ها نماینده‌های تشکل صنفی واحدهای تولیدی بودند با در دست داشتن پلاکاردهایی با عناوین "حق مسکن کارگران را افزایش دهید" و "قانون مشاغل سخت و زیان‌آور را تصویب کنید" خواستار توجه مسئوولان مربوطه به وضعیت معیشتی خود شدند.

مسئوول کانون شوراهای اسلامی کار در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی ایسنا در این باره گفت: متأسفانه کسانی که امروز عهده‌دار مسئوولیت جامعه‌ی کارگری می‌شوند، هیچ گونه شناختی از روحیه‌ی نیروی کار، معضلات کارگران و مشکلات صنعت ندارند، و ادامه می‌دهد که: دولت به جای کمك به صنایع در حال انقراض و نجات آن‌ها، صورت مسأله را پاك می‌کند. درپس تصویب لایحه‌ی بازسازی و نوسازی صنایع، اضمحلال صنعت مادر کشور، یعنی صنعت نساجی نهفته است.

یکی دیگر از مسئوولین شورای اسلامی در این باره به خبرنگاران گفته است: مجلس لایحه‌ای تصویب کرده که بر اساس آن، واحدهای نساجی اختیار ۱۰٪ کارگران خود را با یك ماه حقوق پیدا می‌کنند و امروز در اعتراض به این مسأله در تجمع شرکت کرده‌ایم. صالح میرزایی مسئوول شورای اسلامی کار جوراب آسیا را ادامه می‌دهد که تصویب معافیت مالیاتی کارگران و تسریع در اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد خواست ماست.

مسئوول شورای اسلامی کارخانه‌ی "نرمه‌بافی قم" نیز در این باره اظهار داشت که:

تصویب خروج کارگاه‌های زیر پنج نفر از شمول قانون کار در مجلس پنجم ما را در حذف جناح اکثریت و طرفدار سرمایه‌داری مصمم کرده و به کاندیداهای دوم خرداد رای می‌دهیم اما متأسفانه امروز نمایندگان علیه ضعیف ترین قشر جامعه‌ی قانون تصویب می‌کنند.

همان گونه که در ابتدای این گزارش آمده است، این تجمع در تهران از جانب دست اندرکاران آن اساساً برای تقدیر از وزیر سابق کار ترتیب داده شد که خود به یك تجمع اعتراضی و اظهارات و شکایت کارگران تبدیل شد. هر چند مهره‌های شناخته‌ی رژیم در این تجمع تلاش فراوان به عمل آورده‌اند که فضای تجمع و اظهارات بیان شده کمتر متوجه رژیم گردد. از جمله علی‌رضا محبوب دبیر خانه‌ی کارگر در سخنان خود بر آن بوده که اعتراضات و نارضایتی کارگران را در چارچوب قوانین و ارگان های موجود رژیم فراتر نرود. علی‌رضا محبوب گفت: حقوق اکثریت که نباید در خیابان احقاق شود خواسته‌های آن‌ها باید در مجلس و دولت اخذ شده و کارگران اعتصاب را تنها به عنوان ابزاری برای خود می‌خواهند.

www.iran-archive.com

بهشهر

تحصن کارگران بازنشسته‌ی کارخانه‌ی چیت سازی

کارگران بازنشسته‌ی چیت سازی بهشهر تحصن کردند. روزنامه‌ی کیهان چاپ تهران به تاریخ چهارشنبه ۱۸ مهر ماه در ان باره نوشت جمعی از کارگران بازنشسته‌ی چیت سازی بهشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۲ ساله و سنوات خدماتی خود در مقابل این کارخانه تحصن کردند. این کارگران که از ۲ سال گذشته حقوق بازنشستگی خود را دریافت نکردند خواستار اقدام فوری مسئوولان برای رفع مشکلات ناشی از عدم تأمین معیشت خود شدند.

کارگران بازنشسته‌ی چیت سازی بهشهر شب گذشته را در مقابل این کارخانه به صبح رسانده و اعلام کردند تا پاسخ قطعی مسئوولین در مورد تکنلیف مطالبات معوقه‌ی خود دست از تحصن نخواهند کشید.

کرمان

اعتصاب ٤ هزار نفری معادن زغال سنگ

بنا به گزارشات منتشره ٤ هزار نفر از کارگران معادن زغال سنگ کرمان روز چهارشنبه ۱۸ مهر ماه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب عکس العمل کارگرانی بود که چندین ماه حقوقی دریافت نکرده‌اند. مطالبه‌ی اساسی کارگران در این اعتصاب پرداخت فوری دستمزدهای به تأخیر افتاده‌ی ماه‌های قبل است.

کارگران اعتصابی اعلام داشتند تا زمانی‌که به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود بسر کار بازنخواهند گشت. مدیریت معادن تا کنون از رسیدگی به خواست کارگران خودداری کرده است.

طی دو هفته‌ی گذشته این سومین اعتصاب وسیع کارگری است که رویی می‌دهد. پس از اعتصاب دو هزار نفری معادن زغال سنگ البرز شرقی و تظاهرات وسیع ده هزار نفری کارگران کارخانه‌جات نساجی اصفهان، اعتصاب ٤ هزار نفری کارگران معادن زغال سنگ کرمان به مبارزات کارگری و مطالبه‌ی سیاسی کارگران در مرحله کنونی که همانا پرداخت فوری و بلادرنگ دستمزدهای معوقه‌ی است، جنب و جوش تازه‌ای بخشیده است.

افزایش آمار زندانیان در جمهوری اسلامی

مسأله‌ی جمعیت بیش از حد ظرفیت در زندان های جمهوری اسلامی طی ماه‌های گذشته یکی از مسائل مورد توجه مطبوعات در ایران بوده است. رئیس سازمان زندانهای کل کشور قبلاً اعلام کرده بود که زندان های ایران با ظرفیت ۷۰ هزار زندانی، ۱۷۰ هزار نفر را در خود جایی داده است.

اکنون در رابطه با مسأله‌ی آمار زندانیان گزارشی می‌رسد که آمار زندانیان کشور در شش ماهه‌ی نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۵٪ افزایش یافته است. رئیس سازمان زندان های کشور گفت که سرانه‌ی فضای مسقف برای هر زندانی در سال ۷۷، ۲,۷ سانتیمتر مربع بود که اکنون این رقم به ٤,۸ متر مربع رسیده است.

وضعیت اسفناک زندان های جمهوری اسلامی، اکنون به جایی رهانیدن مجرمین از موقعیتی که در آن گرفتار شده‌اند و به جای محیطی که شرایط بازسازی انسان ها را فراهم کند، به محیطی مساعد برای رشد انواع و اقسام تبه‌کاری‌ها، فساد و جرایم دیگر تبدیل گردیده است.

قزوین

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه‌ی کفش اکباتان

بنا به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران _ تهران روز دوشنبه ۱٦ مهرماه جاری ۲۷۰ نفر از کارگران شرکت فرش اکباتان قزوین در اعتراض به عدم دریافت حقوق شهریورماه خود در مقابل سازمان صنایع ملی ایران دست به تحصن زدند.

ایسنا در گزارش خود می‌نویسد: این کارگران در این تجمع اعلام کرده‌اند که نه تنها قادر به تأمین معیشت خود نبوده بلکه هنوز قادر به تهیه‌ی ملزومات مدرسه برای فرزندان خود نیز نیستند.

طی سال های اخیر کارخانه‌ی فرش اکباتان اقدام به اخراج تدریجی کارگران نموده و بسیاری از امکانات رفاهی منجمله سرویس رفت و آمد کارگران را حذف نموده است. علی‌رغم بازگشایی مدارس این کارخانه هنوز حقوق کارگران را پرداخت ننموده است.

اعتراض صدها کشاورز منطقه به نرخ جدید برنج

بنا به گزارشات منتشره صدها تن از کشاورزکان بخش لاله‌آباد بابل جاده‌ی بابل _ آمل را مسدود کردند. شالیکاران با نصب پلاکاردها و نوشته‌هایی در محل نسبت به نرخ جدید برنج اعتراض کردند. این کشاورزان خواستار آن شده‌اند که خرید برنج به نرخ تعیین شده‌ی همایش علمی کاربردی یعنی هر کیلو ٤۵۰۰ ریال و در ضمن مابه‌اتفاوت برنج های خریداری شده به شالیکاران و نیز خرید برنج توسط نهاد مستقل و به صورت مستقیم از سوی دولت شدند.

شالیکاران معترض اعلام داشته‌اند که تا تحقق خواسته‌هایشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. در حال حاضر قیمت خرید ارقام پر محصول برنج در حدود ۳ هزار ریال است که کشاورزان می‌گویند به هیچ وجه مقرون به صرفه نیست.

تهران

تحصن کارمندان بازخرید شده‌ی شرکت مخابرات

خبرگزاری دانشجویان ایران_ تهران خبر می‌دهد که جمعی از کارمندان بازخرید شده‌ی شرکت مخابرات روز یکشنبه ۱۵ مهر ماه در مقابل مجلس شورای اسلامی تحصن کردند.

تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامین "طرح خصوصی سازی، ملغی باید گردد" در مقابل مجلس شورای اسلامی اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. یکی از تحصن کنندگان در این باره گفت: از سال ۷۳ کارمندان را مجبور کردند که بازخرید شوند و به آن‌ها وعده‌هایی داده شد که هیچ کدام عملی نشد. یکی دیگر از تحصن کنندگان می‌گوید که مخابرات به وی و به سایر بازخرید شدگان وعده‌هایی مانند "واگذاری کارهای اجرایی به باز خرید شدگان تحت پوشش قرار گرفتند و معلق نماندن آنها داده شد." اما پس از این که کارمندان بازخرید شدند به هیچ یك از این وعده‌ها عمل نکردند.

رادیو کومه‌له
بر روی شبکه‌ی انترنت
www.komala.org
ای میل
خبرنامه‌ی کومه‌له
Khabarnameh_komala@hotmail.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
wednesday
17 / 10 / 2001
No: 32

تداوم جنگ در افغانستان

ده روز پس آغاز جنگ آمریکا علیه افغانستان، بمباران و موشك باران شهرهای کابل، قندهار، هرات و جلال آباد و مراکز نظامی، فرودگاهها، ساختمان های دولتی، رادیو تلویزیون و غیره و هم چنان ادامه دارد. در نخستین حملات طبق ادعاهای مقامات آمریکایی دفاع ضد هوایی طالبان فلج گردید. مقامات آمریکایی ادعا می‌کنند که این حملات متوجه مراکز نظامی است و غیر نظامیان از آن دور هستند. اما خبر می‌رسد که چندین موشك و راکت به مناطق مسکونی اصابت کرده است که در یك مورد آمریکایی‌ها بدان اعتراف کرده‌اند.

هر روز که از جنگ می‌گذرد بر ابعاد آوارگی مردم افزوده می‌شود. این در حالی است که سازمان های امداد رسانی مداوماً هشدار می‌دهند که با تداوم جنگ نمی‌توانند کار رساندن کمك های انسانی را ادامه دهند. در حالی که چند هفته بیشتر به فصل سرما و یخبندان باقی نمانده است، مسأله‌ی تأمین حداقلی از آذوقه و کمك های اولیه بیش از پیش مطرح می‌گردد. بر طبق اظهارات گروههای امداد رسانی صدها هزار نفر در معرض گرسنگی، بی‌سرپناهی، سرما و انواع بیماری‌ها قرار دارند و خطر مرگ دسته جمعی بصورت یك تراژدی انسانی کم سابقه وجود دارد.

در رابطه با جنگ، طالبان طی روزهای گذشته در پیامی آمریکا آمادگی خود را برای مذاکره در مورد سرنوشت اسامه بن لادن نشان داده است اما جرج بوش هرگونه مذاکره را رد کرد و تکرار کرد که فقط به تسلیم طالبان و همکارانش راضی نخواهد شد. جرج بوش اعلام کرد که این جنگ ممکن است یك ماه_ یك سال و ده سال طول بکشد. از دیروز سه‌شنبه شانزدهم اکتبرماه آمریکا از نوع جدیدی از جنگنده‌های هوایی استفاده کرده است و در ارتفاع و با حمله چند پدافند که در هر دقیقه ۲۵۰۰ گلوله را می‌تواند شلیك کند، استفاده کرده است.

نیروهای ضد طالبان موسوم به ائتلاف شمال طی ۱۰ روز گذشته به پیروزی‌های چشم گیری دست یافته‌اند. چندین شهر مهم از جمله چلچراغ، چخچران و چند شهر دیگر به تصرف نیروهای ائتلاف درآمده‌اند. بنا به ادعای فرماندهان و مقامات نیروهای شمال طی ۱۰ روز گذشته هزاران تن از نیروهای طالبان خود را به نیروهای شمال تسلیم کرده‌اند. بر طبق آخرین خبرها، نیروهای شمال به ۱۰ کیلومتری شهر مزار شریف رسیده‌اند.

در پاکستان، دولت ان کشور موانع خود را علیه طالبان شدت بخشیده است. چندین افسر عالی‌رتبه، از جمله یك فرمانده‌ی ارشد این کشور و رئیس سازمان جاسوسی و اطلاعاتی پاکستان موسوم به "آی.اس.آی" را برکنار کرده است. سازمان اطلاعاتی پاکستان به پدرخوانده‌ی طالبان و موئسس آن شناخته شده است. رئیس پلیس شهر کویته "حاجی بحیب الرحمن" نیز به دلیل گرایش به گروهای مذهبی و طالبان از کار برکنار شده است.

علیه آغاز جنگ و تداوم آن در افغانستان جنبش گسترده‌ی ضد جنگ در اروپا و آمریکا و هم چنین در خاورمیانه شکل گرفت. در شهرهای نیویورك و کالیفرنیا، در پاریس و لندن، در برلین و اشتوتگارت، و در چند شهر پاکستان، فیلیپین و نقاط دیگر ده‌ها هزار تن علیه جنگ و برای صلح به خیابان ها آمدند.

***

دستگیری‌های وسیع دیگری پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال

روز جمعه‌ی گذشته هنگامی که تیم فوتبال ایران در مقابل چشمان بیش از صد هزار نفر تماشاچی، تیم فوتبال عراق را شکست داد، تماشاچیان و حاضرین در استادیوم تهران با شادی به خیابان سرازیر شدند. نیروی انتظامی که معمولاً در چنین مسابقاتی از قبل گسیل می‌شوند و علیه تظاهرات احتمالی آماده می‌شوند. این بار نیز مزاحم جوانان در رقص و پایکوبی و شادی آنان شد. در نتیجه درگیری‌های شدیدی به وقوع پیوست. مردم به ویژه حضور و شادی‌شان را به یك جشن گسترده علیه رژیم تبدیل کردند. شیشه‌های چندین بانك و مغازه شکسته شد و درگیری میان نیروهای انتظامی و مردم و جوانان ساعت ها ادامه داشت.

بنا به گزارش روزنامه‌های رژیم در درگیری‌های روز جمعه حدود ٤۰۰ تن از جوانان دستگیر شده‌اند. لازم به یادآوری که هفته‌ی قبل در پایان دیدار تیم ایران و تایلند که به پیروزی تیم فوتبال ایران انجامید، نیروهای انتظامی به دستگیری جوانان پرداختند و بنا به آمار مقامات رژیم ۱۷۰ نفر دستگیر شدند.

مقامات انتظامی جمهوری اسلامی از هم اکنون خود را برای دیدار تیم ملی ایران و و بحرین آماده می‌کنند. در صورت پیروزی تیم ایران، این تیم مستقیماً به جام جهانی راه خواهد یافت به همین خاطر پیش بینی می‌شود که تظاهرات ها و راهپیمایی‌ها و رقص و شادی و پایکوبی گسترده‌ای نه فقط در تهران که در اغلب شهرهای ایران صورت گیرد.

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۳

شنبه ۲۸ مهر ماه ۱۳۸۰

کومه‌له

www.komala.org

تداوم جنگ در افغانستان

قریب دو هفته از آغاز حملات هوایی بمباران و موشك باران و شهرهای افغانستان و مرکز نظامی طالبان و آموزشگاه‌های اسامه‌بن لادن می‌گردد. در آخرین اخبار مربوط به جنگ حاکی است که شب گذشته یعنی جمعه شب ساعت ۱۲ به وقت محلی افغانستان، برای نخستین بار پس از حملات به افغانستان، آمریکا اقدام به پیاده نمودن نیروی زمینی کرده است. در این عملیات هلی‌کوپترهای ارتش آمریکا صد نفر از کماندوهای خود را در جنوب افغانستان نزدیکی قندهار پیاده کرده و پس از چند ساعت درگیری با نیروی طالبان، عقب نشسته‌اند. از پاکستان خبر می‌رسد که یك هیلی‌کوپتر آمریکا سقوط کرد و در جریان آن ۲ سرباز آمریکایی جانشان را از دست داده‌اند. طالبان مدعی هستند که توانسته‌اند کماندوهای آمریکایی را به عقب بکشانند و کشته شدن ۲ سرباز آمریکایی و سقوط آن را به خود نسبت می‌دهند.

در جبهه‌ی شمال افغانستان بنا به گزارشاتی از سوی طالبان و ائتلاف شمال انتشار یافته است، طالبان می‌گویند که به یك ضد حمله علیه نیروهای ائتلاف شمال در نزدیکی شهر مزارشریف دست زده‌اند، و ائتلاف شمال از اشغال قریب الوقوع کابل و فرودگاه استراتژیك آن خبر داده است. این خبرها از سوی منابع دیگری تأید نشده است.

در کشورهای شمال افغانستان جنب و جوش های تازه‌ای برای دولت جایگزین طالبان در جریان است. فرمانده‌ی نیروهای ائتلاف شمال ژنرال فهیم که به جای احمد شاه مسعود نشسته است، به ... ص ۳

فضای فرهنگی کردستان و خشم نماینده‌ی ولی فقیه

نشریه‌ی "سیروان" که در مناطق کردنشین ایران به قول دست اندرکاران این نشریه توزیع می‌گردد در شماره‌ی شانزدهم خود به تاریخ شنبه ۱۷ شهریور با تیتر درشت در صفحه‌ی اول خود چنین نوشته است: انتقاد شدید نماینده‌ی ولی فقیه از فضای فرهنگی کردستان

حجت الاسلام سید موسی موسوی در سخنانی به مناسبت تجلیل از کارمندان شهید (بخوانید عوامل محلی رژیم که در مقابله با جنبش انقلابی کردستان کشته شده‌اند) ضمن ستایش و تمجید از عملکرد شهیدان رجایی و باهنر به تصریح از فضای فرهنگی حاکم بر منطقه و کشور انتقاد کرد.

نماینده‌ی ولی فقیه گفته است: به جای این که پیکره‌ی شهیدانی همانند، نامدارمرادی، قصری و خسروی و دیگران به عنوان اسوه‌های ارزش در نمایشگاه عرضه شود، مجسمه‌ی آن ضد انقلاب فاسد، پیکره‌ی "رزازی" آن شاعر آواره‌ی ضد انقلاب، وابسته‌ی ضد انقلاب عرضه شود.

و در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید: مگر گروههای هنری متعهد کم داریم در کردستان، که وقتی قرار می‌شود گروه فرهنگی از کردستان به کردستان عراق برود، یك عده ... ص ۲

کرمانشاه

مرگ دل خراش دو کارگر

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، اواخر شهریور ماه گذشته کارگری به نام مختار امیری که جهت تعمیر دینام چاه آب به درون چاه آب می‌رود، به علت کمبود اکسیژن دچار خفگی می‌شود. در همین لحظه کارگر دیگری به نام هوشیار رضوانی نیز جهت نجات جان کارگر اولی به داخل چاه می‌رود که متأسفانه وی نیز جانش را از دست می‌دهد.

سنندج:

صبح روز شنبه هفدهم مهر ماه ساعت ۱۱ دو نفر موتور سوار وارد بانك ملی شعبه‌ی خیابان سیروس سنندج می‌شوند و با یك اسلحه‌ی کمری حاضرین در بانك را وادار می‌کند که بر روی زمین بخوابند. سپس پول های روی باجه‌ی بانك را که حدود ۲۳۰ هزار تومان بوده است جمع آوری می‌کنند و با موتور سیکلت از منطقه دور می‌شوند. روز بعد در پست بازرسی گردنه‌ی صلوات آباد یکی از آنان در داخل ماشین مورد ظن مأموران قرار می‌گیرد و... ص ۲

نگرانی مقامات انتظامی جمهوری اسلامی از برگزاری مسابقات فوتبال

طی دو هفته‌ی گذشته پس از پیروزی‌های تیم فوتبال ایران در مقابل تیم های تایلند و عراق، در دو جمعه‌ی پیاپی، تماشاگران که از پیروزی‌های تیم فوتبال ایران به شادی و رقص و پایکوبی در خیابان پرداخته بودند، با دخالت نیروهای انتظامی به تظاهرات گسترده‌ی ضد رژیمی کشیده شدند، و با نیروهای انتظامی درگیر شدند، شعارهای ضد رژیمی سر دادند و ساختمان های دولتی، کیوسك پلیس و بانك ها را مورد حمله قرار دادند. در هر دو مورد صدها تن بو ویژه از جوانان، توسط نیروهای انتظامی دستگیر و روانه‌ی بازداشت گاهها شدند.

اکنون نیروهای انتظامی دارند خود را برای مسابقه‌ی مهم دیگری آماده می‌کنند. مسابقه‌ی تیم های فوتبال ایران و بحرین چنانچه تیم ایران به نتیجه‌ی پیروزی دست یابد مستقیما .... ص ۳

www.iran-archive.com

....دختر رقاصه با آن نوع رفتارهای زشت و ناپسند که آبروی کشور را در رفت و برگشت شان در کارهایشان که دخترهای کذایی سلیمانیه به این ها بگویند در پایگاه‌های ما جای کسانی مثل شما نیست.

نماینده‌ی ولی فقیه که از سخنانش پیداست که از بی‌اعتنایی مردم به حاکمیت رژیم در کردستان به خود می‌پیچید، بالاخره می‌گوید: همین دو روز پیش بود، جمعی از روحانیون بزرگوار، دلسوز، متعهد و متدین، ماموستایانی که عمرشان را برای دیانت مردم صرف کردند، بعضی‌هایشان با گریه می‌گفتند فلانی نمی‌خواهیم جسارت به انقلاب و جمهوری اسلامی کنیم ولی در زمان شاه فاسد جنایتکار، مشروبات الکلی این قدر نبود در مریوان.....

نماینده‌ی ولی فقیه در سخنان خود به یك مسأله‌ی مهم اعتراف می‌کند و آن این است که علی‌رغم بیش از دو دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی، علی‌رغم لشکر کشی و محاصره‌ی نظامی، علی‌رغم صرف هزینه‌ی هنگفتی برای استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی، این رژیم کماکان به عنوان نیرویی اشغالگر نگریسته می‌شود و علی رغم تمام سرکوبگری‌های‌ش مردم به حاکمیتش تن نداده‌اند. نالیدن نماینده‌ی ولی فقیه از فضای فرهنگی کردستان اعتراف به این واقعیتها است که جمهوری اسلامی حضور نظامی و مسلحانه و با اتکا به اطلاعات و امکانات مادی در کردستان دارد و گرنه در اعماق این جامعه و در فرهنگ این مردم و خواسته‌ها و آرزوهایشان نه فقط جمهوری اسلامی وجود خارجی ندارد که آن را یکی از موانع ترقی و آزادی خود می‌دانند.

نماینده‌ی ولی فقیه عصبانی است از این که چرا پیکره شهیدان جمهوری اسلامی در نمایشگاه عرضه نمی‌شود، یقیناً نماینده‌ی ولی فقیه بیش از هر کس فضای کردستان را احساس کرده است. آنان که در کردستان در کنار نیروهای جمهوری اسلامی قرار گرفتند و زندگی‌شان را بر باد داده‌اند، دست کم چون قربانیانی نگریسته می‌شوند که در دوره‌ای از حیات جنبش انقلابی در کردستان به مردمشان پشت کردند.

نماینده‌ی ولی فقیه سپس به کردستان عراق اشاره می‌کند و ضمن بر زبان آوردن کینه‌توزانه‌ترین و در عین حال رکیك ترین سخنان، دشمنی جمهوری اسلامی را با شرایطی که مردم کردستان عراق در آن به‌سر می‌برند پنهان نساخته است. طی دهسال گذشته، شرایط کردستان عراق هم چون خاری در چشمان کاربدستان جمهوری اسلامی بوده است. این رژیم طی این ده سال با توطئه‌های فراوانی سعی بر آن داشته است که این تجربه را ناکام بماند تا به مردم کردستان ایران بقبولانند که در صورت چنین وسوسه‌هایی، آینده‌ای نخواهند داشت. جمهوری اسلامی از ده سال قبل ابتدا با غارت بنیه و منابع اقتصادی کردستان عراق بر آن شد که این جامعه را هر اندازه که ممکن است از اتکا به خود محروم سازد . سپس با تقویت و راه‌اندازی دستجات ارتجاعی، تروریستی و هم چنین با بازی کردن با اختلافات درونی احزاب کردستان از هیچ فرصتی برای افزودن به مصائب مردم کردستان عراق دریغ نکرده است. سخنان نماینده‌ی ولی فقیه در مورد کردستان عراق جزیی از دشمنی جمهوری اسلامی علیه مردم کردستان عراق است و گرنه همگان شاهدند که علی‌رغم هر کمبودی، زنان که این گونه مورد نفرت نماینده‌ی ولی فقیه قرار گرفتند از موقعیت به مراتب بهتری نسبت به ما طبق تحت حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند. از ارزش انسانی به مراتب بالاتری برخوردارند و در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی این جامعه حضور چشمگیری دارند. درست بر خلاف نماینده‌ی ولیه فقیه و اتفاقا اگر زنان در کردستان عراق هنوز اسیر عقب ماندگی و ارتجاع و هنوز شمار قابل توجهی از آن به خودسوزی رویی می‌آورند و یا در حوادث دردناکی به قتل می‌رسند، باید در مسائلی جستجو کرد که جمهوری اسلامی خود مدافع آنان است. کافی است در کردستان عراق به مناطقی نظر افکنده شود که دستجات و وابستگان سیاسی و مالی به جمهوری اسلامی در آن موقعیتی دارند، در این مناطق زنان تحت فشارهای گوناگونی قرار دارند و خشونت و تبعیض علیه زنان همانند جمهوری اسلامی به نماد برجسته‌ی حاکمیت آنان تبدیل شده است.

بالاخره نماینده‌ی ولیه فقیه به گفته‌ی روحانیون کردستان که به دیدارش رفته‌اند اشاره می‌کند که: جمهوری اسلامی را با زمان شاه مقایسه می‌کنند که در زمان شاه فاسد مشروبات الکلی تا این حد موجود نبوده است. اینکه نماینده‌ی ولی فقیه پس از ۲۳ سال جمهوری اسلامی را با زمان شاه مقایسه می‌کند خود به خود گویای مسائلی هستند که لازم به تشریح آنان نیست. اما در این مقایسه بار دیگر به ناکامی و شکست حاکمیت جمهوری اسلامی اشاره‌ی پنهانی شده است. از سوی دگر معلوم نیست نماینده‌ی ولی فقیه و یا روحانیون در کردستان فقط به مشروبات الکلی اشاره کردند و از اشاره به مسأله‌ی مواد مخدر و گسترش آن صرفنظر کرده‌اند. آیا بدین معنا نیست که صحبت از مسأله‌ی اعتیاد در کردستان بلافاصله پای جمهوری اسلامی، اطلاعات و ارگان های رژیم را در کردستان به میان می‌کشد.

خشم نماینده‌ی ولی فقیه از فضای فرهنگی کردستان و از موقعیت جمهوری اسلامی در کردستان واقعی است، آیا این جیره‌خوار جمهوری اسلامی بالاخره به اعتراف صریح شکست رژیم در کردستان زبان خواهد گشود و یا هم چون خشك اندیشان رژیم، باید منتظر بمانند که جنبش انقلابی کردستان ضمن اعتراف به آنان، برای همیشه شرشان را از سر مردم کم کنند.

هوشمند

***

دو خبر از کرمانشاه

خودسوزی یك دختر جوان

در شهرك کسری پسری به نام قهرمان چند بار به خواستگاری دوست دختر خود می‌رود اما خانواده‌ی دختر به وی جواب رد می‌دهند. چند روز قبل قهرمان در اثر یك تصادف جان خود را از دست می‌دهد. وقتی این خبر به دوست دختر قهرمان می‌رسد، اقدام به خودسوزی می‌کند و متأسفانه پس از یك روز در بیمارستان جان خود را از دست می‌دهد.

خودکشی یك دختر جوان

دختر جوانی به نام مرضیه ۱۹ ساله هنگامی که با دوست پسرش بوده است به دایی‌اش برخورد می‌کند. نگران می‌شود که مبادا دایی‌اش، خانواده‌اش را در جریان بگذارند، با خوردن قرص به زندگی خود خاتمه می‌دهد.

خودسوزی و خودکشی دختران و زنان جوان یکی از پدیده‌های بغرنجی است که در کردستان هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد تلاش برای کاستن و یا ریشه‌کن کردن این پدیده می‌تواند و ضروری و حیاتی است و کار و وظیفه‌ی همه‌ی کسانی تبدیل شود که از این فجایع رنج می‌برند. زمینه‌های سازمان دهی یك حرکت توده‌ای و وسیع در این باره مهیاست.

سردشت

جنایات نیروهای رژیم

دو هفته قبل در گورستان "وەرگیل" آن سوی پل "نەلاس_بناویلە" تعدادی از نیروهای مسلح رژیم، یك ماشین جیب را که با خود سیگار حمل می‌کرد مورد تیراندازی قرار می‌دهند. ماشین جیب (که دو سرنشین پدر و فرزند داشت) با تیراندازی مأموران رژیم در همان لحظه‌ی اول متأسفانه فرزند جان خود را از دست می‌دهد و پدر که نامش "احمد میرەدە" بود زخمی می‌شود.

مردم روستای "نەلاس" که از واقعه مطلع می‌شوند، خود را به محل می‌رسانند و ضمن ابراز نارضایتی و اعتراض به جنایت نیروهای رژیم، سیگار داخل جیب را که می‌خواستند با خود ببرند، را از آنان پس می‌گیرند می‌شود و سپس به شهر می‌برند. در آن جا نیز جنازه را تحویل می‌گیرند و روانه‌ی سقز می‌کنند.

با خبرنامه‌ی کومه‌له هم کاری کنید

www.iranarchive.com

پاوه

جنایات مزدوران رژیم

بنا به خبری که از شهر پاوه به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، روز شنبه نوزدهم مهر ماه فردی به نام آرام ولدبیگی هنگامی که می‌خواست با ماشین خود که حامل پارچه بود از دست مأمورین بگریزد مورد تیراندازی قرار گرفت و متأسفانه کشته شد.

دهگلان

روز جمعه بیستم مهر ماه ساعت ۱۱ شب یك تاکسی با ٤ سرنشین که همگی از یك خانواده بودند در جاده‌ی قروه_دهگلان_ تصادف می‌کنند. که در نتیجه راننده‌ی تاکسی به نام حاجی محمد و دخترش کشته شدند و دو نفر دیگر نیز که فرزندان حاجی محمد بودند به سختی مجروح شدند که حال آنان نیز وخیم است. این ٤ نفر همگی ساکن دهگلان بودند.

مریوان

یکی از رفقای کومه‌له گزارشی کوتاهی درباره‌ی وضعیت آموزش و پرورش ارسال کرده است، و می‌نویسد: در چند سال گذشته وزارت آموزش و پرورش قراردادی صادر کرد که کسانی که معدل درسی دوره‌ی راهنمایی آن‌ها از ١٦ به بالا باشد می‌تواند در دبیرستان "نمونه" به شیوه‌ای رایگان پذیرفته شوند. اما در دبیرستان "نمونه"ی دختران فضیلت در مریوان کاریدستان این دبیرستان به محصلین اعلام کرده‌اند که امسال باید ۳۰ هزار تومان برای شهریه و ۲۰ هزار تومان برای سرویس رفت و آمد بپردازند و هر یك از محصلین چنانچه این مبالغ را نپردازند، اجازه‌ی تحصیل در این دبیرستان به وی داده نمی‌شود، این هم طرح رایگان آموزش و پرورش جمهوری اسلامی.

مریوان:

مرگ دلخراش ٤ نفر در اثر گاز گرفتگی

بنا به خبری که از مریوان بدستمان رسیده است، خانواده‌ای ساکن روستای "وەسنه" مریوان که مشغول توتونکاری بوده‌اند. شب هنگام بخاطر سرما به محلی که معمولاً برای خشك کردن توتون از آن استفاده می‌کنند و حالت زیرزمینی دارد، پناه می‌برند. اما متأسفانه اهالی این خانواده همراه با یك مهمانشان که جمعاً ٤ نفر بوده‌اند بدلیل گاز گرفتگی خفه می‌شوند و جانشان را از دست می‌دهند. این واقعه مردم را بشدت تحت تحت تأثیر قرار داد و غم و اندوه عمیقی بر جای گذاشت.

ادامه‌ی تداوم جنگ در افغانستان...

تاجیکستان و تهران سفر کرد. خرازی وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی و رحمانوف رئیس جمهور تاجیکستان با هم دیدار کردند. از سوی دیگر هند و روسیه آخرین دور گفت و گوی خود را درباره‌ی آینده‌ی افغانستان به پایان رسانده‌اند. هر دو کشور از حکومتی فراگیر و مستقل که نباید "اعمال افراطی و بنیادگرایی" را انتشار دهد، حمایت کرده‌اند.

در اروپا نیز سران اتحادیه‌ی اروپا در نخستین اجلاس خود پس از آغاز حملات به افغانستان، عملیات آمریکا علیه تروریسم را مورد بحث قرار دادند. و در دیدار امام علی رحمانوف رئیس جمهور تاجیکستان و بوشکا فیشر وزیر خارجه‌ی آلمان در شهر دوشنبه گفته شد که هیچ عضویی از طالبان نباید در دولت آینده‌ی افغانستان حضور داشته باشد.

در جنوب شرقی آسیا، اجلاس "اپك" سازمان هم کاری‌های اقتصادی آسیای اقیانوسیه‌ی آرام که با حضور رئیس جمهوری آمریکا برگزار شد، مسأله‌ی تروریسم و مقابله با آنان بیش از هر مسأله‌ی دیگری در این اجلاس مطرح شده است.

مرز زندگی

فیلم کوتاه "مرز زندگی" توسط طه کریمی فیلم ساز شهر بانه تهیه گردیده است. نشریه‌ی "سیروان" که در کردستان ایران چاپ و انتشار می‌یابد در گزارشی درباره‌ی این فیلم می‌نویسد: این فیلم محصول دانشجوی دانشکده‌ی سینما و تأتر در تهران است که به مدت ۲۵ دقیقه اولین محصول سینمایی‌اش است. این فیلم به زبان فارسی و فیلمی مستند درباره‌ی انفجار مین در یکی از روستاهای مرز نشین بانه است. موضوع این فیلم کوتاه چنین است: دو خانواده‌ی این روستا نزدیك هم هستند. پسر یکی از خانواده‌ها یك چشمش کور است و دختر خانواده‌ی دیگر بر اثر انفجار مین یك پایش قطع است. این دو نفر از همان کودکی هم کلاس و دوست بوده‌اند. فیلم: زندگی این دو نفر و مردن این روستاست که مین در آن انفجار شده. نشانه‌ی جنگی که قبلاً در این روستا روی داده است، در فیلم مشهود است. مردم این روستا دچار مشکلات فراوانی می‌شوند.

این فیلم به کمك طه کریمی فیلمنامه نویس و تهیه کننده هادی افشار، صدابردار ، محمد الهام زاده، عکاس و پیام زین‌العابدینی، مدیر تهیه و بازیگران: سروه زارعیان، حسین کریمی، فرهاد رسولی هستند. مونتاژ فیلم هومن ربیعی.

در کردستان مسأله‌ی قربانیان انفجار مین و مسأله‌ی مین های به جامانده از جنگ ایران و عراق و هم چنین مناطقی که رژیم برای مقابله با جنگ انقلابی کردستان مین گذاری کرده است، یك معضل واقعی است. طی سال های گذشته فیلم سازان کردستان توانسته‌اند با کیفیت و محصولات ممتازی نه فقط در سطح جشنواره‌های جهانی مطرح شوند. فیلم "زمانی برای مستی اسب ها" ساخته‌ی بهمن قبادی در بسیاری از سینماهای معتبر جهان و جشنواره‌ها نمایش داده می‌شود.

۸۰۰ هزار کودك در ایران مبتلا به کوتاه‌قدی تغذیه‌ای هستند

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی روز سه‌شنبه ٢٤ مهرماه در مراسم روز جهانی غذا گفته است: ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که بیست درصد مردم آن کمتر از میزان نیاز غذا می‌خورند و عوارض این کمبود وجود ۸۰۰ هزار کودك مبتلا به کوتاه‌قدی تغذیه‌ای هستند.

ادامه‌ی نگرانی‌های مقامات انتظامی...

به جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲ راه خواهد یافت و پیش بینی می‌شود که نه فقط در تهران بلکه در اکثر شهرهای ایران تجمعات و تظاهرات های گسترده‌ای صورت گیرد.

در این رابطه جانشین فرمانده‌ی نیروهای انتظامی تهران بزرگ گفت: اگر افرادی بخواهند به بهای پیروزی تیم ملی فوتبال ایران، امنیت و آسایش مردم را سلب کنند با آنان برخورد قانونی خواهد داشت. سردار مرتضی طلایی که با خبرنگار ایرنا گفت و گو می‌کرد، می‌افزاید: ضمن آرزوی پیروزی برای تیم ملی فوتبال کشورمان در دیدار با تیم بحرین از همه‌ی شهروندان می‌خواهیم که پلیس را در حفظ نظم و امنیت شهر یاری دهند.

بنا بر این مقامات انتظامی دارند خود را برای پایان مسابقه‌ی تیم های ملی ایران و بحرین آماده می‌کنند. آنان در این هشدارها دو هدف را تعقیب می‌کنند. نخست این که با هشدارهای پی‌درپی می‌خواهند از هم اکنون سرکوب و دستگیری‌ها و احیانا کشتار مردم را مشروعیت بخشند، دوم این که، با هر جشن و شادمانی و رقص و پایکوبی مردم و به ویژه جوانان به آنان حمله‌ور شوند و به سرکوب بپردازند. اگر توده‌های مردم در ایران همواره با کسب فرصت هایی به مبارزه و تظاهرات و شورش علیه رژیم رویی آورده‌اند، نیروهای رژیم هیچ گاه برای سرکوب و حمله به مردم کم نیاورده‌اند.

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
saturday
20 / 10 / 2001
No: 33

نفوذ مواد مخدر به سازمان ها و ادارات و زندان ها

دادستان کل جمهوری اسلامی، نمازی، در همایش سراسری دبیران شوراهای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر سراسر کشور که از روز پنجشنبه ۲۶ مهر ماه آغاز به کار کرده است، گفت: "امروز تمامی کشورها درگیر معضل اعتیاد به مواد مخدر است به طوری که مدارس ما آلوده شده و مواد مخدر در سازمان ها و ادرات و حتی زندان های ما نیز نفوذ کرده است" وی هم چنین گفته است که: "فروش مواد مخدر در سطح خرد از سوی افراد انگیزه‌هایی دارد که یکی از دلایل اصلی آن فقر است."

گسترش ویران کننده و مخرب مواد مخدر طی سال های اخیر، میلیون ها نفر را در جامعه‌ی ایران به سوی تباهی برگشت ناپذیر می‌کشاند. مدارس به شدت آلوده‌اند، زندان خود به مرکزی برای پرورش و بقأ قاچاقچیان مواد مخدر، عاملان پخش و فروش آن تبدیل شده و اینك ادارات نیز از آن بی‌نصیب نمانده‌اند.

باندهای عمده‌ی قاچاق مواد مخدر معمولاً یا مستقیماً به نهادها و مقامات رژیم در ارتباط هستند و یا با رشوه دهی و باج دهی به آنان، بدون کمترین مزاحمتی به کارشان می‌پردازند. طی سالیان مختلف کم نبوده‌اند عناصری که در دستگاه‌های رژیم از موقعیتی برخوردار بوده‌اند که خود یا سر دسته‌ی باندها و گردانندگان آن و یا عناصری برای تسهیل کردن کار قاچاقچیان بوده است. چند ماه قبل دادستان کرج به جرایم سنگین از جمله خرید و فروش دختران عزل شد. چندی قبل "اسمال تیغ زدن" از اعضای یکی از کمیته‌های تهران به اتهام جرائم سنگین افشأ شد. در کردستان ارگان های رژیم و افراد وابسته به "اطلاعات" عاملان اصلی پخش و گسترش و توزیع مواد مخدر هستند. استاندار سابق کردستان "رحیمی" صریحاً گفته بود که در کردستان اسلحه را از جوانان گرفتم و به دست هر یك بافور دادم. در کردستان چند ماه است که تریاك نایاب شده و در عوض هروئین بسیار ارزان و به وفور یافت می‌شود که قیمت آن از قیمت سیگار پائین تر است.

جهان گرسنه

گزارش تکان دهنده‌ی سازمان تغذیه و کشاورزی یکی از نهادهای تابعه‌ی سازمان ملل، درباره‌ی فقر و گرسنگی در جهان، نشان از آن دارد که فقر و گرسنگی در جهان همواره رو به افزایش است و علی‌رغم نهادهای بین المللی متعدد در جهان مقابله با فقر و گرسنگی پیشرفتی نداشته است. بنا به آمارهای ارائه شده‌ی از سوی سازمان تغذیه و کشاورزی در سال ۱۹۹۶، ۳۶ میلیون نفر یعنی روزانه چیزی در حدود یکصد هزار نفر بر اثر گرسنگی جان خود را از دست داده‌اند. در این گزارش هم چنین آمده است که بیشتر گرسنگان کودکان هستند که ۳۰۰ میلیون نفر از آنان با گرسنگی مزمن دست و پنجه نرم می‌کنند. مجموعاً در جهان قریب به ۸۰۰ میلیون نفر با گرسنگی دائمی روبرویند.

محرومیت مردم و عدم دسترسی آنان به غذا و انرژی مناسب حتی در کشورهای پیش رفته‌ی سرمایه‌داری و ثروتمند نیز به یك معضل جدی تبدیل شده است. بر طبق آمارهای موجود در این کشورها بیش از ۱۱ میلیون نفر در معرض گرسنگی یا کم غذایی قرار دارند.

اگر چه گفته می‌شود که در دهه‌ی ۹۰ میلادی از تعداد گرسنگان جهان ٤٠ میلیون نفر کاسته شده است اما تصمیم کنفرانس جهانی تغذیه در سال ۱۹۹٦ مبنی بر کاستن تعداد گرسنگان جهان به نصف تا سال ۲۰۱۵ غیر عملی است.

ترور وزیر جهانگردی اسرائیل و اعلام مبارزه با تروریسم از سوی آریل شارون؟

رخاوام زوی وزیر جهانگردی یا تروریسم اسرائیل روز چهارشنبه مورد سؤقصد قرار گرفت و از پای درآمد. جبهه‌ی خلق برای آزادی فلسطین که در ماه اوت گذشته رهبرش _ابو علی‌مصطفی_ توسط راکت های پرتاب شده از هلی‌کوپترهای اسرائیلی به دفتر کارش ترور شده بود، مسئولیت ترور وزیر اسرائیلی را به عنوان انتقام خون "ابوعلی مصطفی" به عهده گرفت.

طی یك سال گذشته که به دور جدیدی از انتفاضه‌ی فلسطین شناخته می‌شود، ابعاد جنایت دولت اسرائیلی نسبت به سالیان گذشته بی‌سابقه بوده است. طی یك سال گذشته بیش از ٦٠٠ فلسطینی توسط سلاح های ارتش اسرائیل جان باخته‌اند. در این یك سال و به‌دنبال تشدید بحران درونی جناح های اسرائیل، نژادپرست ترین و جنایت کارترین افراد و جناح آن که آریل شارون نمونه‌ی برجسته‌ی آن است به سر کار آمدند و در مقابل دیدگان جهانیان و بدون در نظر گرفتن حتی توافقات سال های اخیر اسرائیل و فلسطینیان و بدون توجه به افکار عمومی به کشتار فلسطینیان پرداختند.

حملات ۱۱ سپتامبر به شهرهای آمریکا، مسأله‌ی جنگ علیه افغانستان، آمریکا و انگلیس را بر آن داشت تا بار دیگر، برجسته کردن مسائل فلسطین از جمله سخن گفتن از دولت فلسطینی، برآن شدند تا بلکه از حساسیت به ویژه جهان عرب در رابطه با جنگ افغانستان بکاهند و شرایط و مقررات مناسب تری را بر حضور جدید و جنگ خود در خاورمیانه فراهم آورند. این مسائل، دولت اسرائیل را نیز به این سو کشانده بود که از اعمال خشونت آمیز و کشتار فلسطینیان به درجاتی خودداری کند. اما ترور خاوام زوی بهانه‌ی جدیدی به جناح های فوق نژادپرست اسرائیل داد که کشتار فلسطینی‌یان را از سر گیرند. طی ٤٨ ساعت پس از ترور وزیر اسرائیل، حداقل ٦ فلسطینی در کناره‌ی غربی رود اردن و غزه به دست سربازان اسرائیلی کشته شده‌اند. آریل شارون به یاسر عرفات هشدار داده است که اگر عاملان ترور وزیر جهان گردی را تحویل ندهد با وی و تشکیلات فلسطین به عنوان حامیان تروریست رفتار خواهد شد.

اعلام جنگ آریل شارون علیه تروریسم؟

آریل شارون در واکنش به ترور وزیر خود، جنگ علیه تروریسم را اعلام کرده است. اگر اعلام جنگ علیه تروریسم پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر از سوی آمریکا و متحدانش که کشورهای شناخته شده‌ی دیگری نیز به آن پیوسته‌اند مخدوش ساختن و بر هم زدن صفوف واقعی مبارزه علیه تروریسم و آدم کشی و سربه‌نیست کردن هاست، اعلام جنگ آریل شارون علیه تروریسم دیگر لگدمال کردن شعور بشریت و حافظه‌ی آنان است. نخست وزیر رژیمی که طی همین چند ماه گذشته چهره‌ای به شدت خشونت آمیز و قصاب از خود نشان داده است، کسی که در هیأت حاکمه‌ی اسرائیل با یادآوری کشتار و قتل و عام فلسطینی‌یان به فرماندهی و دخالت مستقیم وی، افتخاراتش را برمی‌شمرد، اکنون در مقابل اقدام مقابله به مثل مخالفان و دشمان خود، ریاکارانه شعار مبارزه با تروریسم را مطرح کرده است. آریل شارون در این خیال است که با این حربه بدون دردسر کمتری کشتار مردم فلسطین را ادامه دهد، در حالی که پرواضح است که فلسطین ده‌ها سال است زیر چکمه‌های از جمله شارون قرار دارد و اسرائیل هیچ گاه بهانه کم نیاورده است.

م ـ روبین

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

www.komala.org

۳٤

چهارشنبه ۲ آبان ماه ۱۳۸۰

تظاهرات های گسترده در تهران و دیگر شهرهای ایران علیه جمهوری اسلامی پس از پایان مسابقات فوتبال ایران و بحرین

یکشنبه پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال بین تیم های ایران و بحرین که با شکست ایران خاتمه یافت، ده‌ها هزار تن در تهران و شهرستان‌های دیگر هم چون اصفهان، تبریز، اهواز، شیراز، به خیابان ها سرازیر شدند و علیه جمهوری اسلامی و سران آن به شعار دادن پرداخته و با نیروهای انتظامی، یگان های ویژه و نیروهای ضد شورش درگیر شدند، به ده‌ها بانک حمله بردند، شیشه‌های مراکز و ساختمان های دولتی را شکستند و برای چندین ساعت به حضور خود در خیابان ها ادامه دادند. بقیه در ص ۲

بهشهر:

جاده‌ی ساری _ مازندران با تجمع اعتراضی کارگران چیت سازی مسدود شد

روزنامه‌ی کیهان چاپ تهران در شماره‌ی دوشنبه سی‌ام مهر ماه خود در خبری راجع به اعتراض کارگران چیت سازی بهشهر می‌نویسد: جمعی از کارگران کارخانه‌ی چیت سازی بهشهر در اعتراض به تأخیر ۲ ماهه در پرداخت حقوق و مزایای خود جاده‌ی سراسری مازندران به خراسان را مسدود کردند.

بنا به گزارش کیهان ٦۰۰ تن از کارگران این کارخانه در اعتراض به عدم اجرای تعهدات کارفرما با پیمودن مسیر چند خیابان در بهشهر و انسداد جاده‌ی سراسری این شهر به سمت استان گلستان و خراسان خواستار اقدام مسئولان در رفع مشکلات کارخانه شدند.

هم اکنون حدود یك هزار نفر از کارگران تحت پوشش کارخانه در بیمه‌ی بیکاری به‌سر برده و بر اساس توافقات قبلی باید اول آذرماه آتی به سر کارهای خود بازگردند.

کارگران می‌گویند که: "با این که کارفرما برای حل مشکلات مالی واحد تولیدی مبلغ ٤ میلیارد ریال تسهیلات بانکی دریافت کرده اما بدهی‌های معوقه‌ی کارگران را پرداخت نکرده است".

قربانیان اعتیاد و مواد مخدر

کرمانشاه:

اواخر شهریور ماه گذشته در روز ۸۰/٦/۲۹ فریدون عبدی که سال ها به مواد مخدر معتاد گردیده بود پس از آزادی بر اثر تزریق مواد مخدر جانش را از دست داد.

کامیاران:

روز هیجدهم مهر ماه جاری جوانی به نام علی ندیمی که از چند سال قبل به مواد مخدر معتاد شده بود، در پارك لاله شهرستان کامیاران بر اثر تزریق مواد مخدر جان سپرد.

سنندج:

صبح روز شنبه هفدهم مهر ماه ساعت ۱۱ دو نفر موتور سوار وارد بانك ملی شعبه‌ی خیابان سیروس سنندج می‌شوند و با یك اسلحه‌ی کمری حاضرین در بانك را وادار می‌کند که بر روی زمین بخوابند. سپس پول های روی باجه‌ی بانك را که حدود ۲۳۰ هزار تومان بوده است جمع آوری می‌کنند و سپس با موتور سیکلت از منطقه دور می‌شوند. روز بعد در پست بازرسی گردنه‌ی صلوات آباد یکی از آنان در داخل ماشین مورد ظن مأموران قرار می‌گیرد و سپس ضمن پیاده شدن از ماشین با شلیك چند گلوله مأمور پست بازرسی را که یك درجه‌دار نیروی انتظامی بود می‌کشد و سپس فرار می‌کند که از پشت به رگبار بسته می‌شود و به قتل می‌رسد. مأمورین رژیم بعداً اعلام کرد که خودکشی کرده است.

www.komala.org

بقیه‌ی تظاهرات و اعتراضات گسترده..... از ص ۱:

از روزها قبل مسأله‌ی دیدار و مسابقه‌ی تیم های فوتبال ایران و بحرین در سراسر جامعه‌ی ایران مورد توجه و بحث قرار گرفته بود. به ویژه این که طی روزهای گذشته در دو روز جمعه پیاپی یعنی پس از پایان مسابقات ایران و تایلند و ایران و عراق، جوانان و مردم که برای شادی و پایکوبی به خیابان ها سرازیر شده بودند با حمله و مزاحمت نیروهای انتظامی، شادی‌شان را به تظاهرات و حرکت های اعتراضی علیه رژیم تبدیل کردند. نیروهای انتظامی را متوقف کردند و مزاحمت های آنان را با صفوف محکم خود جواب دادند. مراکز پلیس را آتش زدند، شیشه‌های بانک ها را شکستند و به چندین ساختمان دولتی نیز حمله بردند. در هر دو مورد صدها تن از جوانان دستگیر شدند.

مقامات انتظامی رژیم که همواره نگران اجتماعات مردم و به ویژه جوانان هستند. پس از این دو درگیری و در حالی که به مسابقه‌ی تیم های ایران و بحرین که مسابقه‌ی مهم برای تیم ایران بود، نزدیک می‌شدند، مرتب هشدار می‌دادند نیروهای انتظامی به حالت آماده‌باش درآمده‌اند و از طریق رسانه‌های خود رادیو و تلوزیون و مطبوعات پی‌درپی هشدار می‌دادند، تهدید می‌کردند و نیروهایشان را به رخ مردم می‌کشیدند. تهدیدها فقط در سطح فرماندهانِ نیروی انتظامی باقی نماند بلکه رئیس جمهور محمد خاتمی مستقیماً هشدار داد. در عین حال نیروهای انتظامی برای خنثی کردن حرکت های اعتراضی، برنامه‌های آتش افروزی و اجتماعات اعلام کرده و از همه خواسته بودند که از حرکات خود جوش خودداری نمایند.

با وجود همه‌ی این ها، هنگامی که مسابقه به پایان رسید و جوانان و مردم با بازی بسیار خسته کننده و بالاخره شکست سنگین تیم فوتبال ایران روبرو شدند، خشمگین و ناراحت به خیابان ها ریختند و مطابق معمول در یك فرصت پیش آمده، علیه رژیم جمهوری اسلامی، علیه حاکمیت این رژیم و علیه ارگان هایش به تظاهرات و مبارزه پرداختند. به ویژه پخش شایعه که به تیم ایران گفته شده که چنین بازی خسته کننده‌ای را ارائه دهد، مردم را بیش از پیش خشمگین کرد.

بهر حال مردم و به ویژه جوانان که تعدادشان در تهران و دیگر شهرستان به ده‌ها هزار نفر می‌رسید، به خیابان ها سرازیر شدند. بنا به گزارشات منتشره تظاهرات و درگیری‌ها در تهران به‌ویژه در نارمك، میرداماد، میدان حسینی، شهرك غرب تهران، جوادیه، زیر پل ستار خان، و بسیاری نقاط دیگر هزاران نفر ضمن اجتماعات و سر دادن شعارهای ضد رژیمی و ضد سران جمهوری اسلامی به بانك ها حمله بردند و با نیروهای رژیم درگیری شدید شد. بنابراین گزارشات زیر پل ستارخان حداقل ده‌ها هزار نفر از مردم معترض تجمع کرده بودند. در میدان مادر درگیری‌های شدید میان مردم و لباس شخصی‌ها جریان داشته است. نیروهای ضد شورش با استفاده از اتوبوس های شخصی که پرده‌هایشان را کشیده بودند، در خیابان ها مستقر شده و به مردم حمله می‌بردند. در شهرك غرب چندین ماشین به آتش کشیده شد و در خیابان گلبرگ نیز ماشین های متعددی توسط مردم معترض و تظاهر کننده آتش زده شدند. در یوسف آباد و نظام آباد نیز تظاهرات و اجتماعات مردم به درگیری انجامید. بنا به شایعاتی که پخش شده است در میدان محسنی صدای انفجاری به گوش رسیده است.

در این شب که درگیری تظاهرات و اجتماعات اعتراضی مردم هر لحظه گسترده‌تر می‌شد، نیروهای جمهوری اسلامی که در هراسانی و نگرانی شدیدی بسر می‌بردند، تلفن های موبایل را در سراسر ایران قطع کردند تا مانع از پخش اخبار درگیری ها و تظاهرات مردم شوند.

بنا به گزارشات منتشره، جوانان به ویژه در این شب که به عنوان شبی فراموش نشدنی در اعتراضات و مبارزات توده‌ای علیه رژیم ثبت خواهد شد، با جنگ و گریز و درگیری کوچه به کوچه با نیروهای رژیم به نبرد پرداخته‌اند. جوانان در این جنگ و گریز ناچار بوده‌اند به خانه‌های مردم پناه ببرند و نیروهای انتظامی وحشیانه به منازل حمله برده تا بلکه آنان را دستگیر نمایند.

در تظاهرات و درگیری‌های امشب، ده‌ها بانك و بنا به گزارش خبرنگاری که از تهران برای بخش فارسی رادیو فرانسه گزارش می‌داد، حداقل ۳۲ بانك، چندین ساختمان دولتی به آتش کشیده شده‌اند. تابلوهای راهنمایی و رانندگی و کیوسك های تلفن، ماشین های نیروی انتظامی و ساختمان های دولتی مورد تخریب قرار گرفته و خسارات فراوانی به آن‌ها وارد آمده است.

بنا به این گزارشات در تظاهرات و درگیری‌های یکشنبه شب تهران، حداقل ۸۰۰ تن از مردم و جوانان دستگیر شده‌اند و خسارات وارد آمده سنگین گزارش شده است.

***

www.iran-archive.com

ایلام:

اجرای مجازات های اسلامی در ملاء عام هم چنان ادامه دارد

طی چند ماه گذشته مجازات های اسلامی در ملاء عام در سراسر ایران در ابعاد گسترده‌ای ادامه یافت و اکنون نیز همچنان ادامه دارد. بر طبق آخرین گزارشات دراین باره روز سه‌شنبه ۲۳ مهر ماه (دیروز) یك مرد ۳۵ ساله به نام عبدالله جهانی در میدان ۲۲ بهمن شهر ایلام که به جرم "شرب خمر" به تحمل ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم شده بود، در ملاءعام مجازات شد. حکم نامبرده از سوی شعبه‌ی هفتم دادگاه عمومی ایلام صادر شد که در انظار عمومی در روز گذشته در انظار عمومی به اجرا درآمد. شهر و استان ایلام در چند ماه گذشته از جمله مناطقی در ایران است که برای دفعات متعدد مجازات های اسلامی در ملاء عام در آن به اجرا درآمده است.

کرمانشاه

آمادگی نیروهای رژیم برای مقابله با اعتراضات احتمالی

بنا به خبری که از کرمانشاه بدستمان رسیده، روز یکشنبه قبل از آغاز مسابقه‌ی فوتبال تیم های ایران و بحرین، نیروهای انتظامی و یگان های ویژه تمامی میادین و خیابان های شهر کرمانشاه و نیز شهرك های حومه را به حالت آماده باش درآورده و به بازدید ماشین ها پرداختند و بر سر هر کوچه و خیابان چند نفر از نیروهای مسلح را مستقر کرده بودند. این آمادگی نیروهای رژیم تا صبح روز بعد هم چنان ادامه داشته است.

گزارشی از مرگ یك کارگر در حین کار

جبار احمدی کارگر اهل روستای "هویه" به هنگام کار از بالای ساختمانی که از بالای ساختمان که در آن مشغول کار بود، به پائین سقوط کرد و متأسفانه جانش را از دست داد. جبار احمدی که در روستای هویه بمدت چند سال به شغل چراغ سازی و کشاورزی مشغول بود. سپس با خانواده‌اش ناچارا راهی تهران شد و در کارخانه‌ی "رضا بافت" واقع در حومه‌ی تهران در پیکان شهر به مدت دو سال مشغول به کار شد. اما دستمزد کارخانه زندگی‌اش را تأمین نمی‌کرد و راهی سنندج شد. سپس در شهرداری منطقه‌ی یك سنندج در قسمت خدمات شهری "رفت گری" مشغول به کار شد. این شغل نیز نمی‌توانست هزینه‌ی زندگی‌اش را تأمین نماید. از شهرداری نیز بیرون آمد و به شغل بنایی روبی آورد. متأسفانه در تاریخ نهم مهر ماه سال جاری در شهرك "بهاران (قه‌ره‌یان)" هنگامی که روی داربست ساختمان در طبقه‌ی سوم مشغول کار بود، ناگهان به پائین سقوط کرد و جراحات سنگینی برداشت و متأسفانه در بیمارستان جانش را از دست داد.

بدلیل فقر جبار احمدی را تحویل نمی‌دادند تا این که با کمك و مساعدت مردم جنازه‌اش تحویل گرفته شد.

سنندج_منطقه‌ی ژاوه‌رو

مرگ یك کارگر به هنگام کار

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است شخصی به نام رئوف از اهالی روستای "سرهویه" در منطقه‌ی ژاوه‌رود در هنگام کار کردن در معدن سنگ ناگهان تخته سنگ بزرگی بر رویش می‌افتد و متأسفانه جانش را از دست می‌دهد.

انقلاب اکتبر روسیه، ستاره‌ی درخشان قرن بیستم

ماه اکتبر هر سال یادآور یکی از بزرگترین و در عین حال موثرترین انقلاب تاریخ بشری است که برای دهها سال پس از خود کماکان مورد توجه، تحلیل و بررسی و ارزیابی قرار دارد. انقلاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ در اوایل قرن بیستم، توانست برای دهه‌های بعدی تحولات سیاسی و اجتماعی را نه فقط در اروپا بلکه در سراسر جهان تحت تأثیر خود قرار دهد. برای دهها سال هرگونه ارزیابی تحولات جهانی و صف بندی‌های جدیدی که ایجاد شده بود بدون اشاره‌ی مستقیم به انقلاب اکتبر، بدون پرداختن به انقلابی که جهانی را لرزاند، ناقص بود.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ی روسیه در این کشور به وقوع پیوست اما برای نخستین بار در تاریخ بشری، صفوف استثمارگران و استیمار شوندگان را جهانی کرد. با انقلاب اکتبر سراسر جهان به دو اردوی متخاصم تقسیم شدند. اردوی دشمنان و مخالفان انقلاب اکتبر و اردوی موافقان و مدافعان آن. در اردوی نخست استثمارگران و چپاولگران رنج و هستی چند صد ساله‌ی بشریت قرار داشتند که با انقلاب اکتبر به خوبی احساس می‌کردند چه آتش بزرگی موجودیت شان را تهدید می‌کند. در اردوی دیگر رنجبران سراسر عالم احساس کردند که می‌توانند در یک اتحاد جهانی بسوی رهایی گام بردارند.

انقلاب اکتبر به هیچ عنوان در درون مرزهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی محصور نماند. ایده‌های انسانی و رهایی‌بخش بسرعت سراسر جهان را در بر گرفت. لنین و تروتسکی و سوردولف و دیگران در سراسر جهان به عنوان نام های آشنا و پیشتازان انقلاب اجتماعی قرن بیستم مطرح شدند. برابری، حقوق زحمتکشان، رهایی زنان و تغییرات عمیق در فرهنگ سیاسی و اجتماعی و ارتقاء و بالابردن سطح توقعات توده‌های مردم زحمتکش در سراسر جهان موجبات دگرگونی‌های اساسی را فراهم آورد. با انقلاب اکتبر در دورترین نقاط کره‌ی خاکی زحمتکشان بر خود می‌بالیدند و احساس غرور و اعتماد به نفس می‌کردند هم چنان که سرمایه‌داران و استثمارگران عالم از درد انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ به خود می‌پیچیدند.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری حزب بلشویک روسیه و نقش فراموش نشدنی و مؤثر لنین، توانست در شرایطی تاریخی مشخصی پس از پایان جنگ جهانی اول و در حالی که موقعیت مناسبی برای طبقه‌ی کارگر و روسیه فراهم گشته بود، توانست در یک کشور نه‌چندان پیش رفته‌ی سرمایه‌داری و در حالی که بقایای جامعه‌ی فئودالی بر آن سایه انداخته بود، مژده‌ی پیروزی سوسیالیسم را به سراسر جهان برساند. اگر چه حوادث و تحولات بعدی در روسیه هم چون فقر و فلاکت شدید، جنگ داخلی و تحمیلی از سوی ضد انقلاب مغلوب، محاصره‌ی اقتصادی و نابسامانی‌های عمده‌ی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه‌ی شوروی، انقلاب اکتبر را مداوماً مورد تهدید قرار می‌داد، با این وجود نتوانست حقانیت انقلاب اکتبر و سوسیالیستی بودنش را زیر سوال بکشد. تقلاهای لنین و حزب بلشویک برای مقابله با موانع متعدد، فرماندهی داهیانه‌ی جنگ داخلی توسط تروتسکی و جانفشانی‌های بلشویک ها در برابر واقعیت های جان سخت این جامعه که ریشه‌های عمیق چند ساله داشت، برای به ثمر رساندن انقلاب اکتبر کفایت نکرد. در دهه‌ی بیست با مرگ لنین و تجدید اختلافات داخلی درون حزب بلشویک با شکست انقلاب در آلمان وضعیت و شرایط انقلابی در سطح اروپا و بالاخره حاکم شدن جناح استالین در نیمه‌ی دوم دهه‌ی بیست، انقلاب سوسیالیستی اکتبر سیر ناکامی و شکست را پیمود و نهایتاً دولت شوروی و حزب بلشویک به قدم گذاشت که هیچ گونه قرابتی با سوسیالیسم و گذشته‌ی خود و منافع کارگران و انترناسیونالیسم نداشت. در دهه‌ی سی شوروی چهار نعل به سوی یک قدرت امپریالیستی جهانی به جلو تاخت و نهایتاً با پیروزی بر فاشیسم هیتلری، به عنوان یکی از دو قطب قدرتمند جهانی در تقسیم مجدد جهان جایگاهی یافت که تا نیم سده پس از آن پابرجا ماند.

دهه‌ی ۸۰ و سپس ۹۰ زمان فروپاشی سیستمی در شوروی بود که طی بیش از نیم قرن به طور واژگونه‌ای به نام کمونیسم و سوسیالیسم از وی اسم برده می‌شود. با فروپاشی شوروی، بورژوازی در سراسر جهان علیه سوسیالیسم، علیه کارگران و علیه هر اندیشه‌ی رهایی‌بخش خون تازه‌ای در رگ های شان جریان یافت. پایان تاریخ را اعلام کردند. بر ویرانه‌های آن چه که خود نام سوسیالیسم بدان نهاده بودند، سنگ بنای دور جدیدی از استثمار و توحش سرمایه‌داری را بنیاد گذاشتند. زخم های عمیقی را که از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ برداشته بودند با تهاجم وسیعی گسترده علیه کارگران در سراسر جهان تیمارکردند.

اکنون جهان وارد قرن جدیدی شده است. سرمایه‌ی جهانی که هنوز از پیروزی‌اش سر مست است در سراسر عالم فقر و بی‌عدالتی گسترده‌ای را حاکم گردانیده است. گرسنگی، بی‌کاری، جنگ، آوارگی، بیماری‌های کشنده و بسیاری نابسمانی اجتماعی، ملیاردها انسان را در این کره‌ی خاکی مورد تهدید قرار می‌دهد. پایان تاریخ چیزی نبوده جز آغاز تاریخ جدیدی از تسلط استثمار و توحش.

گرامی‌داشت انقلاب اکتبر در حالی است که سراسر جهان درگیر و تحت تأثیر جنگ جدیدی است که آمریکا به اصطلاح علیه تروریسم سازمان داده است. جنگی که علی‌رغم ادعای دست اندرکارانشان قرار است موقعیت منطقه‌ای و جهان بخشی از سرمایه‌ی جهانی تحکیم بخشد. جنگی که به نظر می‌رسد یک دهه پس از بمباران تبلیغاتی غرب علیه سوسیالیسم و پس از یک دهه واژگون نشان دادن حقایق، با دردسر کمتری پیش برده می‌شود.

در سالگرد انقلاب اکتبر روسیه در هشتاد و چهارمین یادواره‌ی این ستاره‌ی درخشان قرن بیست، خاطره‌ی پیکارگران آن را گرامی خواهیم داشت. و در آغاز قرن جدیدی که در آن قرار داریم جهان کماکان تشنه‌ی اکتبر دیگری است که با درس گیری از تجارب گران بهای آن و ارزیابی درست از شرایط جدید و شناخت روندهای آن، تحولات جهانی را تحت تأثیر خود قرار خواهد دهد.

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
saturday
24 / 10 / 2001
No: 34

ادامه‌ی جنگ در افغانستان

هیجده روز پس از آغاز حملات هوایی آمریکا به افغانستان و کوبیدن مراکز نظامی و دفاعی طالبان و بن لادن شهرهای افغانستان هم چنان مورد حملات مرگ آور بمب افکن های آمریکایی قرار دارند. دیروز یك سخنگوی پنتاگون اقرار داشت که یکی از بمب ها از مسیر اصلی‌اش منحرف شده و به یك خانه‌ی سالمندان اثابت کرده است. قبلاً دفتر سازمان ملل متحد پاکستان گفته بود که یك بیمارستان نظامی در شهر هرات بر اثر بمباران هوایی آمریکا ویران شده است. اما گزارشاتی از تلفات تا کنون انتشار نیافته است.

طالبان در این باره اعلام کرده‌اند که یك بیمارستان در شهر هرات مورد حمله قرار گرفته و بیش از صد نفر کشته شده‌اند. به نظر می‌رسد بمباران یك بیمارستان در شهر هرات واقعیت داشته باشد چرا که منابع دیگری این خبر را تأکید کرده‌اند. در حالی که آمریکا مداوماً اعلام می‌دارد که مراکز نظامی را بمباران می‌کند. از آغاز حملات بر افغانستان چندین بار مراکز غیر نظامی مورد هدف قرار گرفته و تلفات سنگینی ببار آورده است.

در جبهه‌های شمال افغانستان و در جنگ طالبان و نیروهای ائتلاف شمال، گزارشاتی از تشدید جنگ در این جبهه‌ها می‌رسد. این جنگ ها عمدتاً در اطراف شهر مزار شریف متمرکز شده است. نیروهای آمریکایی در این جنگ ها به کمك ائتلاف شمال شتافته‌اند و خطوط جبهه‌ی نخست طالبان را در اطراف شهر مزار شریف و در جنوب مورد بمباران های خود قرار داده‌اند. در جبهه‌های کابل نیز گزارشات مشابهی از بمباران خطوط جبهه‌ی طالبان توسط نیروهای آمریکایی به منظور کمك به پیشروی ائتلاف شمال انتشار یافته است. با تشدید جنگ در جبهه‌های شمال افغانستان و به ویژه مسأله‌ی سقوط شهر مزار شریف نگرانی از قتل عام های وسیع و انتقام جویی مدافعان حقوق بشر را فرا گرفته است. در سال ۱۹۹۷ هزاران تن از اسرای جنگی طالبان در شهر مزار شریف قتل عام شدند و یك سال پس از آن طالبان با کشتن هزاران غیر نظامی و عمدتاً از هزاران شیعه، انتقام گرفت. آیا چنین قتل عام هایی تکرار نخواهد شد؟ سخنگوی طالبان ملا امیر متقی که وزیر آموزش و پرورش طالبان نیز هست اعلام کرد که طالبان پنج تن از اسرای جنگی وابسته به ائتلاف مخالفان را اعدام کرده‌اند. این پنج تن دو فرمانده وافراد به گفته‌ی طالبان وفادار به ژنرال عبدالرشید دوستم بودند که در اطراف شهر مزار شریف علیه طالبان می‌جنگیدند.

سخنگوی طالبان هم چنین گفته است که در نخستین درگیری‌ها با نیروهای ضد طالبان بیش از صد تن از آنان را به هلاکت رسانده‌اند و ۳۰ تن دیگر را به اسارت درآورده‌اند. در عین حال از سوی منابع وابسته به ائتلاف شمال در استان غور گفته شد که هفت نفر از فرماندهان طالبان دیروز سه‌شنبه به جبهه‌ی متحد شمال پیوسته‌اند. بنا به گفته‌ی "ابراهیم ملك زاده" از فرماندهان جبهه‌ی متحد شمال در غور که مدعی شد این تعداد با حضور صد تن از نیروهای تحت فرماندهی خود به این جبهه ملحق شده‌اند.

جرج بوش که برای شرکت در اجلاس سازمان اقتصادی کشورهای آسیا و اقیانوسیه به جنوب شرقی آسیا سفر کرد، ضمن دیدار با رئیس جمهوری کره‌ی شمالی یادآور شد که حملات هوایی به افغانستان قطع نخواهد شد. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه پس از حضور در این اجلاس، حمایت کامل خود را از جنگ ضد ترور تکرار کرد. رئیس جمهور روسیه در بازگشت به روسیه در دوشنبه پایتخت تاجیکستان توقف کرد و با رحمانف رئیس جمهوری این کشور و هم چنین ربانی رئیس جمهوری سابق افغانستان دیدار کرد.

در شهر بروکسل پایتخت بلژیك نیز، سران چهل کشور اروپایی در پایان اجلاس خود حمایت خود را از آمریکا مجدداً اعلام کردند.

در رابطه با افغانستان، هم اکنون اخبار مربوط به جنب و جوش های گسترده و دیپلماتیك درباره‌ی حکومت آینده‌ی افغانستان به اندازه‌ی جنگ و نتایج آن اهمیت پیدا کرده است. روزنامه‌ی نیویورك تایمز پخش کرده است که قرار است هفته‌ی آتی حکومت آینده‌ی افغانستان تشکیل شود که نمایندگان اکثر تشکل های سیاسی را در خود خواهد گرفت.

در مرزهای افغانستان، مسأله‌ی آوارگان افغانی که بسوی مرزها هجوم آورده‌اند، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. جنگ عملاً مانع از رساندن کمك‌های انسان‌دوستانه است. هم اکنون برای تأمین حداقلی از نیازمندی‌های آوارگان ۵۳ هزار تن مواد غذایی لازم است. میلیون ها افغانی در خطر گرسنگی و مرگ قرار دارند. سازمان های امداد رسانی مداوما هشدار می‌دهند که با فرا رسیدن فصل سرما و راهبندان که نزدیك است، مسأله‌ی ارسال کمك های اولیه به آوارگان به شدت کاهش خواهد یافت.

رضا کعبی

با ارسال آدرس الکترونیکی خود خبرنامه را شامگاه هر شنبه و چهارشنبه به وقت اروپا، در کامپیوتر خود داشته باشید.

Khabarnameh_komala@hotmail.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۵

شنبه ۵ آبان ماه ۱۳۸۰

www.komala.org

شورش‌های پی‌درپی در ایران و هراس جمهوری اسلامی

طی هفته‌های گذشته با برگزاری چندین مسابقه‌ی فوتبال بین تیم فوتبال ایران و تیم های آسیایی در رقابت های جام جهانی فوتبال ۲۰۰۲، مردم معترض و به جان آمده از حاکمیت جمهوری اسلامی به ویژه جوانان در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای بزرگ و کوچك به خیابان ها سرازیر شدند و رژیم اسلامی را که دو دهه است جامعه‌ی ایران را به تباهی کشانده است، به مصاف طلبیدند. دهها و صدها هزار نفر از مردم مبارز و جوانانی که تحت حاکمیت این رژیم هیچ آینده‌ی روشنی برای خود نمی‌بینند، با توان ، شور و نیروی زیادی متحدانه در خیابان ها به تظاهرات پرداختند، شعارهای ضد رژیمی سردادند، مراکز دولتی و نظامی، بانك ها و ساختمان ها را به عنوان اعتراض و به عنوان نهادهای سرکوب و حاکمیت رژیم درهم شکستند و با هزاران تن از نیروهای مسلح و یگان های ویژه و ضد شورش درگیر شدند.

پس از مسابقات تیم فوتبال ایران با تایلند، عراق، بحرین و با امارات متحده‌ی عربی، مردم معترض و جوانان چنان شورش هایی برپا کردند که بلافاصله رسانه‌های خبری جهانی را تحت پوشش خود قرار داد. این شورش ها را در یك شنبه شب گذشته ۲۹ مهرماه با حضور صدها هزار نفر در تهران، اصفهان، شیراز، اهواز، تبریز، و دیگر شهرهای ایران و نبردهای چند ساعته به اوج خود رسید.

اکنون خبر می‌رسد که پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال تیم های امارات متحده‌ی عربی، جمعیت عظیمی در تهران در اغلب کوچه‌ها و خیابان ها با نیروهای انتظامی... بقیه در ص ۲

اطلاعیه‌ی خبری

کومه‌له-سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

جمهوری اسلامی بار دیگر با شورش مردم به لرزه درآمد

شب گذشته در پایان دیدار تیم های فوتبال ایران و امارات متحده‌ی عربی که در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد، بار دیگر فرصتی پیش امد که مردم معترض و به ویژه جوانان به خیابان ها سرازیر شوند و حاکمیت جمهوری اسلامی را که در دل آنان کینه‌های عمیقی کاشته است، به مصاف طلبند.

بنا به گزارشات رسیده از تهران، دهها هزار نفر پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال در خیابانها اجتماع کرده و به تظاهرات پرداخته‌اند. میدان "نارمك" که بیشترین جمعیت معترض را در خود گرفته بود با حمله‌ی بسیجی‌ها و نیروهای ضد شورش که از باتون برقی استفاده می‌کردند، روبرو شد. مردم با شعارهای "مردم چرا نشستین، ایران شده فلسطین"، "پاسدار- طالبان پیوندتان مبارك" و " توپ، تانك، فشفشه آخوند باید کشته شه" و آزادی، آزادی" به تظاهرات پرداختند و بسیجی‌ها نیز با فریاد " یا حیدر یا حیدر" به مردم حمله‌ور شدند. بر طبق گزارشی که هنوز از منابع دیگری تایید نشده، موتور سواری سر می‌رسد و مردم را به رگبار کلاشینکف می‌بندد و ٤ نفر از تظاهرکنندگان کشته می‌شوند و موتور سوار از محل دور می‌گردد.

در دیگر محلات تهران، جنت آباد میدان نور، میدان محسنی، سعادت آباد و میرداماد نیز تظاهرات های بزرگی روی داد. خبرنگاری که شب گذشته همزمان با تظاهرات با بخش فارسی رادیو فرانسه گفت و گو می‌کرد، جمعیت تظاهر کننده بی‌سابقه توصیف کرد و اظهار داشت که سپاه پاسداران نیز به کمك یگان ویژه و نیروی انتظامی شتافته است. تصور عمومی بر این است که جوانان جمعیت عمده‌ی این تظاهرات را تشکیل می‌دادند، اما خبر می‌رسد که در تظاهرات های دیشب جمعیت میان سال و به بالا نیز حضور چشمگیر داشته‌اند.

طبق خبرهایی که از تهران می‌رسد طی روزهای گذشته نیروهای رژیم به خانه‌های مردم هجوم برده و به جمع آوری تعدادی از انتن های ماهواره‌ای اقدام کرده‌اند.

در جریان هجوم نیروهای رژیم به تظاهرات مردم در اعتراضات شب گذشته، نیروهای رژیم از گازهای اشك آور استفاده نموده و در میدان "محسنی" بر روی مردم تیراندازی شده است.

در درگیری‌های دیشب صدها نفر از مردم دستگیر و بازداشت شده‌اند. اخبار جدیدی از کشته‌ها و زخمی‌های احتمالی و میزان دستگیری‌ها انتشار نیافته است.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

پرتوان باد مبارزات توده‌های مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی.

کومه‌له- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

جمعه ٤ آبان ماه ۱۳۸۰، ۲٦ اکتبر ۲۰۰۱

خبرنامه‌ی کومه‌له شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها انتشار می‌یابد

با خبرنامه‌ی کومه‌له هم کاری کنید

www.iranarchive.com

ادامه‌ی شورش های پی در پی در ایران..... از ص ۱

...درگیر شده‌اند. خبرنگاری با بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه که مستقیماً از تهران گزارش می‌داد، اظهار داشت که چنین جمعیتی در تهران بی‌سابقه بوده است و سپاه پاسداران نیز به کمك نیروهای انتظامی شتافته است.

شورش های پی‌درپی طی هفته‌های گذشته، پتانسیل عظیمی را نشان می‌دهد که جنبش اعتراض توده‌ای علیه جمهوری اسلامی در خود ذخیره دارد این شورش فوران کینه‌هایی است که در اعماق این جامعه در دو دهه حاکمیت یکی از هارترین رژیم های معاصر بر روی هم انباشته شده است.

مدافعان جمهوری اسلامی با وقوع این شورش ها، یك رنگی و اتحادشان را به نمایش گذاشتند. جناح های رژیم در دشمنی با این شورش ها و "اوباش و اراذل" نامیدن مردم و جوانانی که بپاخواسته‌اند، بار دیگر نشان دادند که جنگ زرگری و جنگ قدرت آنان ربطی به توده‌های کارگر و زحمتکش، زنان، جوانان و مردم مبارزی که از این رژیم به‌تنگ آمده‌اند، ندارد. این شورش ها نشان داد که جنبش اصیل توده‌های مردم مبارز و مطالبات برحق آنان نمی‌تواند، با طرح ناقص و محدود مطالبات مردم به کج راه برده شود. اعتراضات گسترده‌ی هفته‌های گذشته بار دیگر نشان داد که جامعه‌ی ایران منتظر جرقه و زمان مناسبی است تا بساط جمهوری اسلامی را درهم پیچد. توان و ظرفیت اعتراض و حضور متحدانه و یك صدای مردم اگر چه جناح های جمهوری اسلامی را در مقابل با آن متحد ساخت اما از سوی دیگر موجبات شکاف عمیق تری را میان آنان فراهم می‌سازد. شکافهایی که به ویژگی سال های اخیر با حضور برجسته‌تر مردم و مطرح کردن مطالبات آنان، هر چه عمیق تر گشته و حتی به طرز بی‌سابقه‌ای در دوران زمامداری و حاکمیت شان، گوشه‌هایی از چهره‌ی پنهان و اعمال جنایتکارانه‌اش را نمایان ساخته و قدرتمندترین عناصر رژیم را در انظار همگان افشا نموده است. شورش های پی‌درپی هفته‌های گذشته بار دیگر بر این واقعیت تاکید کردکه آن چه به نام جنبش اصلاح طلبی تحمیل شد در مقابل حرکت اصیل و کینه‌ای انباشته شده در دل مردمی متنفر و بی‌زار و خسته از حاکمیت جمهوری اسلامی ناتوان و ضعیف است و با هر تکان توده‌ای به سرعت رنگ می‌بازد.

دوران قدر قدرتی جمهوری اسلامی نه فقط به سر آمده است، که تقلاهای این رژیم برای حفظ موجود و تداوم حاکمیتش هر روز ناتوان تر و ضعیف تر گشته است. اختصاص دادن صدها هزار نیروی مسلح برای مقابله با شورش های توده‌ای، آماده‌باش سراسری در شهرهاو کوچه‌ها و پس کوچه‌هاو گذرگاه‌ها مدت ها قبل از آغاز مسابقات فوتبال و متحمل شدن هزینه‌های هنگفت و هشدارهای پی‌درپی ریاست جمهوری، مجلس، نیروهای انتظامی و مطبوعات رژیم، آشفتگی و پریشانی حاکمیت جمهوری اسلامی را نمایان تر ساخته است.

باتمام توان باید به تقویت و گسترش شورش های اعتراضی و قیام های توده‌ای شتافت. توده‌های کارگر و زحمتکش، مردم مبارز، زنان و جوانان و روشن فکران به نیروی مبارزه و پیکار متحدانه‌ی خود خواهند توانست شر جمهوری اسلامی را از سر جامعه‌ی ایران بردارند. در این شرایط وظایف دشوار و فوری بر دوش همه‌ی نیروهای اصیل، انقلابی و سوسیالیستی قرار می‌دهد که بیش از دو دهه است دست اندرکار خلق چنین شرایطی در جامعه‌ی ایران بوده‌اند.عکس العمل نشان دادن به موقع و فوری در سازماندهی این مبارزات و طرح صحیح شعارها و مطالبات می‌تواند در هدایت این مبارزات نقش فوق العاده مهمی داشته باشد.

کریم حسامی درگذشت

روز ششم اکتبر ماه جاری قلب کریم حسامی از چهره‌های شناخته‌شده‌ی سیاسی و ادبی کردستان پس از یك دوره‌ی طولانی بیماری، از تپش باز ایستاد.

کریم حسامی در سال ۱۹۲۶ در یکی از روستاهای مهاباد بدنیا آمد. در مدت سالیان طولانی زندگی سیاسی و ادبی خود دوران پر فراز و نشیبی را از سر گذراند. در بررسی دوره‌های مختلف تحولات سیاسی بدون نام و جایگاه وی مطرح و مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

کریم حسامی سیاستمداری فعال و نویسنده و مترجمی پرکار که بیش از نیم قرن در راه اندیشه‌ها و اعتقاداتش زحمت کشید. بیش از ۲۵ سال در حزب دمکرات کردستان ایران وی در رهبری آن تا موقعیت معاونت دبیر کل حضور داشت. کتاب خاطرات کریم حسامی که چند سال قبل به نگارش درآمد مباحث فراوان موافق و مخالف را برانگیخت.

جنازه‌ی کریم حسامی در روز ۱٤ اکتبر ماه در یکی از محلات شهر استکهلم سوئد با حضور صدها تن به خاك سپرده شد. و در مراسم یادبودی احزاب و سازمان های سیاسی کرد در سوئد پیام فرستادند.

از طرف کومه‌له، رفیق ناصر حسامی عضو کمیته‌ی مرکزی کومه‌له_ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران به مناسبت درگذشت وی پیامی فرستاد.

عملیات گسترده‌ی جمع آوری آنتن های ماهواره‌ای

مأموران رژیم خانه به خانه به تفتیش می‌پردازند

از صبح روز پنجشنبه در یك عملیات گسترده توسط نیروهای انتظامی جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای در تهران آغاز شد. این طرح از سوی پلیس تهران به مرحله‌ی اجرا درآمد. روزنامه‌ی ایران چاپ تهران در گزارشی در این باره می‌نویسد: "در این طرح که اداره‌ی کل مبارزه با مفاسد اجتماعی "ناجا" در دستور کار خود قرار داده است، پلیس توانسته است در مدت ٤٨ ساعت بیش از هزار آنتن ماهواره‌ای را جمع آوری کند، بنا به این گزارش از ساعات اولیه‌ی روز پنجشنبه سوم آبان ماه عملیات گسترده‌ای از شمال غرب تا جنوب غرب تهران توسط پلیس آغاز شد و در آن از دارندگان آنتن‌های ماهواره‌ای خواسته شد، داوطلبانه اقدام به تحویل آن کنند."

روزنامه‌ی ایران در ادامه‌ی گزارش خود می‌نویسد: در مدت ٤٨ ساعت هزار آنتن ماهواره‌ای جمع آوری شده است که ۹۵ درصد آن به صورت داوطلبانه بوده و ۵ درصد نیز با حکم قضایه توقیف شده‌اند. "... در این عملیات که از میدان آزادی، میدان نور، کوی نصر، تجریش، سعادت آباد و مناطق شمال غرب شروع شده است مأموران ناجا به مراجعه در خانه‌ی افرادی که آنتن‌های ماهواره‌ای دارند از آنان می‌خواهند داوطلبانه آنتن‌ها را تحویل دهند."

به گفته‌ی مقامات جمهوری اسلامی پیش بینی می‌شود که در این طرح ۱۵۰ هزار آنتن ماهواره‌ای جمع آوری شود.

www.iran-archive.com

هفتم آبان ماه سال روز مرگ دکتر جعفر شفیعی

از رهبران کومه‌له و جنبش انقلابی کردستان

۱۴ سال قبل در هفتم آبان ماه سال ۱۳۶۶ مصادف با بیست و نهم ۱۹۸۷ قلب پرشور رفیق دکتر جعفر شفیعی سیمای شناخته‌ی شده‌ی جنبش انقلابی کردستان، از رهبران محبوب کومه‌له و مارکسیست و مبارز خستگی‌ناپذیر از تپش باز ایستاد. خبر کوتاه بود.به سرعت سراسر تشکیلات ها و نیروی پیشمرگ کومه‌له را در غم و اندوه عمیقی فرو برد و مردمی که در کردستان نام دکتر جعفر را شنیده بودند و یا با وی آشنایی داشتند به پاس زحمات و مبارزاتش و به پاس مردم دوستی و عشق به مردم که عمیقا در وجود دکتر جعفر شفیعی ریشه داشت، ماتم گرفتند و اکنون نیز پس از گذشت سالیان طولانی از مرگ دکتر جعفر با همان اندوه اولیه از وی یاد می‌کنند.

جعفر شفیعی سال ۱۳۳۰ خورشیدی(۱۹۵۱میلادی) در شهر بوکان از یك خانواده‌ی مذهبی و متوسط به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در بوکان به پایان رسانید. جعفر محصلی باهوش و زیرك بود. قبل از این که در رشته‌ی پزشکی دانشگاه تبریز قبول شود به فعالیت سیاسی روی آورد. و اعتقادات اولیه مبارزاتی و سیاسی در او شکل گرفت. با وارد شدن به دانشگاه تبریز در سال ۱۳۴۹ به جنبش دانشجویان پیوست و طولی نکشید که به یکی از فعالین آن تبدیل شد. در دانشگاه تبریز بود که به مارکسیسم روی آورد و به طرفداری از گرایش چپ انقلابی برخواست. در همین دوران بود که با رفقای کومه‌له که مشغول یك کار مخفی فعالی بودند، آشنا شد. این آشنایی سیر بعدی زندگی مبارزاتی‌اش را تعیین کرد.در سال های مبارزه مخفی کومه‌له تحت حاکمیت رژیم شاه، کار با کارگران و زحمتکشان و زندگی با آنان و هم چنین گسترش روابط دوستانه و صمیمانه و سیاسی با آن ها از شروط کار و عضویت در کومه‌له بود. دکتر جعفر شفیعی که دانشجویی جوان، پرشور و جسور بود در این مسیر هم گام گذاشت و ارتباطات معینی را با کارگران در شهر تبریز به وجود آورد. کارگران کارخانه‌های کفش، کارگران فرش، ماشین سازی تبریز و هم چنین کارگران شهر و روستای کردستان و به ویژه بوکان مهمان دانشجویی خون گرم و صمیمی شدند که زمینه‌ی پیوندهای عمیق سیاسی را با آنان برقرار ساخت. فعالیت سیاسی در سال ۱۳۵۱(۱۹۷۲میلادی) دکتر جعفر را به زندان ساواك کشاند. ۶ماه حبس در زندان تجارب انقلابی‌اش را غنی‌تر ساخت.

هم چون پزشکی انقلابی یارو یاور صمیمی و دل سوز مردم زحمتکش، دکتر جعفر برای مداوا و خدمت به مردم از هیچ گونه سختی و روز و شب و نیمه شبی باکی نداشت. نام دکتر جعفر به عنوان انسانی ارزشمند و غم خوار مردم زحمتکش به سرعت همه جا پخش می‌شد. دکتر جعفر دیگر در دل هزاران نفر از مردم منطقه اش لانه کرده بود.

اما دکتر جعفر فقط پزشك جسم نبود بیش از آن، امدادگر دردهای عمیق اجتماعی بود که جامعه‌اش را به شدت تحت فشار گذاشته بود. دردهای عمیق توده‌ی مردم را با کلام امید بخش تیمار می‌کرد. هنوز هزاران نفر صدای سخنرانی‌ها و گفتارهای پرشور دکتر جعفر در وجودشان باقی است. ابتدای سال ۱۳۵۷(۱۹۷۸) از طرف کومه‌له به ماموریتی به کردستان عراق رفت و چه به عنوان پزشك و چه به عنوان آزمون از تجارب و شرایط دشوار برای برای مبارزات آتی، توانست در کردستان عراق و در صفوف اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق جایگاه محبوبی بیابد.

با بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران، میدان وسیع و پر مشغله‌ای برای کومه‌له فراهم گشت که بر دوش کسانی چون دکتر جعفر شفیعی توانست به انسانی پیشواز این شرایط نوین بشتابند. کار و فعالیت رفیق جعفر در روزهای قیام و پس از آن در جریان جنبش انقلابی کردستان برای همگان شناخته شده است. به سرعت لیاقت و شایستگی‌اش را نشان داد و هم چون رفیق و رهبری مورد اعتماد در صفوف کومه‌له و در میان مردم جایگاه ویژه‌ای یافت.

دکتر جعفر شفیعی در سازماندهی و تشکیل جمعیت شهر بوکان، ایجاد "بیمارستان خلق"، عضویت در هیأت نمایندگی خلق کرد که تشکل سازمان های سیاسی و شخصیت های سیاسی کردستان برای مذاکره با جمهوری اسلامی بود، نقش!! مهمی یافت. تأسیس رادیو صدای انقلاب ایران، نویسنده و سردبیر نشریه‌ی پیشرو، ارگان کومه‌له، و عضویت در اغلب هیأت های نمایندگی کومه‌له در مجامع مختلف، و بالاخره تبدیل شدن به یکی از رهبران سیاسی نیروی پیشمرگ کومه‌له و معلم مدرسه کادرهای کومه‌له و غیره، از دکتر جعفر رهبری محبوب و توانا برای کومه‌له ساخته بود که برای همیشه در خاطره ها زنده خواهد ماند.

در تمام این عرصه‌ها دکتر جعفر با شور و شوق و انرژی کم نظیری کار می‌کرد. کافی بود از کاری راضی نباشد تا ده بار آن را بیازماید و بالاخره به کیفیت عالی برساند و هر بار با همان انرژی و شوروشوق از نو آغاز می‌کرد. گویی به وی تلقین شده بود که عمرش کوتاه خواهد بود.

کاك دکتر جعفر شفیعی از زمره‌ی رهبران برجسته‌ی کومه‌له، از زمره‌ی کادرهای مارکسیست و معتقد، از زمره‌ی مبارزان سخت کوش، از زمره‌ی یار و یاوران توده‌های کارگر و زحمتکش و از زمره‌ی انسان هایی است که تمام وجود و تمام سرمایه‌ی زندگی و تمام امکاناتشان را در راه شریف ترن و انسانی‌ترین اعتقادات و باورهای پیشرو بشری فدا کرد. از زمره‌ی کاردهای دخیل و مبارزانی است که کوتاه اما مفید زیست. "یك دم در این زلال بدرخشید و جست و رفت."

یا و نام این انسان مبارز، این انقلابی راستین و این کمونیست پرآوازه و این یار و یاور صمیمی مردم زحمتکش برای همیشه در تاریخ مبارزات مردم کردستان و همه‌ی کسانی که با وی آشنایی داشتند، باقی خواهد ماند.

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
Saturday
27 / 10 / 2001
No: 35

سیاه زخم در آمریکا باز هم قربانی می‌گیرد

بامرگ دو تن از کارکنان اداره‌ی پست که نامه‌ی آلوده به باکتری سیاه‌زخم به آدرس کنگره آمریکا را به مقصد رسانده بودند و و مبتلا شده بودند، و هم چنین مرگ یك تن دیگر مساله‌ی بیماری سیاه زخم و احتمالاً گسترش آن جامعه آمریکا را بیش از پیش به خود مشغول کرده است. این دو کارمند به سیاه زخم تنفسی مبتلا شده بودند که بسیار خطرناك و کشنده است. مقامات امریکا هم چنان در حال تحقیق برای جنازه‌ی دو نفر کارمند مذکور هستند.

طی دو هفته‌ی گذشته مساله‌ی پخش باکتری سیاه زخم که عمدتاً از طریق نامه‌های پستی صورت گرفته است، جنگ روانی گسترده‌ای رادر امریکا و کانادا دامن زده است. قبل از این دو کارمند هم ده نفر در امریکا به سیاه زخم مبتلا شده‌اند که چهار نفر از آنان سیاه زخم تنفسی و شش مورد نیز سیاه زخم پوستی است. پخش باکتری سیاه زخم موجب (تعطیلی) کنگره‌ی امریکا و موج اختصاص دادن امکانات و مخارج هنگفتی شده است. در تازه‌ترین خبر از سوی مقامات، اعلام شده است که امریکا تصمیم گرفته است که یکصد میلیون عدد آنتی‌بیوتك مربوط به بیماری سیاه زخم خریداری نماید.

با گسترش سیاه زخم، مبتلایان به آن و مرگ دو کارمند اداره‌ی پست، شناخت درباره‌ی این بیماری و راه‌های مقابله ضرورت پیدا کرده است. سیاه زخم یك نوع عفونت بسیار نادر است. این بیماری چندین نوع دارد که بدترین نوع آن مرگبار است. این بیماری که در برخی نقاط جهان در گاو و یا سایر احشام دیده می‌شود توسط ازگانیسمی به نام "باسیلوس آنتراسیس" ایجاد می‌شود. این باکتری می‌تواند به تشکیل ازگانیسم تك سلولی (اسپور) منجر شود که از طریق گوشت آلوده، تنفس یا زخم آلوده وارد بدن انسان شود. کسانی که در حرفه‌ی دامداری مشغول هستند بیش از دیگران در معرض خطر ابتلا به این بیماری قرار دارند. این بیماری مسری نیست و انسان سالم نمی‌تواند آن را از شخص مبتلا دریافت کند.

آن چه سیاه زخم را خطرناك می‌کند عوارضی است که اغلب از سایر بیماری‌های عفونی کم خطرتر قابل شناسایی نیستند. مجموعاً سه نوع بیماری سیاه زخم وجود دارد که نوع آن بستگی به نقطه ورود عامل بیماری‌زا به بدن دارد. یکی از انواع آن سیاه زخم پوستی است که کم خطر است. نوع دیگر سیاه‌زخم روده‌ای است که از طریق گوشت آلوده وارد بدن می‌شود و با ایجاد عوارض مسمومیت غذایی می‌تواند مرگبار باشد. نوع سوم سیاه‌زخم تنفسی است که از طریق هوا وارد بدن می‌شود و در ریه‌ها قرار می‌گیرد. عوارض اولیه‌ی این بیماری مانند آنفلوآنزا است اما عوارض تنفسی به سرعت گسترش یافته و بیما را طی دو تا شش روز دچار شوك می‌کند. این نوع نیز اغلب مرگباراست. عوارض سیاه‌زخم معمولاً طی دو روز پس از ابتلا بروز می‌کند.

تجویز آنتی‌بیوتیك می‌تواند به درمان این بیماری به ویژه نوع پوستی آن منجر شود. با این حال اگر انواع تنفسی و روده‌ای آن بلافاصله تحت درمان قرار نگیرد از امکان معالجه به شدت کاسته می‌شود.

هم اکنون یك نوع واکسن برای‌پیشگیری از سیاه‌زخم وجود دارد اما این واکسن به جز برای کسانی که به شدت تحت مخاطره هستند تجویز نمی‌شود. کارشناسان معتقدند که تولید این سلاح احتمالاً خارج از توانایی افراد یا گروه‌های کوچك است.

(لازم به توضیح است که اطلاعات گردآوری شده از سایت پخش فارسی بی‌بی‌سی برگرفته شده است.)

مرگ بیش از ۳۰۰ پناهنده در سواحل اندونزی

روز جمعه ۱۹ اکتبر در اثر غرق شدن یك کشتی حامل صدها پناهجو در سواحل اندونزی، حداقل ۳۰۰ تن از پناهجویانی که در تلاش رسیدن به کشوری امن خود را به خطر زده بودند، جان خود را از دست دادند. این کشتی که عازم استرالیا و اکثر آن‌ها را پناهندگان کرد عراقی تشکیل می‌داد، دچار نقص فنی شده بود. گفته می‌شود که مأموران ساحلی استرالیا از واقعه خبردار شده بودند و با توجه به امکانات پیشرفته و فراوانی که در اختیار دارند، کمکی به آنان ننمودند.

غرق شدن این تراژدی انسانی دیگری است که هر ساله موارد متعدد و مشابهی از آن برای خیل عظیم مهاجرانی اتفاق می‌افتد که برای رسیدن به شرایط امن و برخورداری از یك زندگی مناسب و اضافی مخاطرات فراوانی را متحمل می‌شوند.

ارتش جمهوری‌خواه ایرلند خلع سلاح خود را آغاز کرد

بنا به گزارشی که بخش فارسی رادیوی بی‌بی‌سی انتشار داده است، ارتش جمهوری خواه ایرلند خلع سلاح خود را آغاز کرده است. کمیسیون بین المللی خلع سلاح که کار نظارت بر خلع سلاح ارتش سری جمهوری‌خواه ایرلند را بر عهده دارد تاکید کرد که این ارتش مقداری از سلاح های خود را "از دسترس دور کرده است". این اصطلاحی است که از سوی اعضای ارتش جمهوری‌خواه ایرلند برای خلع سلاح استفاده می‌شود. این تائید پس از آن اعلام شد که در یك اقدام عملی ارتش سری جمهوری‌خواه ایرلند با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که برنامه‌ی نابود کدن بخشی از سلاح های خود را آغاز کرده است.

در بیانیه‌ای که عصر روز سه‌شنبه ۲۳ اکتبر منتشر شد، مقامات این ارتش گفته‌اند که آن ها روند نابودسازی بخشی از سلاح های خود را آغاز کرده‌اند. این مقامات تأکید کرده‌اند که این تصمیم براساس تعهداتی صورت می‌گیرد که این ارتش به کمیسیون بین المللی خلع سلاح به ریاست ژنرال "دشستان"سپرده بود.

نمایندگان سیاسی ارتش سری جمهوری‌خواه ایرلند شمالی روز ۲۲ اکتبر خبر شروع روند خلع سلاح را اعلام کردند. "جری آدامز" در سخنانی از مقامات ارتش سری جمهوری‌خواه ایرلند خواست تا در یك اقدام "متهورانه و تاریخی" روند خلع سلاح که یکی از مورد مهم موافقت نامه موسوم به "جمعه نیك" است را آغاز کنند.

صدای کومه‌له ـ ده‌نگی کومه‌له
بر روی شبکه‌ی انترنت
روزهای شنبه، یکشنبه، سه‌شنبه، پنج شنبه و جمعه برنامه‌های پخش شده‌ی رادیو کومه‌له را از طریق انترنت با مراجعه به آدرس:
www.komala.org
دریافت دارید

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۶

چهارشنبه ۹ آبان ماه ۱۳۸۰

www.komala.org

اعتیاد درکردستان
و ضرورت یك مقابله همگانی و توده‌ای

طی یك سال گذشته کارزار تبلیغاتی رادیو صدای کومه‌له _ رادیوی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران علیه گسترش اعتیاد و پخش مواد مخدر، در شناسایی باندهای پخش مواد مخدر که اساسا مرتبط با نیروهای اطلاعاتی در کردستان هستند و در جلب توجه توده‌های مردم کردستان به مقابله همگانی و توده‌ای و سراسری با آن تأثیرات معینی به جای گذاشته است. طی این یك سال گزارشات متعددی از عاملین پخش، از شرایط زندگی و رنجی که معتادان متحمل می‌شوند، از قربانیان اعتیاد که با تزریق جانشان را از دست داده‌اند و از برخی اقدامات و ابتکارات مردمی به رادیو صدای کومه‌له رسیده‌است. که مجموعا توانسته است مساله‌ی اعتیاد را در کردستان به یك معضل همگانی و ملی تبدیل کند و توده‌های مردم را بیش از پیش به مقابله‌ی جدی، به حساسیت فراوانتر و به واکنش نشان دادن عمومی‌تر و بالاخره به مساله‌ای مربوط به آحاد مردم در کردستان تبدیل کند که روزی ممکن است هرکس را به نوعی با آن درگیر سازد.

اما دامنه و ابعاد اعتیاد در کردستان و باندهای پخش مواد مخدر که بوسیله امکانات مادی و انسانی نیروهای اطلاعات رژیم در کردستان از جایگاه مطمئنی برخوردار هستند، حاکی از آن است که برای مقابله با گسترش اعتیاد و مقابله با باندهای پخش مواد مخدر، به یك تکان جدی، به یك مقابله‌ی جدی، به یك حرکت عمومی و توده‌ای و سراسری نیاز مبرم است.

بقیه در صفحه‌ی ۲

گزارشی از شهر سنندج

بنا به خبری که از شهر سنندج برای رادیو صدای کومه‌له ارسال شده است روز پنجشنبه سوم آبان ماه جاری قبل از شروع مسابقه‌ی تیم های فوتبال ایران و امارات متحده‌ی عربی نیروهای رژیم متشکل از انتظامی و اطلاعاتی و گارد ویژه‌ی ضد شورش تمام طول خیابان ها و چهارراه ها را به کنترل خود درآوردند. نیروهای ویژه‌ی ضد شورش مجهز به باتون و چوب و ماسك بخصوص در خیابان های ششم بهمن، میدان آزادی، خیابان فردوسی، سه‌راه نمکی و میدان اصلی شهر سنندج در داخل چندین اتوبوس آماده‌ی حمله به مردم بودند و ده‌ها ماشین و موتور مأمورین در حال گشت زنی بودند و وحشت در چهره‌ی آن‌ها به خوبی دیده می‌شد.

پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال جوانان به خیابان ها آمدند و در ساعت ۷ و نیم بعدازظهر یك آتش در خیابان ۱۷ شهریور و نزدیك به چهار راه فرح روشن شد اما نیروهای رژیم که آماده بودند آتش را سریعا خاموش کردند. از تجمع چند نفره جلوگیری می‌شد و اجازه‌ی هیچ گونه توقفی به هیچ کس در خیابان ها داده نمی‌شد. این وضعیت تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت.

لازم به یادآوری است که جوانان شهر سنندج پس از پایان مسابقه‌ی تیم های ایران و بحرین در میدان اقبال جمع شدند و به شعار دادن های پراکنده پرداختند که با مقابله‌ی نیروهای انتظامی مواجه شدند. تا نزدیکی‌های صبح میدان اقبال و اطراف آن مملو از صدها پلیس بود که در میان آن‌ها فرمانده‌ی نیروی انتظامی هم که در حال گشت زنی بود دیده شده است.

مریوان

قربانیان اعتیاد و مواد مخدر

روز پنجشنبه‌ی گذشته سوم آبان ماه جاری جسد جوانی که به دلیل تزریق مواد مخدر جانش را از دست داده است، کشف شد. تا ارسال این خبر برای رادیو صدای کومه‌له هویت این جوان و وابستگان وی مشخص نشده است. به علت گسترش اعتیاد و پخش مواد مخدر هر ماهه تعدادی از معتادان که اغلب آنان را جوانان تشکیل می‌دهند در اثر تزریق جانشان را از دست می‌دهند.

گسترش اعتیاد در کردستان، سیاست و نقشه‌ی جمهوری اسلامی

برکسی پوشیده نیست که گسترش اعتیاد در کردستان به‌ویژه طی پنج سال اخیر سیاست و نقشه‌ی جمهوری اسلامی برای مقابله با جنبش انقلابی کردستان، برای فلج کردن توان و انرژی به‌ویژه جوانان درکردستان، برای بوجود آوردن معضلات اساسی برای خانواده‌ها، برای گسترش فقر، نابسامانی، فساد و بالاخره حاکم کردن چنان شرایطی که این جامعه را بیش از بیش در خون فرو برد و با چنان معضلاتی دست به گریبان سازد که بدرجات فراوان و با ضمانت بیشتری توان پیوستن به جنبش انقلابی و یا اعتراضات توده‌ای که جمهوری اسلامی همواره از آن نگران است، نداشته باشد.

گسترش اعتیاد را در کردستان، اغلب مردم به‌ویژه با دوران استاندار قبلی کردستان یعنی محمد رضا رحیمی ربط می‌دهند که اکنون مشاور رهبری است. رحیمی صریحاً گفته بود که "من تفنگ و اسلحه را از جوانان کردستان گرفتم و بدست هریك از آنان بافور و تریاك دادم." عاملان پخش مواد مخدر بدون هیچ گونه تردیدی به باندهای اطلاعات، سپاه پاسداران و بسیج وابسته هستند. بسیاری از عاملان عمده پخش موادمخدر از کثیف ترین و شناخته‌ترین مزدوران رژیم هستند. آشکارا مواد مخدر را توزیع می‌کنند و به عناصر وابسته به خود در محلات می‌رسانند. هیچ گونه اقدامی برای مقابله با گسترش اعتیاد توسط مقامات جمهوری اسلامی در کردستان به جز وعده و وعیدهای تکراری به چشم نمی‌خورد. مضافاً این که هر گونه اقدام توده‌ای و ابتکار مردمی برای مقابله با اعتیاد در کردستان بدون شك با حساسیت و شکاکیت نیروهای رژیم و حتی مزاحمت های آنان روبرو می‌شود. و عوامل رژیم، دست اندرکاران چنین اقدامات و ابتکاراتی را زیر نظر می‌گیرند و هم چون اقدامی علیه حاکمیت رژیم به آن می‌نگرند.

مقابله با گسترش اعتیاد در کردستان، مقابله با حاکمیت جمهوری اسلامی است

واقعیت این است که عوامل و ارگانهای رژیم اسلامی هرگونه حرکت و ابتکار توده‌ای را در کردستان به عنوان اقدام علیه خود می‌نگرد. رژیم در کردستان بعضی نهاد را به اصطلاح برای مقابله با اعتیاد دایر کرده‌است که اساساً برای ممانعت و جلوگیری کردن از ابتکارات توده‌ای ساخته شده‌اند تا اقدامی جدی در پیش گیری از گسترش اعتیاد. رژیم نه فقط روی خوشی نشان نمی‌دهد بلکه به انواع و اقسام اقدامات درپی آن خواهد بود که هیچ نهاد مردمی و مستقل از رژیم علیه گسترش اعتیاد در کردستان شکل نگیرد. اما واقعیت این است که در حال حاضر توده‌های مردم چنان از گسترش اعتیاد نگران شده‌اند و بشدت نگران سرنوشت فرزندان خود هستند که آمادگی لازم را برای پیوستن به یك حرکت عمومی و توده‌ای و سراسری در کردستان را دارند. اگرچه رژیم سعی می‌کند چنین اقداماتی را علیه خود قلمداد کند تا بلکه از پیوستن مردم به آن جلوگیری کند و یا فعالان چنین جریاناتی با احتیاط بیشتری عمل کنند. اما با برخی ابتکارات و اقدامات می‌توان این سیاست رژیم را خنثی کرد. هرچه جریان توده‌ای علیه گسترش اعتیاد رسمیت و ابعاد بزرگتری به‌خود بگیرد به همان اندازه توطئه‌ی رژیم نیز خنثی خواهد شد.

با این وجود هرگونه حرکت علیه گسترش اعتیاد در کردستان خواه نا خواه تا حدودی به معنای مقابله با رژیم و یا عوامل و مزدوران آن خواهد بود. فعالین و برپا کنندگان هر حرکت توده‌ای می‌باید این مساله‌ی مهم را درنظر گیرند که از همان روزهای اول اقدامشان به رودررویی شدید و خارج از توان خود با رژیم کشیده نشوند و مساله و کارشان را هرچه بیشتر به مساله‌ی اعتیاد مرتبط سازند و اگر پای عناصری از عاملان رژیم به میان کشیده می‌شود، به عنوان عامل پخش مواد مخدر شناسانده شده و از مقامات محلی خواسته شود که چنین عناصری را تحت تعقیب قرار دهند. بدیهی است که هرگونه حرکت سراسری با اتکا به اقدامات محلی به ویژه در محلات شهرها می‌تواند قوام گیرد.

و پخش مواد مخدر، می‌تواند با اقدامات دستجات و گروهای جوانان در شناسایی و تنبیه باندهای مواد مخدر و عناصر عمده آنان هماهنگ گردد. هسته‌های مقاومت با گسترش اعتیاد در کردستان فعالیتش اساساً مخفی است که در شناسایی عاملان گسترش اعتیاد، شناسایی عاملان پخش مواد مخدر و افشای سیاست های رژیم می‌تواند وظایف عمده‌ای به عهده بگیرند. هم اکنون برخی ابتکارات از سوی جوانان مبارز درپیش گرفته شده است که خود در شناسایی عاملان گسترش اعتیاد و یا تهدید آنان اقداماتی را پیش برده‌اند. شناسایی عاملان پخش مواد مخدر و یا ارسال گزارشات متعدد و مهم درباره‌ی مساله‌ی اعتیاد به رادیو صدای کومه‌له طی یك سال گذشته توسط چنین مبارزینی صورت گرفته‌است.

رادیو صدای کومه‌له ابزاری مهم در مقابله با گسترش اعتیاد

رادیو صدای کومه‌له می‌تواند در برانگیختن یك حرکت توده‌ای علیه پدیده‌ی اعتیاد در کردستان ابزار مهمی باشد. تجربه‌ی یك سال گذشته نشان می‌دهد که توجه هر روزه و مداوم رادیو صدای کومه‌له برضرورت مبارزه متعهدانه‌ی مردم، می‌تواند اقدامات توده‌ای و ابتکارات و خلاقیت های پراکنده را سازمان داده و به نیروی واحدی مبدل سازد.

از این پس نیز باید رادیو صدای کومه‌له را بیشتر بخدمت مبارزه‌ی همگانی مردم کردستان علیه گسترش اعتیاد بدست گرفت. شناسایی دقیق عاملان عمده، شناسایی باندهاو شبکه‌های مرتبط به اطلاعات و سپاه پاسداران، پخش گزارشات زنده و دقیق و هرروزه از رادیو صدای کومه‌له در مبارزه‌ی توده‌ای و مردمی نقش مهمی دارد. رادیو صدای کومه‌له باید کمبودها و محضورات فعالین محلی و دست اندرکاران ابتکارات توده‌ای و مستقل را جبران کند و مکمل چنین اقدامات و تلاش‌هایی در کردستان باشد.

فعالین و اعضای کومه‌له می‌توانند و باید در ایجاد حرکت توده‌ای و ابتکارات وسیع مردمی به طرز اجتناب ناپذیری نقش فعالی ایفا نمایند، هم چنین در ترغیب مبارزین به ایجاد هسته‌های مقاومت و مبارزه علیه گسترش اعتیاد، در شناسایی عاملان پخش و هم چنین تنبیه عناصری از آنان وظایفی به عهده بگیرند. دراین زمینه همکاری و اتحاد با عناصر مبارز بسیار ضروری است.

نقش و امکانات پناهندگان و مهاجرین کرد درمبارزه علیه گسترش اعتیاد در کردستان

طی بیست سال گذشته جمعیت کثیری از مبارزین، جوانان و مردم کردستان به دلایل گوناگون و اساساً بخاطر مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی و تحت تعقیب قرارگرفتن و یا بدلیل شرکت فعالانه در جنبش انقلابی کردستان، اکنون در کشورهای مختلف دوران تبعید و مهاجرت را سپری می‌کنند. این جمعیت که اساساً از عناصر روشنفکر، مبارز و متعهد تشکیل می‌شود می‌تواند در مبارزه علیه گسترش اعتیاد درکردستان نقش مستقیم و مهمی به عهده بگیرد. این جمعیت در ترغیب نمودن مردم از طریق آشنایان و دوستان و خانواده‌هایشان برای مقابله با اعتیاد و مواد مخدر به شیوه‌های گوناگون، در یاری رساندن مادی و معنوی به ابتکارات مردمی و توده‌ای در کردستان، در شناساندن جمهوری اسلامی و سیاست هایش به عنوان عامل اصلی گسترش اعتیاد به محافل بین المللی، در جلب توجه مجامع بین المللی انسان دوست و امدادگر از قبیل پزشکان بدون مرز وارگانهای دیگری که حاضرند دراین باره خدمت ارائه دهند و بالاخره به عنوان عامل کمك کننده و امید بخش و تقویت کننده‌ی مادی و معنوی مبارزات مردم در کردستان علیه گسترش اعتیاد نقش مهمی داشته باشد. به وجود آوردن تشکلهایی در حوزه‌ی زندگی و کار خود با دیگر مهاجرین و پناهندگان کرد برای سازمان دهی این مهم، وظیفه‌ی انسانی و مبارزاتی هر کسی است که کماکان به تعهدات خود پایبند است.

رضا کعبی

۹ آبان ۱۳۸۰ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۱

www.iran-archive.com

سردشت :

قتل یك زن بدست همسرش

هفته‌ی گذشته زنی به نام فرح ناز ایران نژاد بدست شوهرش به نام رئوف عیدالله از افراد وابسته به اطلاعات رژیم در شهر سردشت با اسلحه کمری به قتل رسیده است کشتن این زن ظاهرا زمانی اتفاق افتاده است که‌وی قصد رفتن به منزل خواهرش را داشته و با مخالفت شوهرش روبرو شده است.
لازم به یاد آوری است که چند سال قبل نیز یك خواهر فرح ناز بدست برادرش به قتل رسیده بود.

٦ ملیون معتاد در ایران

در سیزدهین کنگره‌ی جامعه‌ی پزشکان متخصص داخلی ایران, دکتر ایرج خسرو نیا در باره معتادان درسراسر کشور مسأله‌ی امکانات درمانی برای آنان و غیره سخن گفته است. بنا به گزارشی که روزنامه"انشعاب" چاپ تهران، درج نموده است، سالانه ٥ در صد به جمع معتادان کشور افزوده می شود در حالی که بهزیستی در سال تنها توان مداوای حدود ٢ در صد معتادان را دارد. دکتر ایرج خسرونیا دبیر جامعه‌ی پزشکان متخصص داخلی در ایران می‌گوید: حدود ٦ ملیون معتاد در کشور وجود دارد که بنا بر آمارهای رسمی اعلام شده در روزنامه‌های کثیرالانتشار حجم عظیمی از آن را سنین پائین تشکیل می‌دهد. و اگر این آمارها دقیق باشد که سالانه ٥ در صد به جمع معتادان کشور افزوده می شود و تنها ٢ در صد مداوا می شود باید گفت که سالانه چیزی در حدود ٢٠٠ هزار نفر به تعداد معتادان در ایران افزوده می شود.

اما با وجود بغرنج اعتیاد در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ گونه چشم انداز امید بخشی برای کاستن از اثرات اعتیاد و جلوگیری از گسترش دامنه و ابعاد آن به چشم نمی خورد. این که عوامل جمهوری اسلامی خود عاملان عمده خرید و فروش و نقل و انتقال مواد مخدر و عاملان به اعتیاد کشاندن جوانان و مردم هستند دیگر بر کسی پوشیده نیست. اما آنجا که به مساله بهزیستی و ترك اعتیاد نیز پرداخته می شود به نظر نمی‌رسد که امکانات و روش های جاری بتواند با مسأله‌ی اعتیاد مقابله کند. دکتر ایرج خسرونیا در این باره می‌گوید: "فوت یکی از بیماران معتاد در یکی از مطلب های درمان اعتیاد به دلیل اعمال و روش غلط ترك اعتیاد توجه بیشتر متولیان را به این موضوع میطلبد "وی هم چنین گفته است که" آگهی های کاذب ترك اعتیاد از این پس با تصمیم وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی وهم چنین سازمان نظام پزشکی پیگرد قانونی خواهد داشت وپس از احراز تخلف ,مجازات های سنگین برای آن در نظر گرفته شده است .
دبیر جامعه‌ی پزشکان متخصص داخلی ایران درباره عدم اختصاص دادن امکانات بیشتر در راه مبارزه با اعتیاد می‌گوید:
"صدا و سیما با بودجه‌های ده‌ها میلیاردی توفیقی در گرایش جوانان به سوی ورزش ایجاد نکرده و یا لااقل از محصولات هنری ارزنده سایر کشورها برای این مهم بهره نگرفته است."

قیمت آب افزایش یافت

بنا به مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی، نرخ آب برای مصارف از الگوی مصرف و صرف در آمد در بازسازی شبکه‌های فرسوده را تصویب کرد. این خبر که در روزنامه حیات به تاریخ دوشنبه هفتم آبانماه به چاپ رسیده است در ادامه‌ی آن آمده است که مجلس به شرکت های آب و فاضلاب اجازه داد تا در ازای مصارف مازاد برالگوی مصرف مشترکین از شبکه‌های آب شهری حد اکثر تا دو معادل برابر قیمت های مصرف و به ترتیبی که هیأت وزیران تعین کند، جریمه وصول نمایند. کاهش مصرف آب، جلو گیری از بحران های آتی و اجتناب از قطع آب‌مشترکین دارای مصرف منطبق بر الگوی مصرف و مصارف مازاد بر آن براساس عواملی مانند تعدا د افراد خانواده, مناطق جغرافیایی، شرایط اقلیمی و محیط های شهری توسط دولت تعین خواهد شد.
بر اساس تبصره‌ی ٢ همین طرح، درآمد حاصل از در یافت جریمه های موضوع این قانون، با نظارت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صرف بازسازی شبکه های فرسوده و حمایت از مصرف کنندگان زیر الگوی مصرف می گردد.

گزارشی از پناهجویان در شهر وان ترکیه

بنا به گزارشی که رفیق هژیر نینا برای رادیو صدای کومه‌له ارسال کرده است، وضعیت پناهجویان هر روز سخت تر می‌گردد. رفیق هژیر نینا در گزارش خود می‌نویسد:
"اگر پناهجوئی خود را به سازمان ملل می‌رساند مطمئناً از ترس و ناامنی رژیم گندیده و اسلامی است که افیون توده‌های مردم به تنگ آمده است تا بلکه به یك زندگی انسانی که دور از بی‌حرمتی باشد به آن دست یابند، اما برعکس امروز دفتر این سازمان در ترکیه جز بی‌حرمتی و شخصیت شکنی پناهجویان هیچ گونه دست آورد مثبتی در انجام کارهای روزمره‌ی خود به اثبات نمی‌رساند. پناهجویان نه تنها جوابگوی خواسته‌های بر حق خود نیستند بلکه به گونه‌های مختلفی توسط این سازمان مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند.

این سازمان با سرنوشت و زندگی پناهجویان بازی می‌کند، پناهجویانی که خود را به دفتر این سازمان معرفی می‌کنند یا سیاسی هستند و یا در آن جامعه‌ی پوسیده‌ی اسلامی به شیوه‌های مختلفی مورد اهانت و بی‌حرمتی قرار گرفته‌اند که در میان آنان زنان بیشتر به چشم می‌خورند. این سازمان که خود را بشر دوست و مدافع انسان های ستم دیده می‌داند از تمام قوانین خود سرپیچی کرده و جوابگوی خواسته‌های واقعی این پناهجویان نیست، متأسفانه امروز زیادند از آن پناهجویانی که بعد از مدت ها انتظار برای رسیدن به یك کشور امن از طرف این سازمان پرونده‌شان بسته شده و ناچاراً یا باید راه قاچاق انتخاب کنند و یا مجبور می‌شوند به ایران بازگردند و به زندگی نا امن و پر از درد ادامه دهند.

چند روز قبل در UN آنکارا و UN وان عکس دو پناهجو که یك زن و یك مرد می‌باشند را به تابلو زده‌اند و آنها را جانی و آدم های خطرناك قلمداد کرده‌اند که ما از ذکر نام آنان خودداری می‌کنیم. یکی از این پناهجویان که جوانی ٣١ ساله می‌باشد به مدت ٣ سال است که در ترکیه بسر می‌برد و اخیراً پرونده‌اش بسته می‌شود و در واقع هیچ گونه امید و آرزویی نداشته و برای اعتراض، به UN آنکارا می‌رود و از حق خود دفاع می‌کند. این سازمان نه تنها جواب این جوان را نمی‌دهد بلکه او را جانی و خطرناك به پناهجویان اعلام کرده است.

در واقع این دو نفر نه تنها جانی نیستند بلکه به خاطر حق خود اعتراض کرده‌اند و این جنگ روانی را خود این سازمان برای پناهجویان به وجود می‌آورد. فشار روحی و روانی روز به روز بر پناهجویان سخت تر می‌شود. لازم به توضیح است که این دو نفر که ما از یکی از آنان که جوانی ٣١ ساله می‌باشد شناخت داریم. نامبرده از راه ناچاری و برای تقاضای رسیدگی به پرونده‌اش به آنکارا می‌رود اما خبر رسید که عکس وی را به همراه یك زن و به عنوان دو نفر جانی به درب UN آویخته‌اند.

صدای کومه‌له _ ده‌نگی کومه‌له
بر روی شبکه‌ی انترنت
روزهای شنبه، یکشنبه، سه‌شنبه، پنج شنبه و جمعه برنامه‌های پخش شده‌ی رادیو کومه‌له را از طریق انترنت با مراجعه به آدرس
www.komala.org
دریافت دارید

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
wednesday
31 / 10 / 2001
No: 36

اطلاعیه‌ی خبری (۲)

ابزارهای پوسیده‌ی سرکوب در مقابله با جنبش نیرومند

اخبار رسیده از ایران حاکی از آن است که دستگیری‌های وسیع هم چنان ادامه دارد. نیروهای انتظامی عملیات گسترده‌ای را برای جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای آغاز کرده‌اند، خانه به خانه به تفتیش می‌پردازند و به این بهانه نیز به شناسایی مردم و مبارزین می‌پردازند. صدها تن از بازداشت شدگان به دادگاه‌های انقلاب ویژه‌ی اطفال سپرده شده‌اند تا جمهوری اسلامی عده‌ای نوجوان را که در راهروهای دادگاه دچار اضطراب و نگرانی و گریه شده‌اند را به عنوان عاملان اصلی شورش‌های اخیر معرفی کند.

– مقامات انتظامی رژیم، مطبوعات وابسته به هارترین و فاشیست ترین جناح های رژیم و رئیس جمهور مدافع "مردم سالاری" با "اوباش" و "اخلالگر و آشوبگر" نامیدن مردم و جوانانی که چندین بار تظاهرات های نیرومندی را طی هفته‌ی گذشته برپا کردند، نشان دادند که پوسیده‌ترین و شناخته‌شده‌ترین ابزار و شیوه‌های سرکوب را در مقابله با جنبشی نیرومند عاجزانه به کار گرفته‌اند. علی شمعخانی وزیر دفاع رژیم در نشست مدیران ارشد وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دست به تهدید می‌زند و وجود ناآرامی‌ها و اعتراضات را همانند همیشه به توطئه‌های "برون مرزی" ربط می‌دهد تا بار دیگر مشروعیت سرکوب مردم و جنبش آنان را کسب کند. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی در سرمقاله‌ی روز شنبه ٥ آبان ماه می‌نویسد: "باید با "اخلالگران اوباش" که امنیت جامعه را خدشه‌دار کرده‌اند بشدت برخورد کرد و آن‌ها را شدیداً مجازات نمود." روزنامه‌ی کیهان که تظاهرات کنندگان را "اوباشگران" می‌نامد، می‌نویسد:"عبارت اوباش را از حجت الاسلام خاتمی وام گرفته‌ایم" روزنامه‌ی رسالت نوشت:"اوباش حتی به برخی مقدسات هم توهین کرده‌اند و برای چندمین بار ثابت شده که رفتارهای وحشیانه‌ی آنان با هدایت و تحریک دشمنان انقلاب در آن سوی مرزها صورت می‌گیرد."

دستگیری‌های گسترده در شهرهای مختلف هم چنان ادامه دارد. در اصفهان پس از دیدار تیم فوتبال ایران و امارات متحده‌ی عربی ۱۹۰ نفر و در تبریز ۱۲۸ نفر و در شهر مرودشت در استان فارس ۲۵ نفر و در شهر تهران صدها نفر بازداشت شده‌اند.

تهدیدات پی در پی مقامات رژیم نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی طرح یك ضدحمله و یك سرکوب گسترده را در دستور خود قرار داده است. این اقدامات و این طرح‌ها به خاطر هراسی است که جمهوری اسلامی از گسترش این اعتراضات و ادامه‌ی آن دارد. مقامات رژیم به خوبی دریافته‌اند که با جنبشی نیرومند و متحدانه از سوی مردم روبرو هستند.

دستگیر شدگان هفته‌های اخیر باید فوری و بلادرنگ از زندان آزاد شوند، نباید به رژیم اجازه داد که با نمایشات و سناریوهای ساختگی در رسانه‌های خبری جنبش نوین و نیرومندی که بنیادهای جمهوری اسلامی را مورد تعرض قرار داده است، پرده‌پوشی نماید. باید به تفتیش خانه‌ها و طرح جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای بلافاصله خاتمه داده شود. تلاش برای بی‌خبر نگه‌داشتن جامعه از واقعیات و تلاش برای قطع ارتباط ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از تحولات جهانی، کاری است ارتجاعی و در عین حال عبث و بی‌هوده.

بازداشت شدگان وقایع اخیر باید آزاد گردند.

پرتوان باد جنبش انقلابی و اعتراضی توده‌های مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

یکشنبه ٦ / آبان ماه / ۱۳۸۰ ۲۸ / اکتبر / ۲۰۰۱

خبرنامه‌ی کومه‌له

با ارسال آدرس الکترونیکی خود خبرنامه را شامگاه شنبه‌ها و چهارشنبه‌های هر هفته به وقت اروپا، روی کامپیوتر خود داشته باشید.

آدرس خبرنامه: khabarnameh_komala@hotmail.com

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۷

شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۸۰

www.komala.org

مقابله با خودسوزی زنان در کردستان موانع و امکانات

"ما پدر نداریم، برادر بزرگترم می‌خواست به زور مرا به پسر عمه‌ی ناتنی‌ام که عقب مانده‌ی ذهنی است شوهر دهد. من زیر بار نرفتم اما فامیلهای پسر گفتند اگر جواب رد بدهم مرا می‌دزدند. شما بهتر می‌دانید. اگر کسی دختری را تهدید کند او تمام می‌شود. مهین می‌گوید:"هیچ چاره‌ای نداشتم. باید خود را می‌سوزاندم" و چند روز بعد دست سرد بی‌عدالتی‌ها شعله‌های هستی او را خاموش کرد. (۱)

"چند روز پیش دختری را با ٦٧ درصد سوختگی به این بخش آوردند. چهره او برای پرسنل بیمارستان آشنا بود. پس از تحقیقات متوجه شدیم خواهر او نیز سال گذشته با ۹۰ در صد سوختگی فوت کرده است. علت را جویا شدیم. معلوم شد خواهر او سال گذشته به اجبار با فردی معتاد ازدواج کرده و دست به خودسوزی زده است. پس از مرگ خواهر بزرگتر، خانواده، دختر دیگر خود را نیز به اجبار به همان مردی می‌دهند و او نیز دست به خودسوزی می‌زند."(۲)

"برروی تخت های بیمارستان امام خمینی کرمانشاه دخترانی آرمیده‌اند که با چهره و بدنی سوخته، مچاله شده و غیر قابل تشخیص مرگ را لحظه شماری می‌کنند. در بیمارستان مصطفی خمینی ایلام نیز دختر دیگری به نام "پریناز ملکی "به وسیله نفت اقدام به خود سوزی کرده و اکنون با ٤٧ در صد سوختگی عمیق، در آستانه به پایان رساندن عمر ۲۱ساله خود است. در کنار بستر او مادرش پیرزنی است که ردپای فقر عظیم ... بقیه در ص ۲

دو گزارش از شهرهای سنندج و کرمانشاه

چهارشنبه شب گذشته پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال تیم‌های ملی ایران و امارات، تهران و بسیاری دیگری از شهرهای ایران همانند هفته‌های گذشته شاهد شادی‌ها و تظاهرات های گسترده‌ی مردم بود. در این جا دو گزارش از تظاهرات های شهرهای سنندج و کرمانشاه را ملاحظه خواهید کرد که توسط رفقای کومه‌له در این شهر برای رادیو صدای کومه‌له ارسال شده است:

سنندج:

بنا به خبری که از شهر سنندج به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، چهارشنبه شب گذشته پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال تیم های ایران و امارات، جوانان و مردم شهر سنندج به خیابان ها سرازیر شدند و به شادی و شعار دادن علیه رژیم پرداختند. این در حالی بود که نیروهای رژیم از غروب روز چهارشنبه به حالت آماده‌باش کامل درآمده بودند. هم چنین ده‌ها اتوبوس از نیروهای یگان ویژه مجهز به باتوم و گازاشك آور و ماسك و کلاه مخصوص در اماکن عمومی حضور داشتند. نیروهای سپاه، بسیج، لباس شخصی‌ها و نیروهای اطلاعات و همه‌ی ارگان های امنیتی و نظامی رژیم که مستقیماً از سوی فرماندهایشان در خیابان فرماندهی می‌شدند، دوش به دوش نیروهای انتظامی در خیابان ها و کوچه‌ها به حالت آماده باش قرار داشتند.

با وجود آمادگی نیروهای گسترده‌ی رژیم، جوانان، مردم مبارز و آزادی‌خواه سنندج به بهانه‌ی پیروزی تیم ایران بر امارات تظاهرات هایی را سازمان دادند. تظاهرات ابتدا از خیابان ششم بهمن سابق آغاز شد و سپس میدان اقبال و خیابان فردوسی و میدان مرکزی شهر سنندج و خیابان های اطراف را دربر گرفت. جمعیت تظاهر کننده با هورا کشیدن و نواختن شیپور، نیروهای سرکوبگر رژیم را به تنگ آورده بودند. نیروهای انتظامی در میدان مرکزی شهر، به مردم یورش برده و شماری از جوانان را دستگیر و راهی زندان کردند و در ساعت هشت و نیم شب در اطراف دادگاه انقلاب سابق که اکنون اداره‌ی زندان هاست، شکنجه‌گران اداره‌ی اطلاعات تعدادی دیگر از مردم را دستگیر و به محل نامعلومی انتقال دادند. تظاهرات های مردم و جوانان شهر سنندج تا دیری از شب هم چنان ادامه داشت.

کرمانشاه:

بنا به گزارشی که از شهر کرمانشاه به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال تیم های ایران و امارات متحده‌ی عربی در روز چهارشنبه‌ی گذشته، در شهر کرمانشاه نیز جوانان به خیابان ها ریختند و به خوشحالی پرداختند. تجمع و شادی جوانان به اعتراض و تظاهرات علیه رژیم تبدیل شد و در خیابان های شهرك کارمندان شیشه های بانك های صادرات, مسکن و ملت شکسته شد و نیرو های انتظامی به جوانان حمله ورشدند و چند تن را نیز بازداشت کردند. بانك های صادرات، مسکن، کارگران، ملی و کشاورزی کارمندان خود را وادار کرده بودند که تا ساعت ۱۱ شب که بازی تمام می‌شود, مواظب خود باشند. نیرو های بسیج و پلیس در طول شب با قرار دادن پست بازرسی در شهرك های مسکن، کارمندان فرهنگیان فاز ۲، تعاون و معلم هر جمع بیش از ۳ نفر را پراکنده می نمودند.

قربانیان اعتیاد و مواد مخدر

در میان درختان کاج واقع در طاق بستان یك نفر به نام عزیز فرامرزی که معتاد بود به دلیل تزریق مواد مخدر جانش را از دست داده است.

در چشمانش به خوبی نمایان است. او مادری با ۹ فرزند، نماینده خانواده‌ای است ۱۰ نفره که در حومه ایلام زندگی می‌کنند. و به علت ناتوانی مالی، کمیته‌ی امداد مبلغی در حدود ٦ تا ۷ هزار تومان ماهیانه به آنان کمك می‌کند و این خانواده با همین مبلغ اندك شب و روز را به سر می آورند." (۳)

مسؤل بخش سوختگی بیمارستان مصطفی خمینی ایلام می‌گوید: ماهانه به طور متوسط۱۰ مورد خودکشی داریم که ٦ یا ۷ مورد آن دختراني هستند که اقدام به خود سوزی کرده‌اند." (٤)

پدیده خودسوزی زنان متأسفانه ابعاد هولناك به خود گرفته است. اگر حتی به آمارهای رسمی نیز اکتفا کنیم ابعاد خود سوزی زنان، جامعه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن نیمی از ساکنانش بدلیل به عدالتی‌ها، تحقیرها و سرکوب ها و قوانین رایج، مرگ را ترجیح می دهند و شماری از آنان دلخراش ترین شیوه را برای پایان دادن به آن چه که معمولاً زندگی‌اش می‌نامیم، برگزیده‌اند. آمارها خود سخن می‌گویند:

در سال ۷٦ در استان ایلام از مجموع ۳٤۱ خودکشی، ٦۳ درصد مربوط به زنان بوده که تنها ۲۲/۳ درصد به مرگ منجر شده و ۷۷/۷ درصد ناموفق بوده است.

در سال ۷۷ از مجموع ۳٤٤ مورد خودکشی, ٦٤/٥ در صد متعلق به زنان بوده که ۲٤/۲ در صد منجر به فوت شده و ۷٥/۸ درصد ناموفق بوده است. آمار سال ۱۳۷۸ نیز نشان می‌دهد از مجموع ۲۷۱مورد خودکشی، ٦۱/۲ درصد مربوط به زنان بوده که ۳۷/۷ درصد به مرگ انجامیده و ۷۲/۳ درصد ناموفق بوده‌اند. هم چنین درسال ۷۹ از ۳٤۸ مورد خودکشی، ٦٥ درصد آن را زنان انجام داده‌اند. آمار استان کرمانشاه نیز درخور تأمل است. در سال هفتاد و شش ٦۲/٦ درصد درسال هفتاد و هفت ٦۳/٥ درصد و درسال هفتاد و هشت ٦٥/۱ درصد خودکشی های استان مربوط به زنان بوده است. گروه سنی ۱۹-۱۰ و ۲۹-۲۰ ساله به ترتیب بیشترین فراوانی خودکشی را به خود اختصاص داده‌اند. قابل توجه آن است که در سالهای ۷٦ ، ۷۷ و ۷۸ به ترتیب ٦۷/۷ درصد, ٥۷/۲ درصد و ٥۳/۸ درصد زنانی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، متأهل بوده‌اند.(٥)

این آمارها اگر چه گویاست و اگر چه اذهان را متوجه واقعیاتی خواهد ساخت اما هنوز ابعاد واقعی پدیده‌ی خودسوزی را نشان نمی‌دهند. هستند زنان و دختران جوانی که در کنج منازلشان و در سکوت و پس از تحمل یك زندگی پر از درد و رنج خود را به شعله‌های آتش می‌سپارند و به جز معدود کسانی، دیگران حتی مطلع نمی‌شوند.

این آمارها از سوی دیگر فقط به ایلام و کرمانشاه و آن هم دو بیمارستانی مربوط است که تعدادی از زنان را پس از اقدام به خودسوزی به آن جاها برده‌اند. در دیگر مناطق کردستان، پدیده‌ی خودسوزی زنان و دختران جوان هراز چند گاهی پرده از روی جامعه‌ای برمی‌دارد که هنوز ستم بر زنان و بی‌عدالتی و خشونت و پرخاشگری نسبت به آنان عمیقاً به حیات خود ادامه می‌دهند. فقر شدید، تداوم حاکمیت ارتجاع و عقب ماندگی، تداوم حیات سنتهای قرون گذشته، مردسالاری، مذهب و بالاخره تداوم حاکمیت جمهوری اسلامی از علل واقعی تداوم ستم بر زنان و تحمیل سخت ترین شرایط بر آنان از جمله خودسوزی آنان است. در بسیاری از موارد ازدواج های ناخواسته، فشار سنت های ارتجاعی بر خانواده و بر اذهان والدین، دختران جوان را به قربان گاه می‌فرستد که نهایتاً جز مرگ سرنوشتی ندارد.

تلاش و مبارزه برای کاستن و قطع خودسوزی زنان

هم اکنون در جامعه‌ی کردستان و به ویژه در میان روشنفکران، فعالین سیاسی چپ و زنان و آزادی‌خواه و بسیاری از والدینی که فرزندانشان قربانی شده‌اند، تمایلاتی جدی برای در پیش گرفتن یك حرکت جمعی علیه پدیده‌ی خودسوزی زنان گسترش یافته و حتی اقدامات ابتدایی و اولیه برای یك مقابله‌ی توده‌ای و عمومی با این پدیده‌ی بغرنج آغاز شده است.

خودسوزی و خودکشی‌های زنان و هم چنین تداوم سنت های ارتجاعی که سال هاست با اتکا به حاکمیت جمهوری اسلامی به حیات خود ادامه می‌دهند، تنها تصویر موجود از شرایط زنان کردستان نیست. در سراسر کردستان زنانی که توانسته‌اند در عرصه‌های مختلف اجتماع، رده‌ها بالای تحصیلی، هنر و ادبیات و سینما، شاعری و روزنامه‌نگاری حضور یابند، مداوما رو به افزایش است. به ویژه در شهرها مناسبات زن و مرد در خانواده در اجتماع درگرگونی‌هایی به خود دیده است. این شرایط خود می‌تواند زمینه‌های جدی و مهمی را برای مقابله با خودسوزی زنان و رنج و تبعیض و بی‌عدالتی‌هایی که زنان در کردستان متحمل می‌شوند، باشد. در کردستان ایران هم چنین باید اشاره کرد که طی بیست سال گذشته حضور برجسته‌ی صدها زن چپ و انقلابی در مبارزات توده‌ای، در اشکال مسلحانه، در سخنرانی‌ها و متینگ ها، در گشت های سیاسی_نظامی پیشمرگان کومه‌له و در انتشارات و رادیوها و غیره جامعه‌ی کردستان را بیش از پیش نسبت به حضور زنان و نسبت به اهمیت مشارکت زنان و هم چنین گسست از سنت‌های عقب مانده و زن ستیز یاری رسانده است.

بر این زمینه‌ی مساعد است که می‌توان علیه پدیده‌ی خودسوزی زنان حرکت و جنبش مؤثری را سازمان داد. در کردستان حتی تاسیس تشکل هایی در یاری رساندن به زنانی که دچار مشکلات می‌شوند بی‌زمینه نیست. بسیاری از زنانی که اکنون اقدام به خودسوزی می‌کنند هیچ گونه پشت و پناهی برای خود تصور نمی‌کنند. از فشار محیط و اتهامات خرد کننده در هراسند. اگر روزنه‌ای بیابند، اگر جمعی را سراغ داشته باشند که بتوانند به آن ها مراجعه کنند، بدون شك در کاستن از این پدیده مخرب مؤثر خواهد بود.

در کردستان به ویژه طی بیست سال گذشته بر اثر فعالیت کومه‌له و تاثیرات مستقیم تبلیغات رادیو کومه‌له و پیشمرگان و مروجین و فعالین کومه‌له، مسأله‌ی زنان، برابری طلبی آنان و مبارزه برای رفع ستم و بی‌حقوقی از زنان می‌توان گفت که گام های جدی به جلو نهاده شده است و این خود زمینه‌ی بسیار مناسبی است که می‌تواند نقطه اتکای هر حرکت توده‌ای برای زدودن رنج ها و بی‌عدالتی‌ها بر زنان باشد.

رادیو صدای کومه‌له، در این باره نیز تبلیغات هماهنگ و مداومی دارد و در پی آن بوده است که بتواند به عنوان یك ابزار تبلیغی و روشنگر هم چون دستگاه تبلیغاتی مدافعان برابری زن و مرد و مبارزان راه رهایی زنان در کردستان عمل کند. اکنون نیز این رادیو می‌تواند در رابطه با خودسوزی و خودکشی زنان، دلایل آن، پخش گزارشات و شرح زندگانی زنانی که به این سرنوشت متوسل می‌شوند و بهره‌گیری از تجارب مختلف، کارزار تبلیغاتی مداوم و منظمی را پیش ببرد و به این موضوع با حساسیت بیشتری عمل کند. ارسال اخبار و گزارشات و مقالات و گفتارهایی در این رابطه می‌تواندرادیو صدای کومه‌له را پیش ببرد و این کارزار تبلیغاتی را یاری رساند.

(۱) تا (٥) برگرفته شده از روزنامه‌ی همشهری یکشنبه ۸ مهر ماه ۱۳۸۰

رضا کعبی

سایت کومه‌له
بر روی شبکه‌ی انترنت:
www.komala.org

شماره تلفن نمایندگی کومه‌له در شهر سلیمانیه، کردستان عراق
۲۱۲٤۷۱۱

شماره‌ی فکس نمایندگی کومه‌له در خارج از کشور:
۰۰٤٦۲۲٤۱۳۹۲۳
آدرس پست الکترونیکی (ای‌میل) کمیته مرکزی کومه‌له:
Komala1348@hotmail.com

اخباری از کرمانشاه

خودکشی و خودسوزی زنان

"مژگان شریفی" متاهل و صاحب یك دختر بود. در روز ۲۳ مهرماه گذشته شب هنگام شوهرش به منزل برمی‌گردد و مطابق معمول خود به فوش دادن وکتك کاری مژگان اقدام می‌کند. او نیز ناچاراً به منزل پدری پناه می‌برد، اما در آنجا نیز با کتك کاری و عصبانیت روبرو می‌شود و اجباراً به منزل برمی‌گردد و بالاخره در ساعت ۱۲ شب در حمام بر روی خود نفت می‌ریزد و اقدام به خودکشی می‌کند.

***

روز ۲۵ مهرماه گذشته دختر ۲۳ ساله‌ای به نام "آرزو یاری" که پدر و مادرش را از دست داده و در منزل برادرش زندگی می‌کند بر اثر فشارهایی که بر وی وارد می‌شود تصمیم به خودسوزی می‌گیرد و نهایتاً شب هنگام تمام پتو و فرش و وسایلی را که از پدرش به ارث برده بود با خود جمع می‌کند، بر روی خود و سایل نفت می‌ریزد و خودسوزی می‌کند.

کیهان شهر:

روز ششم آبان ماه جاری در شهرك کیهان شهر- کرمانشاه دختر ۱۶ ساله‌ای به نام "فریبا مرادی" با خوردن ۱۰۰ عدد قرص خواب آور به زندگی خود خاتمه می‌دهد. دلیل این خودکشی این گونه به رادیو کومه‌له رسیده است که پدر فریبا می‌خواست دخترش را به زور شوهر بدهد، اما دختر که به این ازدواج راضی نبود و هیچ روزنه‌ی امیدبخشی را نیز برای خود نمی‌دید، با خوردن قرص به زندگی خود خاتمه داد.

خریدوفروش مواد مخدر در زندان دیزل‌آباد

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، خریدوفروش مواد مخدر در زندان دیزل آباد وسیعاً رواج پیدا کرده است. مواد مخدر از طرق گوناگون به داخل زندان برده می‌شود و توسط افراد و کسانی که با نیروهای رژیم رابطه دارند، خریدوفروش می‌شود.

سنگسار دونفر درمازندران

بعدازظهر روز شنبه ۵ آبان ماه ۱۳۸۰ دوتن به نام های خانم قائمه عظیمی ۲۳ ساله و آقای ابوالحسن ناظری ۳۵ ساله در شهر گلوگاه مازندران از توابع بهشهردر محل کمربندی شرقی سنگسار شدند. رژیم از ترس واکنش مردم و برای اجرای عمل سنگسار تعداد بسیاری از عوامل خود را از شهرهای دیگر به گلوگاه آورده‌بود.

قائمه عظیمی به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج تا گلو و ابوالحسن ناظری به جرم قتل عمد تا کمر در خاك گذاشته شدند و سپس مغزشان توسط عوامل رژیم با پرتاب سنگ متلاشی شد.

برگرفته شده از" اعلامیه‌ی حزب سبزهای ایران "

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه‌ی پشم بافی کشمیر کرمانشاه

کارگران کارخانه‌ی پشم بافی کشمیر کرمانشاه در اعتراض به تأخیر پرداخت حقوق خود در استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. خبرنگار "ایسنا" از قول کارگران معترض گزارش می‌دهد که این کارگران برای امرارمعاش خود، وسایل خانگی خود را می‌فروشند. یکی از نمایندگان کارگران معترض در این تجمع گفته‌است که, این کارخانه ٤ سال است که دچار مشکل بوده و تاکنون برای حل این مشکلات تعهد داده وحتی وام هایی حدود یك میلیارد تومان دریافت کرده‌است.

این نماینده‌ی کارگران می‌افزاید که از ابتدای سال ۸۰ تاکنون کارخانه‌ی کشمیر بدون مجوز قانونی تعطیل شده است. تاکنون نیز حدود ۸۰نفر از کاگران این کارخانه اجباراً بازنشسته شده‌اند.

شیراز:

فرمانده‌ی نیروهای انتظامی استان فارس اعلام کرد که در جریان تظاهرات و ناآرامی‌های چهارشنبه‌شب ٦٠ نفر در خیابان های شهر شیراز دستگیر شده‌اند. بنا به اظهارات حسین ذوالفقاری ۲۳ دستگاه موتور سکلیت و ۹ دستگاه خودرو توقیف شده‌اند. پس از پایان مسابقه‌ی فوتبال هزاران نفر در شیراز به خیابان ها آمده‌اند.

درگذشت کاك مجید خانی

از یاران دیرین کومه‌له و مهمان‌دار همیشطی پیشمرگان کومه‌له

بنا به خبری که از روستای "تازه‌آباد" از توابع "قال قالی" در منطقه سارال دیواندره به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، ماه گذشته یار دیرین کومه‌له و مهمان دار همیشگی پیشمرگان کومه‌له کاك مجید خانی که در میان مردم به "مجید عبدالرحمان" شناخته می‌شد، به دلیل بیماری، قلبش از تپش باز ایستاد.

کاك مجید از شمار یاران و دوستان دلسوز دیرین و باوفای کومه‌له بود که سالیان طولانی به اشکال مختلف، کومه‌له را در منطقه در انجام مبارزاتش یاری می‌رساند. منزل کاك مجید همواره منزل گاه پیشمرگان بود که در هر ساعاتی از شبانه‌روز می‌توانستند با اطمینان به وی مراجعه کنند. کاك مجید که خود چهره‌ای مورد احترام ومبارز بود، با طی سالیان گذشته با تمام وجود و امکاناتش در خدمت کومه‌له بود.

ما مرگ کاك مجید خانی را به خانواده و بستگان و به آشنایانش و به همه‌ی رفقای کومه‌له، و به ویژه در منطقه "قال قالی دیواندره" تسلیت می‌گوییم و خود را شریك غم و اندوه همه‌ی آنان می‌دانیم.

در این جا لازم است که از چهار تن قربانی جنایات جمهوری اسلامی در روستای "تازه‌آباد آصف" در سال ۱۳۵۹ که به دست نیروهای رژیم بدون هیچ گونه جرمی قتل وعام شدند، یاد کنیم.

سحرگاه یکی از روزهای پاییزی سال ۱۳۵۹ در روستای تازه‌آباد آصف شاهد یکی دیگر از جنایات وحشیانه رژیم جنایت پیشه‌ی جمهوری اسلامی بود. نیروهای رژیم به روستا هجوم برده و کورکورانه هر کسی را مورد رگبار سلاح های خود قرار می‌دادند. در این تهاجم وحشیانه چهار نفر از اهالی روستا به نام های "آسیه کرمی" که حامله بود، "فتاح مرادی" که ۷۵سال سن داشت، "توفیق مرادی" و "احمد خانی" که برادر کاك مجید خانی بود، وحشیانه تیرباران شدند. در این تهاجم وحشیانه بود که کاك مجید خانی نیز به شدت زخمی شد اما توانست از دست نیروهای رژیم بگریزد.

مردم روستای "تازه‌آباد آصف" هیچ گاه این جنایات رژیم را از یاد نبرده‌اند و همچون مردم مبارز کردستان یاد قربانیان لشکرکشی و اشغال نظامی کردستان را گرامی خواهند داشت.

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
saturday
3 / 11 / 2001
No: 37

شهر تهران
پس از مسابقه‌ی ایران و امارات

چهارشنبه شب گذشته شهر تهران بار دیگر صحنه‌ی اجتماعات هزاران نفری مردم و به ویژه جوانانی بود که همراه با ابراز شادی و خوشحالی از پیروزی تیم فوتبال ایران، صدای اعتراض و نارضایتی خود را علیه رژیم بلند کردند.

خبرگزاری دانشجویان ایران–تهران در گزاشات گوناگونی از نقاط مختلف تهران در این شب چنین گزارش می‌دهد:

"۰۰۰ تعداد زیادی از این جوانان در مناطقی هم چون میدان های ولی‌عصر، نارمک، نور، شهرک قدس، ونک، پارک ملت، کوی قصر، صادقیه، ستارخان، پیروزی..و با حضور در خیابان ها خوشحالی خود را از پیروزی تیم ملی فوتبال ابراز کردند. گزارش های رسیده هم چنین حاکی از حضور نیروهای انتظامی و امنیتی در خیابان ها و میادین شهر از ساعت ها قبل برای حفظ نظم می‌باشد.

ساعت ۲۱/۱۵ جمعیتی بیش از شش هزار نفر در میدان "هفت حوض نارمک" جمع شده بودند. گزارش های رسیده حاکی است که اکثریت این جمعیت در اطراف میدان به شکلی آرام به تماشا پرداخته بودند و حدود ۲ هزار نفر نیز به شادی‌های آرام مشغول بودند. در ان بین صدای شیپور، ترقه و شعارهای ایران ایران نیز در میان جمعیت شنیده می‌شد. گزارش های رسیده هم چنین حاکی است تعدادی در حدفاصل میدان نارمک و بزرگراه رسالت به سردادن برخی شعارهای سیاسی پرداخته‌اند.

ساعت ۲۱/٤٥ حدود پنج هزار نفر که بیشتر آنان جوانان بودند، در منطقه "کوی قصر" تجمع کرده بودند و صدای ترقه به گوش می‌رسید.

۰۰۰ حدود ٤ تا ٥هزار نفر از جوانان در فلکه‌ی اول صادقیه به جشن و شادمانی پرداختند. ابراز شادی از سوی جوانان به حدی بود که جلوی خودروها را گرفته بود و با سردادن شعار"ایران ایران" رانندگان را به شادی فرامی‌خواندند.راه‌بندان سنگینی پدیده آمده و به چند خودرو در حال عبور نیز خساراتی وارد شده است.

ساعت ۲۱/٤۰جمعیتی حدود ۲۰ الی ۳۰ نفر از سمت ضلع غربی "میدان تور" به سردادن شعارهای سیاسی پرداختند که نیروی انتظامی با مداخله‌ی خود این افراد را متفرق نمودند. پس از پیروزی تیم فوتبال جمعیتی بیش از ۱۰هزار نفر در این منطقه حضور یافته بودند.

در محله‌ی "جنت آباد تهران ساعت ۲۱/٤۰ جمعیتی در حدود چهار هزار نفر در این محل تجمع کرده و به تماشا و شادی پرداخته بودند. پس از این ساعت نیروی انتظامی اقدام به مداخله برای متفرق کردن بخشهایی از جمعیت نمود. خبرنگار این خبرگزاری که در حال مصاحبه و تهیه‌ی خبر از محل بوده با باتوم مورد ضرب و شتم واقع و مضروب شده است.

ساعت ۱۰/۱۰به دنبال شادی‌های خیابانی، تعداد قابل توجهی از جوانان، اطراف "پل ستارخان" اجتماع کرده و با شعارهای "ایران ایران" اقدام به شادی می‌کردند. ترقه‌های بزرگی از سوی افراد ناشناس به دیوارها پرتاب می‌شد. در پی انفجار این ترقه‌ها، مردم به مغازه و فروشگاه‌های اطراف این پل و برخی نیز به کوچه‌ها و خیابان های فرعی گریختند.

ساعت ۱۰/۱۰ به دنبال شادی‌های خیابانی تعداد قابل توجهی از جوانان, اطراف پل ستارخان اجتماع و با شعارهای " ایران ایران " اقدام به شادی می‌کردند. ترقه‌های بزرگی از سوی افراد ناشناس به دیوارها پرتاب می‌شد.درپی انفجار این ترقه‌ها, مردم به مغازه‌ها و فروشگاه‌های اطراف این پل و برخی نیز به کوچه‌ها و خیابان های فرعی می‌گریختند.

مشهد

خیابان های شهر مشهد پس از بازی تیم های فوتبال ایران و امارات متحده‌ی عربی تدابیر امنیتی کم نظیری حاکم بود. بنا به گزارش" ایسنا"مشهد چهارشنبه شاهد حضور گسترده‌ی نیروهای انتظامی و بسیج برای کنترل جمعییت حاضر در خیابان های این شهر بعداز پیروزی تیم فوتبال ایران بر امارات بود.در جریان جلوگیری از تجمع مردم در بسیاری از خیابان هاو معابر مشهد درگیری شد و تعدادی از جوانان دستگیر شدند. نیروهای انتظامی در برخی از مناطق مشهد از جمله خیابان سجاد برای متفرق کردن مردم از گاز اشک آور استفاده کرده‌اند.

کارگران "گسترش و توسعه‌ی صنعت آذربایجان" و عدم پرداخت دستمزدهایشان

بنا به گزارش ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، شرکت گسترش و توسعه‌ی صنعت آذربایجان، در شهر تبریز، حقوق کارگران شان را پرداخت نمی‌کند.

بنا به این گزارش، کارخانه‌ی "پشم و پتوی تبریز" و "آرد سازی تبریز" در بی‌توجهی کامل به بخشی از کارگران خود قرار دارد. "کریم صادق زاده" دبیر اجرایی خانه‌ی کارگر در رابطه با مشکلات اقتصادی گفته است که: "کارخانجات تبریز یکی پس از دیگری دچار بحران و مشکل می‌شوند و ما هر روز شاهد اخراج گروهی و دسته‌جمعی آنان، تعطیلی واحدها و عدم پرداخت حقوق و مزایای قانونی کارگران در بعضی از واحدها هستیم."

ربودن دختران و زنان در کرمان

بنا به گزارشی که روزنامه‌ی "توسعه" چاپ تهران انتشار داده است. "معاون اجتماعی نیروهای انتظامی کرمان خبر ربوده شدن تعداد انگشت شماری دختر و زن را در شهر کرمان تائید کرده است. روزنامه‌ی توسعه سپس می‌نویسد: یکی از شهروندان کرمان طی تماسی با خبرگزاری جمهوری اسلامی خواهان اعلام صحت سقم این جریانات از سوی این رسانه شد و گفت: شایعات مربوطه به ربوده شدن زنان و دختران در سطح شهر به اوج خود رسیده است و خانواده‌ها را نگران نموده است. بحث ربوده شدن دختران و زنان در حال حاضر در هر کوچه و برزن شهر کرمان مطرح می‌باشد.

صدای کومه‌له
ده‌نگی کومه‌له
بر روی انترنت
برنامه‌های رادیو صدای کومه‌له را، روزهای شنبه، یکشنبه، سه‌شنبه، پنج شنبه و جمعه را با مراجعه به آدرس اینترنتی:
www.komala.org
دریافت دارید.

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۸ چهارشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۸۰

www.komala.org

سنندج:
مراسم دولتی به تظاهراتی علیه رژیم تبدیل شد.

بنا به خبری که از شهرسنندج برای رادیو صدای کومه‌له ارسال شده، روز یکشنبه سیزدهم آبانماه نیروهای رژیم به مناسبت سیزده آبان روز دانش آموز یك راهپیمایی با شرکت شماری از دانش آموزان، پاسداران و بسیجیان به راه انداختند. این راهپیمایی که از ساعت ۱۰ صبح از میدان آزادی به طرف مسجد جامع سنندج شروع شد، از همان ابتدا به اعتراض علیه جمهوری اسلامی توسط دانش آموزان تبدیل شد و در مسیرهای راهپیمایی به شعار دادن و هورا کشیدن علیه رژیم پرداختند.

در مسیرهای خیابان فردوسی و میدان اصلی شهر مأموران و بسیجیان بر سر جوانان ریختند و آن ها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی را نیز دستگیر کردند. درگیری ماموران رژیم و جوانان پسر و دختر به خیابان های فرعی و کوچه‌ها کشیده شد. در جلو مسجد جامع هنگامی که بسیجیان و مزدوران مشغول گوش دادن به سخنرانی دولتی بودند، از سوی جوانان با آجر و سنگ مورد حمله قرار گرفتند و آن ها را ناچار به فرار کردند. در این لحظه نیروهای ضد شورش نیز وارد صحنه شدند و تعدادی را دستگیر کردند. دو نفر از دستگیر شدگان را مقابل چشم مردم تا سرحد مرگ کتك زدند و فریاد می‌زدند که ضدانقلاب ها را گرفتیم. تا این ساعت که گزارش ارسال می‌شود از تعداد دقیق دستگیرشدگان و وضعیت آن ها خبری به دست نیامده است.

سقز:
حمله به دستفروشان شهر

روز سیزدهم آبان ماه همزمان با راهپیمایی نیروهای رژیم علیه امریکا، مأموران شهرداری به دستفروشان حمله بردند و در نتیجه در گیری شدیدی میان مأموران شهر داری و دستفروشان و مردم حاضر در محل روی داد. درگیری منجر به فرار مأموران شهرداری گردید. اما بعدا با آوردن نیروهای انتظامی، مردم جمع شده در محل پراکنده شدند.

دیدار محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی و نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی

دوشنبه شب گذشته چهاردهم آبان ماه جاری، بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی گفت و گویی با مهندس بهاالدین ادب ترتیب داد در رابطه با دیدار نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی با محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران.

این دیدار چند هفته پس از استعفای جمعی نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی در اعتراض به عدم مشورت وزیر کشور با این نمایندگان در مهرماه گذشته که چند روزی رسانه‌های داخل و بعضی رسانه‌های خارجی را به خود مشغول کرد، یکی از گلایه‌ها و انتقادات این نمایندگان این بود که چند بار تقاضای دیدار با محمد خاتمی را داشته‌اند، اما هر بار به دلایلی به تعویق افتاده است.به نظر می‌رسد دیدار اخیر نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی با محمد خاتمی، فرصتی بوده باشد برای دلجویی از این نمایندگان. لازم به یادآوری است که بیانیه‌ی پایانی‌این نمایندگان در جریان استعفای خود که به نوعی پس گرفتن استعفایشان بود، این نمایندگان با حمله‌ی صریح به مردم و سوگند به مقدسات جمهوری اسلامی، به امنیت و به اقتدار رژیم خواستند موج جدیدی از انتقادات و مخالفت با سیاست های رژیم در کردستان که استعفای این نمایندگان فضای آن را ایجاد کرد، پس برانند و وفاداری خود را به رژیم مجدداً نشان دهند. دیدار محمد خاتمی با این نمایندگان از این نظر هم می‌تواند پاداشی به این نمایندگان تلقی گردد.

به هر رو، مهندس بهاالدین ادب مسائلی که در دیدار نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی با محمد خاتمی به بیان کشیده شده است را در گفت و گویی با بخش فارسی بی‌بی‌سی تشریح کرد. بر طبق این گفتگو مباحث این جلسه حول سه محور صورت گرفته است. مهندس ادب اشاره کرد که :"انتظار ما این است که بخشی از مطالبات (مطالبات مردم کردستان–خبرنامه) در کوتاه مدت پاسخ داده شود و بخشی از مشکلات در بلند مدت. توقع ما آن نیست که تمام مطالبات پاسخ داده شود. دسته‌ای از آن ها در کوتاه مدت قابل حل است و بخشی هم نیاز به زمان بیشتری دارد." مهندس ادب اشاره‌ای نکرد که چه مطالباتی کوتاه مدت و کدامیك بلند مدت هستند؟ ...

بقیه در صفحه‌ی ۲

سقز:
زخمی شدن زنی بدست پسر و برادرش

روز سه‌شنبه سوم آبانماه در تپه پشت گورستان زنی به نام حلیم, دختر عثمان از سوی پسر و برادرش با چاقو مورد حمله قرار می‌گیرد که به دلیل شدت جراحاتش به بیمارستان شهر منتقل می‌شود. از جزئیات این خبر گزارشی دریافت نشده است.

بوکان:
مرگ دو تن بر اثر تصادف ماشین

بنا به خبری که از شهر بوکان به رادیو صدای کومه‌له رسیده است بر اثر تصادف دواتومبیل بر روی جاده نقده، دو تن از اهالی شهر بوکان به نام های "محمد سه‌وزه " و "رحیم قریشی" جانشان را از دست داده‌اند.

بر اثر تصادف این دو اتومبیل یکی از آنها دچار حریق می‌شود که در نتیجه محمدسه‌وزه و رحیم قریشی طعمه‌ی حریق می‌شوند و جانشان را از دست می‌دهند. لازم به ذکر است که علی‌رغم فریادهای کمك رسانی آنان هیچ تیم امداد رسانی به محل اعزام نشدند.

ادامه‌ی دیدار محمد خاتمی، رئیس جمهوری و ...

در محور دیگری، هنگامی که مجری برنامه‌ی رادیو بی‌بی‌سی‌از ایشان می‌پرسد که: قرار است چه تغییرات مشخصی در ارتباط با تامین خواسته‌های شما در کوتاه مدت به عمل آید؟ مهندس ادب پاسخ می‌دهد که: "نگرش امنیتی به استان کردستان، مردم و مناطق کردنشین است. اولین چیزی که بهر حال قابل لمس خواهد بود تغییراتی در این نگرش باید داده بشه". منظور ایشان اما از تغییر در نگرش امنیتی چیست؟ در مقابل چنین سؤالی از سوی مجری برنامه، مهندس پاسخ می‌دهد که: سخت گیری‌های غیر ضروری، در حقیقت تبعیض هایی که هست و این تبعیض ها برای مردم آزار دهنده است. ما هیچ چیز بالاتر از قانون، بالاتر از مصوبات و قانون اساسی نمی‌خواهیم. ما اجرای اصول قانون اساسی مطابق اصل ۱۹ که همه‌ی ایرانیان با هر قومیت، با هر نژاد و هر آیین و هر تباری حقوق برابر دارند، ما این را می‌خواهیم.

محور دیگری که مهندس ادب در گفت و گو با بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی بدان اشاره کرد، مساله‌ی در نظر گرفتن یك بودجه‌ی جهشی برای استان کردستان در برنامه‌ی بودجه‌ی آتی‌بود. هنگامی که گوینده‌ی رادیو بی‌بی‌سی از آقای ادب پرسیدند که آیا رئیس جمهوری با چنین خواستی موافقت کرد؟ پاسخ می‌دهد: ما درخواست بودجه‌ی جهشی نه تنها در نامه‌ی اخیرمان و مکاتباتی که داشتیم و حتی این که دولت مستلزم باشد به این که نه تنها در استان کردستان، بلکه تمام استان های به جای مانده‌ی کشور که شاخص های توسعه‌ی آن ها زیر شاخص میانگین کشور هست، ترمیم شود در طول مدت باقی مانده‌ی برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم، اخیراً بنده طرحی را تهیه کردم تحت عنوان "الزام دولت به جبران عقب ماندگی‌های استان های غیر برخودار" و این را به صورت دو فوریتی در مجلس مطرح کردیم، با امضای ۵۱ نفر از نمایندگان محترم که دو فوریت آن چون نیاز به دوسوم آرا داشت رای نیاورد و به صورت یك فوریتی رای آورد.

آن چه که از گفت و گوی مهندس ادب با رادیو بی‌بی‌سی درباره‌ی دیدار نمایندگان استان کردستان با محمد خاتمی می‌توان استنباط کرد این است که در این دیدار طرفین مباحثی را مطرح کرده‌اند، اما رئیس جمهور ملزم به هیچ گونه تعهدی در این رابطه نشده است و در واقع این آخرین ژست و حضور این نمایندگان در رابطه با زدن سنگ دلسوزی برای مردم کردستان از زمان طرح مساله‌ی استعفایشان به سینه‌هایشان بود و تا زمان و فرصت دیگری به لاك خود خزیدند. در این دیدار از مطالبات کوتاه مدت و بلند مدت بدون هیچ گونه اشاره‌ی مشخصی- صحبت شده است و رئیس جمهوری آن را تائید کرده است. از مساله‌ی تغییر نگرش رژیم به کردستان که یك نگرش امنیتی است صحبت به عمل آمده است که با اجرای اصل ۱۹ قانون اساسی می‌تواند برآورد شود، بنابراین تعهدی داده نشده است و بالاخره درخواست بودجه‌ی جهشی با ارائه‌ی طرحی برای استان های عقب مانده از لحاظ اقتصادی به زمان دیگری موکول گردیده است.

این دیدار و مساله‌ی استعفای نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی و گفت و گوی دوشنبه شب گذشته‌ی مهندس بهاالدین ادب، بار دیگر مساله‌ی کردستان و سیاست های رژیم و مطالبات مردم را مطرح کرده است. در شماره‌های مهرماه خبرنامه در رابطه با استعفای این نمایندگان مطالبی داشتیم. در این جا به طور مختصر به چند مساله اشاره خواهیم داشت:

نگرش امنیتی رژیم به کردستان

این که جمهوری اسلامی نگرش امنیتی به کردستان دارد، شکی نیست. حاکمیت این رژیم در کردستان بدون اتکا به هزاران هزار نیروی مسلح که در سراسر کردستان گسترانیده شده‌اند، بدون وجود برقراری امنیت شدید برای ورود به مراکز حساس دولتی و اداری در کردستان، بدون تفتیش های دائمی و هر روزه در مدارس و دانشگاهها و ادارات و غیره ممکن نخواهد شد. پس از ۲۰ سال کردستان برای جمهوری اسلامی کماکان سرزمینی است بیگانه. در این سرزمین نه یك دولت متعارف بلکه یك مافیای نظامی و سیاسی و اطلاعاتی چهار چشمی تحولات و رویدادهای بزرگ و کوچك این جامعه را زیر نظر دارند. در کردستان هر رویدادی علیه رژیم است مگر این که عکس آن ثابت گردد و یا از نطفه های اولیه هر حرکتی رژیم و دستگاه‌هایش مطلع بوده باشد. مردم مخالف رژیم هستند، مگر خود به عناصری از آنان اعتماد کنند. و به ویژه پس از ۲۰ سال از تهاجم نظامی رژیم، بمباران ها، اعدام ها و قتل عام ها و استقرار هزاران پایگاه نظامی برای جمهوری اسلامی تردیدی باقی نمانده است که این مردم و این جامعه هیچ گونه تمایلی برای آشتی با این رژیم ندارند.

تغییر نگرش امنیتی رژیم به مسائل کردستان و به این جامعه، جز به معنای ریشه کن کردن حاکمیت جمهوری اسلامی درکردستان نیست. "سخت گیری‌های غیر ضروری" مورد اشاره‌ی مهندس ادب هنوز هیچ چیز مشخصی را در رابطه با عملکرد رژیم در کردستان به زبان نرانده است. این سخت گیری‌ها در سراسر ایران آسایش و امنیت را از مردم سلب کرده است.

مطالبات کوتاه مدت و بلند مدت:

جنبش انقلابی کردستان ایران اگر چه بر زمینه‌های تاریخی در کردستان ایران و برزمینه‌ی مساعدی که با انقلاب سال ۵۷ پدید آمد، توانست شکوفا گردد، اما با حمله‌ی رژیم جمهوری اسلامی در ۲۸ مرداد سال۵۸ وارد فاز جدیدی گردید. پس از انقلاب ۵۷، مردم کردستان بر زمینه‌ی شرایط مساعدی که سرنگونی رژیم شاهنشاهی پدید آورده بود و با اتکا به زمینه‌های تاریخی و مبارزات جنبش های مردمی در دهه‌های‌گذشته، امیدواری‌هایی پیدا کردند که بتوانند به دور از سرکوبگری، تهاجم نظامی و تبعیض و بی‌عدالتی بر سرنوشت خویش و اراده‌ی حاکمیت خویش تسلط یابند. حمله‌ی رژیم جمهوری اسلامی شش ماه پس از روی‌کار آمدنش، اساساً برای برهم زدن چنین امیدواری‌هایی به سرعت سازمان داده شد و جمهوری اسلامی جنگی را به مردم کردستان تحمیل کرد که اکنون بیست سال است مردم کردستان را به آن گرفتار کرده است و در اعمال وحشی‌گری‌های کم نظیر، مطالبات و خواسته‌های بسیار طبیعی و لازم مردم کردستان را لگدمال کرده است.

جنبش انقلابی خلق کرد برای پس راندن لشکرکشی رژیم ابتدا تحت عنوان "جنبش مقاومت خلق کرد" و بعداً تحت عنوان "جنبش انقلابی خلق کرد" شکل گرفت. با پشتیبانی و مشارکت فعالانه و برجسته‌ی مردم پیش برده شد و هزاران نفر در دفاع از شرایط آزاد و دمکراتیك قبل از یورش رژیم و برای به دست آوردن حق تعیین سرنوشت و اعمال حاکمیت خویش جان دادند و فداکاری کردند.

بیرون راندن لشکرکشی نظامی رژیم از کردستان مطالبه و خواست اساسی و برحق جنبش انقلابی خلق کرد است. مطالبه ای که اصرار دارد که اشغال نظامی کردستان خاتمه یابد. نیروهای رژیم به پادگان ها برگردانده شوند و حق هیچگونه مزاحمتی برای مردم نداشته باشند. در مقطع فعلی این مطالبه اساسی‌مردم کردستان است. بدون بیرون راندن قوای اشغال گر از کردستان و و بدون از بین بردن برق سرنیزه‌های رژیم صحبت از حاکمیت مردم و از حق تعیین سرنوشت و یا دخالت در حاکمیت سرزمین خود، کلام بیهوده‌ای بیش نخواهد بود.

اما تا آن جا که به قول مهندس ادب و مطالبات کوتاه مدت مربوط می‌شود، و امنیت این است که هرگونه حسن نیت رژیم احتیاجی به هیچ گونه پیچیدگی و اظهارات کج دار و مریض ندارد. در حالی که زندانیان سیاسی در سیاه‌چال های رژیم بدون هیچ گونه اتهام و جرمی به سر می‌برند، در حالی که فعالیت سیاسی در کردستان جز مرگ سرنوشتی ندارد، در حالی که احزاب سیاسی در کردستان ممنوع شده‌اند، و در حالی که مطبوعات آزاد معنا و مفهومی ندارد، در حالی که اطلاعات رژیم حاکم اصلی کردستان است و غیره و غیره، مطالبات کوتاه مدت چگونه می‌تواند تحقق یابد؟ اگر منظور مهندس ادب و دیگر نمایندگان استان کردستان، استاندار بومی، ساختن مسجد سنی‌ها در تهران، و اجازه‌ی تشکیل جمعیت کردهای مقیم مرکز و غیره است، باید گفت که سطح مبارزات توده‌ای کردستان و جنبش انقلابی خلق کرد بسیار فراتر و غنی‌تر از آن است که با چنین "دستاوردهایی" برای دوره‌ی دیگری به تعویق افتد.

بدون شك مردم کرستان از هر ذره پیشروی، از هر ذره دستاورد و از هر میزان عقب نشینی کردن رژیم استقبال خواهند کرد. اما این مبارزه‌ای است به وسعت کردستان، در سراسر کردستان و به صورت علنی و رودررو با رژیم پیش برده می‌شود

←

www.iran-archive.com

مردم کردستان هیچ گاه تحقق تمام مطالباتشان را به بیرون راندن نیروهای انتظامی گره نداده‌اند. هرگام رژیم برای استقرار در کردستان با مقاومت شدیدی روبرو شده است. و ۲۰ سال است که مبارزه‌ای هر روزه در جریان است که عمدتاً برای مختل کردن حاکمیت رژیم پیش برده می‌شود. و همین مبارزه‌ی بی‌وقفه است که جمهوری اسلامی را ناچار کرده است که ده‌ها هزارنیروی مسلحش را فعال نگه دارد.

عقب ماندگی اقتصادی کردستان و بودجه‌ی جهشی

نمایندگان استان کردستان در مجلس شورای اسلامی، از عقب ماندگی استان کردستان شکوه کرده‌اند و برای جبران آن خواستار بودجه‌ی جهشی در مدت باقی مانده برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم شده‌اند.واقعیت این است که اگر عقب ماندگی اقتصادی استان کردستان و رشد ناموزون اقتصاد ی در این منطقه در بررسی رشد و تکوین سرمایه‌داری ایران قابل توضیح است، باید گفت که در دو دهه‌ی گذشته جمهوری اسلامی از این پدیده به عنوان اقدامی برای تضعیف جنبش انقلابی کردستان بهره گرفته است. رژیم در کردستان بسیار به سختی با طرح های صنعتی، با ایجاد کارخانه‌ها و مراکز طبیعی که در کردستان ایجاد می‌گردد، موافقت کرده و محل کارخانه و احداث آن را به خارج از کردستان منتقل نموده است. چند سالی است که هیچ گونه طرح تولیدی، ایجاد کارخانه و شرکت های تولیدی و طرح‌های عمرانی در کردستان اجرا نشده است.

این سیاست، شرایط کار و زندگی کارگران و مردم زحمتکش را دشوارتر کرده است. کارگران کردستان را رهسپار کار در شرکت های دیگری در سراسر ایران کرده است. پیدایش اشتغال را در کردستان تقریباً به صفر رسانده است و هیچ گونه امکانی را برای خیل بزرگ جوانان، نوجوانانی که همواره جمعیت شان رو به ازدیاد است فراهم نکرده است.

رضا کعبی

سرنوشت آنتن های ماهواره‌ای

طی دو هفته‌ی گذشته بنا به گزارشات منتشره ده‌ها هزار بشقاب و آنتن ماهواره‌ای مصادره شده‌اند و با زور و تهدید از خانه‌ها بیرون کشیده شده‌اند. در این رابطه طی روزهای گذشته شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی فاش ساختند که مسئولین نیروهای انتظامی و ارگان های دولتی پس از مصادره‌ی این آنتن‌ها، مجدداً آنها را روانه‌ی بازار قاچاق کرده‌اند و از این راه ثروت و سرمایه‌ی فراوانی به چنگ آورده‌اند.

روزنامه‌های چاپ تهران از قول یکی از نمایندگان مجلس که نخواسته است نامش فاش شود، نوشته است: "شماری از نمایندگان بدنبال آن هستند تا وزیر کشور و نیروی انتظامی گزارشی از سرنوشت دیش های ماهواره‌ای توقیف شده به مجلس ارائه دهند." این نماینده گفته است: "ما شنیده‌ایم دیش های جمع آوری شده از سوی دولت، دوباره به بازار فروش راه پیدا کرده و لذا از وزیر کشور و فرماندهان نیروی انتظامی می‌خواهیم به مجلس گزارش دهند که دیش های توقیف شده به کجا تحویل داده شده و با توجه به سریال ساخت آنها، الان این دیش ها کجاست و چه سرنوشتی دارند."

طی دو هفته‌ی گذشته مأمورین نیروی انتظامی با هجوم به منازل ضمن جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای، خانواده‌ها را ناچار به پرداخت جریمه‌ی سنگین کرده‌اند. این در حالی است که معاون وزارت فرهنگ و ارشاد گفته است که: "جمع آوری ماهواره‌ها مشکلی را در کشور حل نخواهد کرد." و روزنامه‌ی آفتاب یزد از قول یکی از خوانندگان خود نوشته است: "چند روزی است اضطراب تفحص منازل افراد برای کشف تشکیلات ماهواره، بر اضطراب روزمره‌ی مردم اضافه شده است و این در حالی است که هنوز یك ماه از سخنان آقای قالی‌باف فرمانده‌ی نیروی انتظامی نمی‌گذرد، که گفته بود حریم خصوصی افراد مورد تعرض بر آن نخواهند گرفت."

هجوم به منازل برای جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای طی دو هفته‌ی گذشته وسیله‌ای است برای فعال نگه‌داشتن نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی در شرایطی است که گسترش تظاهرات و نارضایتی یك احتمال جدی است. بهانه‌ی جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای هم چنین فرصت و وسیله‌ای برای تفتیش منازل و شناسایی مردم است. طرح جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای در واقع یك حکومت نظامی غیر اعلام شده را به مردم تحمیل کرده است.

هجوم دو هفته‌ی گذشته‌ی جمهوری اسلامی به مردم برای انتقام جویی از تظاهرات ها و خیزش های اخیر سر تا پای جمهوری اسلامی را در بر گرفته است. محمد خاتمی رئیس جمهور با "اوباش" نامیدن مردم تظاهر کننده در واقع جواز سرکوب را صادر کرده است. سردار سید یحیی صفوی فرمانده‌ی کل سپاه پاسداران که در جمع پاسداران اصفهان سخن می‌گفت، ضمن تهدیدات آشکار و صریح، فرصتی یافت تا مخالفین درونی رژیم را نیز مورد حمله قرار دهد. فرمانده‌ی کل سپاه گفت: ما با خدا عهد بسته‌ایم که از ولایت فقیه دفاع کنیم و با هر کس در هر لباس و مقامی که با ولایت فقیه مخالفت و مقابله کند، مخالفت و مقابله خواهیم کرد. حکومت اسلامی منهای ولایت فقیه حکومت طاغوت است و ما روی اموال خود با هیچ کس سازش نخواهیم کرد و دیروز خط سیاسی، خط حضرت امام بود و امروز نیز خط رهبری آیت الله خامنه‌ای می‌باشد.

[illegible] ترکیه به اعتصابیون و کشتار چهار تن از آنان را محکوم می‌کنیم!

دوشنبه ۵ نوامبر ۲۰۰۱، نیروهای امنیتی و سرکوبگر رژیم فاشیست ترکیه در اولین سالگرد اعتصاب غذای زندانیان سیاسی این کشور، به محل اعتصاب غذای اعضا، خانواده‌های زندانیان سیاسی و دوستانشان که از ماه‌ها پیش، همگام با زندانیان سیاسی در اعتراض به طرح بازسازی زندان های سیاسی این کشور به اعتصاب غذا دست زده‌اند، حمله کرده و چهار تن از آنان را کشته و سه تن را نیز به شدت زخمی کردند. در جریان این حمله‌ی ددمنشانه ده‌ها تن دستگیر و یك تن نیز خود را به آتش کشید.

شایان توجه است که از یك سال پیش، صدها تن از زندانیان سیاسی ترکیه در اعتراض به طرح بازسازی زندان های این کشور که با هدف جداسازی و ایزوله کردن آنها در سلول های انفرادی به اجرا درآمده است، اقدام به اعتصاب غذا کرده‌اند. دسامبر سال گذشته، نیروهای امنیتی ترکیه برای در هم شکستن روحیه‌ی مقاومت و اعتصاب آنان، هم زمان به ۲۱ زندان ترکیه حمله کردند و ده‌ها تن از آنان را به قتل رساندند. با این وجود، اعتصاب غذای زندانیانی که از این حمله جان سالم به‌در برده بودند ادامه یافت. هم زمان با شروع اعتصاب غذا در زندان های ترکیه، خانواده‌های زندانیان سیاسی و شماری از زندانیان سیاسی سابق در حمایت از خواسته‌های زندانیان اعتصابی در چندین شهر ترکیه اعتصاب غذا کردند. تا کنون بیش از ۲۸ تن از زندانیان اعتصابی و حامیان اعتصابی آنان جان خود را از دست داده و شمار دیگری در آستانه‌ی مرگ قرار گرفته‌اند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) ضمن اعلام همبستگی مجدد با زندانیان اعتصابی، خانواده‌های آنان و اعتصابیون حامی آنان، حمله‌ی نیروهای سرکوبگر رژیم ترکیه به محل اعتصاب غذا و کشتار ٤ تن از آنان را بشدت محکوم می‌کند و خواستار محاکمه‌ی آمران و عاملان این جنایت، کشتار زندانیان سیاسی و همه‌ی آن کسانی است که با اعمال سیاست های ضد بشری خود موجب مرگ ۲۸ تن از زندانیان اعتصابی و اعتصاب کنندگان خارج زندان شده‌اند.

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)
٦ نوامبر ۲۰۰۱

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
saturday
7 / 11 / 2001
No: 38

خاتمی و "اوباش" نامیدن تظاهر کنندگان برگی در دست محافظه‌کاران

رجبعلی مزروعی نماینده‌ی اصفهان و نایب رئیس فراکسیون مشارکت در مجلس شورای اسلامی در جمع خبرنگاران پارلمانی در رابطه با دیدارهای هفته‌های گذشته، تظاهرات ها و خیزش های گسترده‌ی اعتراضی از به‌کار بردن لفظ "اوباش" توسط محمد خاتمی رئیس جمهور اسلامی انتقاد کرده است. وی می‌گوید که صدا و سیمای جمهوری اسلامی با پخش مکرر این بخش از سخنان محمد خاتمی سعی در شکستن شخصیت وی دارد. مزروعی معتقد است که اگر صدا و سیما سخنان کامل محمد خاتمی را پخش می‌کرد، چنین برداشتی صورت نمی‌گرفت.

اما مسأله برداشت دیگران نیست، مسأله این است که محمد خاتمی در کنار محافظه‌کاران بشدت به مردم و جوانان تظاهر کننده یورش برد. خاتمی آنان را علناً و صریحاً "ارازل و اوباش و مشتی معتاد" معرفی کرد و چهره‌ای شاخص محافظه‌کاران نیز در یورش به مردم تظاهر کننده هم چون گذشته هیچ کوتاهی نکرد.

خاتمی با "اوباش" نامیدن مردم و جوانان تظاهر کننده در واقع کینه و نفرت خود را از جنبش اعتراضی و عادلانه‌ی مردم برملا می‌کند. برای مردمی که بیش از بیست سال است تحت حاکمیت یکی از هارترین رژیم های معاصر قرار دارند، یورش خاتمی بر دشمنی و خصومت علیه آنان چندان اضافه نخواهد کرد اما شناخت شان از کسانی که ریاکارانه دم از "مردم سالاری" و "دمکراسی" و غیره می‌زنند عمیق تر و بیشتر خواهد شد.

محمد خاتمی که با رسالت نجات جمهوری اسلامی از بحران و تنگناهای شدید، بسر کار آمده است، خیزش های اجتماعی مردم، آرزوها و برنامه‌هایش را برهم زد و به همین دلیل است که در ابراز دشمنی و عداوت با آنان تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

اما "اوباش" نامیدن تظاهر کنندگان از سوی خاتمی به برگی در دست محافظه‌کاران تبدیل شده است. رجبعلی مزروعی نایب رئیس فراکسیون مشارکت می‌گوید که صدا و سیمای جمهوری اسلامی با پخش مکرر سخنان خاتمی سعی در خراب کردن شخصیت وی دارد. روزنامه‌ی کیهان نیز در یکی از شماره‌های اخیر همراه با "ارازل" نامیدن تظاهر کنندگان یادآور شده بود که لفظ "اوباش" را از آقای رئیس جمهور به امانت گرفته‌اند. محافظه‌کاران در این میان در پی آنند که با فرو ریختن تمام پل های پشت سر خاتمی وی را نهایتا به جبهه‌ی بحران زده و بی‌افق خود بکشانند و بلکه از این طریق موقعیت شان را در جنگ قدرت جاری در جمهوری اسلامی محکم تر سازند. محافظه‌کاران هم چنین با یادآوری و تکرار و پخش موضع خاتمی در رابطه با تظاهرات های هفته‌های اخیر برآنند که مردم نشان دهند که امیدهای آنان به خاتمی بی‌هوده بوده و از این طریق نیز هر اندازه که ممکن است یأس و ناامیدی را دامن بزنند. اما سرمایه‌گذاری محافظه‌کاران در مورد مواضع خصمانه و ضد مردمی خاتمی در رابطه با خیزش های اعتراضی اخیر، بیهوده و بی‌اثر است. واقعیت این است که چهره و موقعیت محمد خاتمی برای مردم تا حدود بسیار زیادی روشن گشته است. جنبش اعتراضی در ایران طی سالیان گذشته در پی آن بوده است که با شکاف انداختن عمیق تر میان جناح خاتمی و محافظه‌کاران موقعیت جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر تضعیف سازد. نگارنده‌ی این سطور بر این عقیده است که توهم و خوشباوری به خاتمی هیچ گاه چنان گستردگی و عمقی نداشته است که مردم را برای دوره‌ی طولانی دیگری در خود فرو برد.

در تظاهرات های اخیر، در جنبش شش روزه ۱۸ تا ۲۳ تیر ماه سال ۷۸ و در بسیاری دیگر از حرکت های اعتراضی کارگران، توده‌های مردم و غیره اثری از توهم به خاتمی وجود ندارد.

ایران اسلامی با جناحهایش، با خاتمی و جبهه‌اش، آینده‌ای ندارد. این رژیم باید برود. این نه فقط پیام خیزش های اخیر بوده، بلکه خواست واقعی توده‌های مردمی است که طی سالیان گذشته با برپایی خیزش های اجتماعی گسترده، پیام شان را فرستاده‌اند.

هوشمند

***

مسابقه‌ی تیم های فوتبال ایران و ایرلند و نگرانی و هشدار نیروهای انتظامی

روز شنبه دهم نوامبر تیم های فوتبال ایران و ایرلند در بازی‌های مقدماتی جام جهانی به دیدار هم خواهند رفت. از هم اکنون احتمالات فراوان برای بروز تظاهرات و اعتراضات و خیزش های دیگری که طی هفته‌های گذشته پس از هر مسابقه‌ی فوتبال در تهران و بسیاری دیگر از شهرهای ایران روی داد، پیش بینی می‌شود.

نیروهای انتظامی رژیم جمهوری اسلامی که طی دو هفته‌ی گذشته تحت عنوان طرح جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای، یک حکومت نظامی غیر اعلام شده‌ای را برقرار ساخته‌اند و هم چنین نیروهای انتظامی را فعال نگه داشته‌اند، خود را برای مقابله با اعتراضات و تظاهراتهای دیگری پس از پایان مسابقات روز شنبه آماده می‌کنند. سرتیپ پاسدار "امیری" جانشین فرماندهی نیروهای انتظامی در این رابطه گفته است: "به کسی اجازه‌ی سؤاستفاده و مزاحمت نخواهیم داد. فرصت طلبانی که بخواهند در پی ایجاد مزاحمت و تخریب اموال بیت المال باشند، از سوی نیروهای انتظامی پاسخ قاطع خواهند گرفت."

بنا به برخی گزارشات منتشره در تهران فعالیت هایی در رابطه با دعوت مردم به تظاهرات پس از مسابقه‌ی فوتبال در جریان است.

www.iran-archive.com

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۳۹

شنبه ۱۹ آبان ماه ۱۳۸۰

کومه‌له

www.komala.org

سردشت: منطقه‌ی آلان

روز جمعه ۱۱ی آبانماه جاری هنگامی که کاروانچیان روستای "بیتوش" در حال بازگشت بودند, توسط پاسگاه مرزی "بیتوش" دیده می‌شوند. فرمانده پاسگاه چندین سرباز را همراه یک گروهبان به طرف آنان روانه می‌کند تا به دستگیری آنان اقدام کرده وبه پاسگاه ببرند, اموالشان را مصادره کرده و اسب و قاطر آنها برای کاری خود مورد استفاده قرار دهند.

اما با مقاومت مردم روستا روبرو می‌شوند. نیروهای روانه شده توسط پاسگاه از ترس مردم شروع به تیراندازی هوایی می‌کنند و مأمورین پاسگاه سپس دو تن از کاروانچیان که برای پاسگاه ناشناس بودند, به قصد دستگیری به طرف پاسگاه می‌برند اما با مقاومت مردم روبرو می‌شوند و بالاخره مردم روستا این دو تن را از دست آنان خارج می‌کند.

روز بعد فرمانده پاسگاه, شورای روستا را خواستار شده و تهدید کرده است که باید افراد ناشناس را تحویل پاسگاه داد و به مردم هشدار می‌دهند که از تکرار چنین درگیری‌هایی دوری نماید وگرنه شورا و سپس ریش سفیدان در برابر این گونه اعمال مسئول خواهند بود.

مزاحمت های نیروهای رژیم در نوار مرزی برای مردم زحمتکش که از طریق باربری و خرید و فروش کالاها با کمترین امکانات امرار معاش می‌کند, همواره شرایط زندگی آنان را تحت فشار قرار داده است. این مزاحمتها بسیاری اوقات به مرگ کاروانچیان, دستگیری آنان و مصادری اموالشان منجر شده است.

مریوان: جمع آوری آنتن‌های ماهواره‌ای

بنابه خبری که از شهر مریوان به رادیو صدای کومه‌له رسیده است, در شهر مریوان نیز نیروهای رژیم اقدام به جمع آوری آنتن های ماهواره‌ای کرده‌اند مأموران رژیم به منازل هجوم برده و آنتن ها را مصادره و با خود می‌برند بنابه این خبر تا کنون و تا ارسال این گزارش ده‌ها آنتن ماهواره‌ای در شهر مریوان از سوی نیروهای رژیم مصادره شده‌اند.

آدرس پست الکترونیکی خبرنامه‌ی کومه‌له

اعتراض به سکوت مطبوعات ایران در رابطه با امیر حسین آریان پور

ایسنا، خبرگزاری دانشجویان متن اعتراضی یکی از اعضای ستاد یادمان امیر حسین آریان پور را انتشار داده است: در این متن آمده است:

"در پی برپایی مراسم یادمان استاد امیر حسین آریان پور و عدم پوشش خبری مطبوعاتی و رادیو تلوزیونی این مراسم، چند نکته را باید با مطبوعات و رسانه‌های داخلی در میان گذراند.

استاد آریان پور طی چند دهه تأثیر گذاری بر مراکز دانشگاهی و اجتماعی ایران و ارائه‌ی چندین کتاب مأخذ و بازنمون مباحث مختلف علمی و اجتماعی، برای اولین بار در ایران با داشتن صدها مقاله، نوشته، سخن رانی و با به‌جای گذاردن میراث ارزشمندی از کارهای دست نوشته‌ی تحقیقاتی که بالغ بر ۳۰۰ هزار می‌شود، یکی از ذخائر ارزشمند علمی، فرهنگی و اجتماعی این سرزمین می‌باشد که می‌توان او را یکی از مشاهیر فرهنگی معاصر ایران زمین نامید. آیا بی‌توجهی به اخبار و رخدادهای پیرامونی این اندیشمند فرزانه و آزادی‌خواه از سوی مطبوعات که وظیفه‌ی خطیری در فرهنگ سازی جامعه‌ی ایران دارند مهم و تعجب برانگیز نیست؟ و افسوس فراوان در پی ندارد؟ از بعضی مطبوعات و رسانه‌ها توقعی نمی‌رود، ولی چرا آن مطبوعاتی که ادعای احقاق حقوق فرهنگی مردم را دارند با این مسأله این گونه برخورد نموده‌اند؟ آیا بضاعت بینش فرهنگی این مطبوعات پس از دوم خرداد ماه هم سقفی کوتاه دارد؟ ما در حالی که نگران شمارگان کم مطبوعات و کتاب هستیم و عللش را جستجو می‌کنیم، یکی از دلائلش هم همین است. یعنی عدم توجه مطبوعات بر انسان های اصیل و فرهنگ ساز این سرزمین است.

لازم است متذکر شویم. مردم می‌دانند چگونه از بزرگان فرهنگی خود سپاسگذاری کنند. ولی این بعضی مطبوعات حاضر هستند که نمی‌دانند در این زمینه ... ص ٤

پارک ملت محلی برای مصرف مواد مخدر

پارک ملت شهر مریوان که یکی از پارک های بزرگ شهر مریوان است همواره محل گردش و استراحت مردم شهر بوده و بخصوص روزهای جمعه‌ی هر هفته شمار فراوانی از مردم بدانجا روی می‌آورند. اما متأسفانه اکنون به محلی برای مصرف مواد مخدر و تزریق تبدیل شده است. این پارک در جنب کلانتری ۱۱شهر مریوان قرار دارد و نیروهای رژیم به خوبی از تجمع معتادان و مصرف مواد مخدر مطلع هستند اما واکنشی نشان نمی‌دهند.

مریوان: در گذشت کاك تیمور ناصری

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، کاك تیمور ناصری اهل مریوان بدلیل مبتلا شدن به بیماری سرطان در گذشت. کاك تیمور و خانواده‌اش، از خانواده‌های محبوب و خوش و نام شناخته شدی مریوان هستند که تعدادی از اعضای خانواده‌ی آنان در صفوف پیشمرگان کومه‌له بوده‌اند و یا همواره یار ویاور کومه‌له و جنبش انقلابی کردستان بوده‌اند.

رادیو صدای کومه‌له مرگ و در گذشت کاك تیمور را به خانواده و آشنایان و دوستانش وهم چنین مردم شهر مریوان تسلیت می‌گوید وخود را شریك غم و اندوه آنان می‌داند.

زندگی و کار کارگران فصلی و مهاجر کرد

بخش قابل ملاحظه ای از کارگران کردستان را، کارگرانی تشکیل می‌دهند که شرایط زندگی و کارشان بسیار سخت، فقیرانه و مملو از مشکلات و کمبودهایی است که هیچ گاه از آنان دور نمی‌شود. این بخش از کارگران شاید جز محروم ترین و بی‌حقوق ترین بخش طبقه کارگر باشند که حتی قوانین کار رایج جمهوری اسلامی هم شامل حال آنان نمی‌شود. کارشان ثابت نیست. مکان معین و ثابتی ندارند. ساعت کارشان با استانداردهای حتی بسیاری از مراکز کار در ایران شباهتی ندارد. تعیین دست مزدها، بستگی به کارفرمایان و خواست و اراده‌ی آنان دارد. از بیمه‌های درمانی، از حق بازنشستگی، از مرخصی، از ایام بارداری، از حق اولاد، مسکن و تحصیل و غیره خبری نیست. نیروی کارشان با ارزان ترین قیمت خرید و فروش می‌شود. دستمزدهایی که به آنان تعلق می‌گیرد کفاف بخش ناچیزی از دستمزدهایشان است که آن هم تابع افت و خیزهای بازار تورم و گرانی است.

کارگران فصلی:

بخش بزرگی از کارگران در کردستان به کارهای فصلی، موقت و کوتاه مدت مشغول هستند. در فصل گرما به دلیل شروع کارهای ساختمانی، جاده‌سازی و تعمیرات ساختمانی و غیره کار بیشتری برای این دسته از کارگران یافت می‌شود. اما حداکثر ۸-۷ ماه برای این دسته از کارگران کار وجود دارد. آن هم در بسیاری موارد به دلیل ازدحام کارگران در میدان های کار که معمولاً در هر شهری از کردستان وجود دارد، دچار کمبود می‌شود. هستند کارگران وسیعی که صبح زود در میدان های کار برای پیدا کردن کاری منتظر می‌مانند و حوالی ظهر ناامیدانه به منزل برمی‌گردند.

بخش چشمگیری از کارگران فصلی در روستاههای کردستان ساکن هستند. فرسنگ ها از قوانین کار فاصله دارد. ساعت کار طولانی با کم ترین تغذیه و مکانی برای استراحت. این دسته از کارگران نیز فقط چند ماهی از سال به کار مشغول اند و پس از اتمام کار کشاورزی ماه‌های فصل سرد و بارندگی را به سوی شهرهای بزرگ ایران، در شرکت های ساختمانی و غیره برای یافتن کاری سرازیر می‌شوند.

زمستان ها، کارگران فصلی که راهی سفر نشده‌اند به کارهای پراکنده و گاه وبی‌گاه مشغولند. برف روبی، نگهبانی دادن از شرکت ها، فروش و حمل سوخت زمستانی، و کارهایی از این قبیل، شماری از کارگران فصلی کردستان را در فصل سرما و بارندگی به خود مشغول می‌دارد.

نام کارگران فصلی در جایی ثبت نمی‌شود. سابقه‌ی کار معنا و مفهومی ندارد. اثری از کوچکترین حقوقی نیست. به دلیل پراکندگی‌شان، به دلیل موقت بودن کارشان، به دلیل ثابت نبودن مکان زندگی‌شان، سازماندهی این کارگران و سازماندهی تشکل ها و اقدامات آنان برای بهبود وضعیت زندگی‌شان با مشکلات و موانعی روبروست که رفع و برطرف کردن آنان اساساً در گرو تغییر و تحولات جدی در مناسبات تولید و کار است.

این کارگران معمولاً در حاشیه‌ی شهرها، در مسکن هایی بسیار فقیرانه که عمدتاً کرایه‌نشین هستند و بدون کوچک ترین امکاناتی زندگی را سپری می‌کنند. وضعیت فرزندانشان چندان مساعد نیست. معمولاً نمی‌توانند ادامه‌ی تحصیل دهند. تامین هزینه‌های زندگی‌شان بسیار مشکل است و معمولاً از همان اوان کودکی به کار کشیده می‌شوند.

کارگران زن که به صورت فصلی و موقت در کردستان به کار مشغولند، کم نیستند. در کار کشاورزی کارگران زن همراه با خانه‌داری بسیار سخت تر و شاق تر می‌گردد. در شهرهای کردستان کار در منازل ثروتمندان، کار در مزارع حومه‌ی شهرها از قبیل سبزی‌کاری، باغ های میوه و غیره زنان فراوانی را به خود جلب کرده است. در چند شهر کردستان، میدان های کار مختص زنان کارگر وجود دارد که برای امرار معاش خود در تلاشند. بخشی از زنان کارگر در کردستان به کار خانگی مشغولند. نانوایی برای منازل مردم، بافتن انواع و اقسام پوشاک و بچه‌داری از جمله کارهایی است که بخشی از کارگران زن در کردستان معمولاً به صورت فصلی و موقت به آن مشغولند.

کارگران فصلی زن هم چون دیگر هم سرنوشت هایشان باید در منزل کارهای اساسی و اصلی را به عهده بگیرند. بنابراین برای آن ها روز و شب فرقی ندارد.

کارگران مهاجر

بخش عمده‌ای از کارگران کردستان هر ساله راهی کار در شهرها و بنادر و کوره‌های آجرپزی در دیگر شهرهای ایران می‌شوند. ده‌ها هزار خانواده عمدتاً از منطقه شمال کردستان ایران، راهی کوره‌های آجرپزی می‌شوند که معمولاً در آذربایجان شرقی و غربی قرار دارند. این کارگران که معمولاً خانوادگی بار سفر می‌بندند، حداقل ۷ ماه از سال را در کار در کوره‌های آجرپزی که خصلتی کنتراتی دارد با تمام توان کار می‌کنند. درباره‌ی کار و شرایط کارگران کوره‌های آجرپزی در برنامه‌های بعدی مفصل تر صحبت خواهیم کرد.

بخش دیگر از کارگران مهاجر راهی کار در بنادر، شرکت های ساختمانی، جاده‌سازی‌ها و کارخانجات می‌شوند که ماههایی از سال را در بر می‌گیرد. ان کارگران نیز به دلیل موقت بودنشان، مهاجر بودنشان و به دلیل غیر رسمی بودنشان شامل هیچ گونه حق و حقوقی نمی‌شوند. بسیارند کارگران مهاجری که در حین کار در شرکت ها و مراکز کار جانشان را از دست می‌دهند که حتی اخبار آن بسیار دیر به خانواده‌هایشان می‌رسد. مرگ چنین کارگرانی برای کارفرمایان و صاحبان کار هیچ گونه مسئولیتی ندارد. تعدادی از این کارگران همراه خانواده‌هایشان به مهاجرت می‌روند که شرایط همگی آنان بسیار سخت و به دور از هرگونه استانداردهای زندگی در شرایط کنونی است.

کارگران مهاجر کرد بخشی از کارگران مبارز و مخالف رژیم

کارگران مهاجر کرد، طی بیست سال گذشته همواره پیام آور جنبش انقلابی کردستان، افشاگر جنایات جمهوری اسلامی در کردستان، تلاش گران نشر حقایق در کردستان و بالاخره در شناساندن کومه‌له به عنوان یك جریان رادیکال و سوسیالیستی و مدافع کارگر و زحمتکش در مراکزی که حضور می‌یابند، نقش و جایگاه قابل توجهی داشته‌اند. کارگران در کردستان که کومه‌له و سیاست و عمل کردش را در دفاع از خود و زندگیشان دیده‌اند، هنگام کار در شهرهای دیگر ایران در میان کارگران و طبقه هایشان وسیعاً درباره‌ی کومه‌له دیگر کارگران را مطلع ساخته‌اند. کارگران مهاجر کرد هم چنین در مبارزات کارگری که در آن بوده‌اند، حضور فعال داشته‌اند. از روحیه‌ی مبارزاتی بالایی برخوردار بوده‌اند. نسبت به رژیم و عوامل آن حساسیت بیشتری و سر سازش ناپذیرتری داشته‌اند.

از گفتارهای رادیویی _ رادیو صدای کومه‌له

www.iran-archive.com

موج بیکاری

مدیرکل تحقیقات و پژوهش وزارت تعاون، جعفر عسکری که در همایش ارایه‌های طرح تحقیقی زمینه‌های تشکیل تعاونیهای اشتغال را برای زوالشهیدان دانشگاه‌ها در اصفهان گفته است که:"هم اکنون بر ۲۰ میلیون نفر در ایران در حال تحصل هستند که بزودی به شکل یك موج وارد بازار تقضای کار می‌شوند." و می‌گوید از مجموع ٦٤ میلیون نفر جمعیت ایران، ۷۰ در صد در گروه‌های سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند و جوان بودن جمعیت دغدغه اشتغال را افزایش داده است

استان مرکزی:

افزایش بیماری های روانی در روستاها

بنا به گزارشی که روزنامه "ایران" چاپ تهران به تاریخ پنجشنبه ۱۷آبانماه به چاپ رسانده است در هفت ماه گذشته بیماری‌های روانی در روستاهای استان مرکزی نسبت به مدت مشابه پارسال۳۰درصد افزایش یافت. بنا به این گزارش از هر هزار روستایی استان مرکزی ٦٦نفر به بیماری‌های خفیف روانی مبتلا هستند. مسؤل بهداشت روانی دانشگاه علوم پزشکی اراك تعداد بیماران مبتلا به عقب ماندگی ذهنی، صرع و بیماری‌های شدید روانی رابه ترتیب ٦١و ٥٤ و ۲۲ نفر در هر هزار نفر جمعیت روستایی استان مرکزی اعلام کرد.

تقاضای حذف بخش خصوصی از طرح احداث راه آهن اردبیل و مراغه

۱۰۵ نفر ازنمایندگان مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای به رئیس جمهور، خواستار حذف و مشارکت بخش خصوصی از طرح احداث راه آهن اردبیل _مراغه شدند. بنا به گزارش ایسنا، مهندس "ولی آذروش" در جمع خبرنگاران پارلمانی گفت: "کلمه‌ی مشارکت بخش خصوصی در بودجه‌ی سال گذشته‌ی استان کردستان اردبیل با توجه به این که طرحهای راه آهن و پل گذاری مورد استقبال بخش خصوصی نیست، موجب شده که این طرح مسکوت بماند و پیشرفتی نداشته باشد، لذا خواستار حذف آن از بودجه استان اردبیل شدیم.

عادی سازی با همه‌ی دولتمردان دنیا به جز رژیم اسرائیل

بهزاد نبوی نماینده‌ی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی اخیراً در جمع اعضای جبهه‌ی دوم خرداد در قزوین گفته‌است که:

"عادی سازی روابط با همه‌ی دولتمردان دنیا غیراز رژیم غاصب صهیونیستی خواست جبهه‌ی دوم خرداد است ".

وی که در سرسرای سازمان جهاد کشاورزی قزوین سخن می‌گفت، اشاره کرد که:

"امروز عادی‌سازی روابط با همه‌ی دولت های دنیا غیراز اشغالگران فلسطین در جهت منافع کشور و نظام جمهوری اسلامی است."

وی در رابطه با تجربه‌ی تسخیر سفارت آمریکا در (۱۳ آبان سال ۱۳۵۸) گفت: در آن زمان این عمل به سود انقلاب، نظام و منافع ملی بود.

اظهارات بهزاد نبوی در حالی‌است که طی هفته‌های گذشته و به ویژه پس از حمله‌ی آمریکا به افغانستان علی خامنه‌ای حملات لفظی‌اش را علیه آمریکا و به کسانی که از مقابله با آمریکا پشیمان گشته‌اند، شدیدتر کرده‌است.

محاکمه‌ی اعضای نهضت آزادی

بنا به گزارشات منتشره قرار است که فردا یکشنبه ۲۰ آبان ماه دادگاهی و محاکمه‌ی شماری از زندانیانی که طی ماههای گذشته به نام "ملی-مذهبی" نامشان در رسانه‌های خبری به دلیل بازداشت های خودسرانه و بی‌رویه و بدون هیچ گونه مجوز قانونی از سوی قوه‌ی قضائیه روانه زندان ها شده‌اند، آغاز شود.

دادگاه فردا عمدتاً مربوط به اعضای نهضت آزادی ایران خواهد بود که در شعبه‌ی ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار خواهد شد. گروه دوم زندانیان موسوم به ملی-مذهبی، کسانی چون حبیب الله پیمان، مهندس سحابی، تقی رحمانی، رضا علی‌جانی و غیره به موعد دیگری موکول شده است.

اعضای نهضت آزادی که قرار است فردا محاکمه شوند، ۱۰ وکیل مدافع برای خود تعیین کرده‌اند. اما این وکیل ها تاکنون نه فقط نتوانسته‌اند با زندانیان ملاقات کنند بلکه حتی به پرونده‌ی آنان دسترسی پیدا نکرده‌اند.

بازداشت ملی-مذهبی‌ها اوایل سال جاری در یك جلسه‌ی صورت گرفت و سپس در بسیاری از شهرهای ایران عناصر وابسته به این طیف مورد هجوم قرار گرفتند و بازداشت شدند. دادگاه انقلاب اسلامی اتهامات سنگینی را برای این عده دارد که براندازی، مبارزه مسلحانه و جاسوسی از جمله‌ی این اتهامات بود.

بازداشت شدگان طی ماههای گذشته در سلول های انفرادی، زندان های نامعلوم و در شرایط روحی نامساعدی نگه‌داری شده‌اند.به آنها ملاقات داده نشده است و باندهای قوه‌ی قضائیه با پخش شایعات مکرر درباره‌ی وضعیت روحی آنان و نادم شدنشان و پشیمانی آنها، جنگ روانی گسترده‌ای را علیه خانواده‌هایشان پیش برده‌ی است.

طی ماههای گشته خانواده‌های این زندانیان بارها نامه‌ی سرگشاده به رئیس قوه‌ی قضائیه و محمد خاتمی و دیگران نوشته، بارها تجمع اعتراضی تشکیل داده‌اند و در مقابل دفتر در تهران جمع شدند تا صدای اعتراض بازداشت شدگان و خودشان را به گوش همگان برسانند.

هجوم به ملی-مذهبی‌ها و اعضای نهضت آزادی، بخشی از برنامه‌ی تعرضی محافظه کاران است که به ویژه طی یکی دو سال با شکست های پی‌درپی آنان تشدید شده است. محافظه کاران برای تداوم موجودیت خود و بای جلوگیری از فروریزی صفوف مدافعانشان تنها راه چاره را در تشدید حملات خود، بازداشت ها، پروند سازی‌ها و غیره دیده است. محد خاتمی و جناح اصلاح طلب نیز در سکوت کامل به تائید این اقدامات پرداخته است.

از نظر ما محاکمه‌ی اعضای نهضت آزادی که خود همواره از مدافعان قانون اساسی این رژیم بوده‌اند و در مراحل حساس در دو دهه‌ی گذشته هیچ گاه نخواسته‌اند فاصله‌ی روشن و قاطعی از جمهوری اسلامی بگیرند، محکوم است و حتی با قوانین خود جمهوری اسلامی هم منطبق نیست. بازداشت این عنصر محکوم است. دادگاهی آنان از هیچ گونه مشروعیتی برخوردار نیست و همانند دیگر محاکمات در شرایط ناعادلانه و نابرابری انجام می‌گیرد.

اعتصاب غذای چهار نفر از دانشجویان زندانی.

بنابه گزارشات منتشره چهار نفر از دانشجویانی که در زندانهای رژیم به‌سر می‌برند به اعتصاب غذا دست زده‌اند. این چهار نفر منوچهر و اکبر محمدی، احمد باطبی و محمدرضا کثرانی هستند که بیش از دوسال است درزندان به‌سر می‌برند و هنوز هیچ گونه محاکمه‌ای نشده‌اند. مقامات رژیم آنان را تحت فشار گذاشته‌اند که توبه نامه بنویسند و شرط آزادی آنان را تقاضای عفو رهبری اعلام کرده‌اند. این زندانیان تاکنون نه فقط حاضر به این کار نشده‌اند بلکه در اعتراض به فشارهای وارده، دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

مریوان : حمله به کاروانچیان

هفته‌ی گذشته نیروهای رژیم در بین روستاهای "وله‌ژێر" و " کال" تعدادی کاروانچی را مورد رگبار سلاحهای خود قرار دادند و متأسفانه ٦راس از اسب های کاروانچیان کشته می‌شود و سپس اموالشان از طرف نیروهای رژیم مصادره می‌شود. جزئیات بیشتری در این رابطه بیان نشده است.

www.iranarchive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
saturday
10 / 11 / 2001
No: 39

طرح حفظ حریم دانشگاه‌ها و بیوت مراجع بار دیگر توسط مجلس تصویب شد

احمد شیرزاد رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات گفت:
"بر اساس طرح ممنوعیت ورود نیروهای مسلح به دانشگاه‌ها از این به بعد به جای مسئولین اجرایی, مقامات قضایی مجوز ورود نیروهای مسلح را به دانشگاه‌ها صادر می‌کنند.

این تغییری است که در طرح فوق به عمل آمده است. روزنامه‌ی نوروز که این گزارش را به چاپ رسانده‌است, در این باره از قول خبرنگار پارلمانی‌اش می‌نویسد: جابجایی مسئولین اجرایی و قضایی بر آوردن طرح مبنی بر حفظ حریم دانشگاه‌ها, حوزه‌ها و بیوت مراجع است و از این پس دانشجویان از تعرض مصون خواهند ماند.

این طرح به ویژه پس از هجوم وحشیانه‌ی نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه و تخریب خوابگاه‌های دانشجویان و ضرب و شتم و کشتن و زندانی کردن آنان به میان کشیده‌شد. در فضای آن زمان که افکار عمومی ایران و حتی جهانیان علیه این هجوم آشکار, نامشروع و تجاوزکارانه بسیج شده بود, این طرح به میان کشیده شد. اما اصلاح طلبان دولتی که همواره نگران رادیکالیزه شدن جنبش هستند و از آن بیم دارند که اوضاع از کنترل شان خارج شود, نسبت به لاقیدی و بی‌توجهی محافظه کاران به این طرح اقدامی نکردند و حتی به گونه‌ای خود نیز در به تعویق انداختن تصویب این طرح و بالاخره تهی کردن آن از مضمون واقعی نقش داشتند. احمد شیرزاد دراین باره می‌گوید: در زمان بررسی این طرح, مطبوعات مخالف اصلاحات جوی را علیه مجلس ششم دامن زدند و فضایی به‌وجود آوردند که گویی مجلس خواهان آن است که دانشگاه‌ها به محلی برای جرم و فساد تبدیل شود در حالی که در پی بحث های منطقی شده, شورای نگهبان پی‌برد که مراکز آموزش باید حرمت ویژه‌ایی داشته‌باشد. ازاین که مجوز ورود توسط دستگاه اجرایی یا قضایی صادر شود فرقی نمی‌کند. نمایندگان هدفشان این بود که وقایعی مانند کوی دانشگاه اتفاق نیفتد.

طرحی که به تصویب رسیده و به ویژه اصلاحیه‌ی آن, هیچ گونه ممانعتی برای ورود نیروهای مسلح رژیم به دانشگاه‌ها به‌وجود نمی‌آورد. این نیروها هیچ گاه خودسرانه و بنا به تصمیم حتی فرماندهانشان اقدامی نکردند بلکه از سوی مراجع و اتوریته‌های بالاتری رهبری و هدایت شده‌اند. صادر کردن مجوز برای قوه‌ی قضاییه کاری ندارد.

واقعیت این است که این طرح همانند بسیاری دیگر از فرصتهایی که جبهه‌ی دوم خرداد می‌توانست با اتکای آن موقعیت خود را تقویت و موقعیت رقبایش را تضعیف سازد, ازدست رفت.

سرانجام وسرنوشت این طرح نشان می‌دهد که جبهه‌ی دوم خرداد تا چه اندازه از عواقب جنبش های گسترده‌ی مردمی که به‌ویژه علیه محافظه کاران در جریان است, بیمناک هستند و همواره برآن بودند که از قاطعیت آن بکاهند, پایه‌های جمهوری اسلامی را از زیر ضرب بیرون کشند و اجازه ندهند که اوضاع از کنترل شان خارج گردد.

دانش آموزان «رودبار زمین» در کپر و زیر سایه درختان درس می خوانند

ایران
شنبه ۱۹ آبان

۴۵درصد از دانش آموزان بخش «رودبار زمین» از توابع شهرستان کهنوج در زیر کپر و سایه درختان درس می خوانند.
محمد اسکندری رئیس اداره آموزش و پرورش «رودبار زمین» در دیدار دو تن از معاونان استانداری کرمان از مراکز آموزشی این بخش با بیان این مطلب گفت: بخش «رودبار زمین» جمعا ۲۰هزار و ۷۰۰دانش‌آموز در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه دارد که ۱۴هزار و ۳۰۰نفر از این تعداد در مقطع ابتدایی مشغول به تحصیل هستند. این بخش جمعا ۵۹۵ مدرسه ابتدایی داردکه کلاسهای درس ۴۹۵ مدرسه زیر کپر وسایه درختان است.
رئیس اداره آموزش و پرورش «رودبار زمین» با اظهار نگرانی از وضعیت کنونی دانش آموزان که در سایه درختان و کپر تحصیل می کنند گفت: با توجه به وضعیت اقلیمی منطقه ادامه تحصیل برای دانش‌آموزان دشوار شده است. با وجود تلاشهای زیادی که تا به حال در جهت محرومیت زدایی از روستاها و مناطق محروم در استان کرمان صورت گرفته، عمق محرومیت در رودبار زمین خصوصا در بخشهای فرهنگی و اقتصادی تأسف‌برانگیز و نگران‌کننده است.

ادامه‌ی اعتراض به سکوت مطبوعات ایران در رابطه با امیر حسین آریان پور...

چگونه باید باشند. جهت اثبات این ادعا در همین مراسم دوماه‌نامه که این موضوع را متوجه شده بودند و با ویژه‌نامه‌ای برای استاد آریان پور چاپ نمودند "کلک و چیستا" تا قبل از پایان مرام کلیه‌ی شمارگان خود را که عرضه نموده بودند، به پایان رساندند و کمی هم تیراژ برای عرضه کم آوردند. حال باید قضاوت کرد چه کسانی مقصرند؟ دست اندرکاران مطبوعات یا مردم؟ این مطبوعات به جز در دو مورد، هیچ کدام حتی یك خبرنگار برای پوشش یادمان چنین مرد فرهیخته و تأثیرگذاری بر فرهنگ و اجتماع، اعزام ننموده بودند. علاوه بر آن حتی خبر ارسالی یکی از خبرگزاری‌ها را هم از این مراسم در روزهای بعدی نقل نکردند، واقعاً که جای تأسف دارد، ادعای احقاق حقوق فرهنگی مردم را داشتن و به بزرگ مرد فرهنگی این مردم نپرداختند. چه چیزی را نشان می‌دهد.....!؟"

صدای کومه‌له_ده‌نگی کومه‌له
بر روی انترنت
برنامه‌های رادیو صدای کومه‌له را, روزهای شنبه, یکشنبه, سه‌شنبه, پنج شنبه و جمعه را با مراجعه به آدرس انترنتی:
دریافت دارید

خبرنامه

کومه‌له _ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران

۴۰ چهارشنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۸۰

www.komala.org

ایلام:

تظاهرات مردم علیه گرانی و تورم

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، شهر ایلام طی روزهای ۷ و ۸ آبان ماه جاری شاهد تظاهرات و اعتراضات مردم این شهر بود که علیه گرانی و بالا رفتن قیمت ها برگزار شد. تظاهرات ابتدا با حضور صدها تن آغاز شد که در ادامه جمعیت تظاهر کننده به حدود ۲ هزار نفر رسید. تظاهر کنندگان با پرتاب سنگ و آجر بسوی نیروهای رژیم با آنان درگیر شدند.

نیروهای رژیم که در مقابل تظاهرات و اتحاد مردم عاجز شده بودند، با رسیدن نیروهای کمکی و یگان ویژه از کرمانشاه بالاخره پس از چند ساعت توانستند مردم تظاهر کننده را پراکنده سازند. در این تظاهرات و درگیری چند نفر از نیروهای رژیم زخمی شدند و تعدادی از تظاهر کنندگان نیز دستگیر و روانه‌ی زندان شدند. یکی از نیروهای رژیم که در این روز زخمی شده است حسین مرادی نام دارد که مشغول سپری کردن دوران سربازی‌اش است.

سنندج:

منطقه ژاوه‌رو

بنا به خبری که به رادیو صدای کومه‌له رسیده است، یکی از کارگران ساختمانی به نام ابراهیم خانی اهل روستای "هویه" در منطقه‌ی ژاوه‌روی سنندج هنگام کار در یک ساختمان به پایین سقوط می‌کند و متأسفانه جانش را از دست می‌دهد.

رادیو صدای کومه‌له مرگ کاک ابراهیم خانی را به‌خانواده و آشنایانش تسلیت می‌گوید و خود را شریک غم‌واندوه آنان می‌داند.

سالانه از کارگران در کردستان و یا کارگران مهاجر کرد در دیگر شهرهای ایران به دلیل شرایط ناامن کار، جانشان را از دست می‌دهند.

این در حالی است که هیچگاه باز خواست از صاحبان کار بخاطر مرگ کارگران وجود ندارد. خانوادهایی که تنها نان آورشان را از دست می‌دهند شامل هیچ گونه بیمه‌حوادث، بازنشستگی و غیره نمی‌شوند.

آن چه خاتمی پنهان می‌کند

طی روزهای گذشته حضور محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران در مجمع سالانه‌ی سازمان ملل متحد، مصاحبه‌ی وی با روزنامه‌ی نیویورک تایمز و سخنان وی در جمع ایرانیان مقیم نیویورک در محافل ایرانیان مقیم خارج و مطبوعات داخل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

زبان خاتمی در این رویدادها و مصاحبه‌ها الکن است. از نظام مردسالار این جا صحبت می‌کند معجونی که نمونه‌اش را تاریخ به یاد ندارد، از رابطه با آمریکا صحبت می‌کند در حالی که از تکرار مواضع رسمی بیست سال گذشته‌ی جمهوری اسلامی شرم دارد، زبانش به چرخش درنمی‌آید که بالاخره، با آمریکا چکار خواهد کرد. تروریست نامیدن جمهوری اسلامی را از سوی آمریکا بی‌عدالتی می‌نامد. از آن زبان پرخاشگر و تعرضی علیه آمریکا خبری نیست. از نهادینه شدن دمکراسی توام با حفظ معیارها و هویت دینی صحبت می‌کند، بدون این که خم به ابرو بیاورد که هفته‌ی قبل از آن خود مردم و جوانان را که کمترین خواست شان دمکراسی است "ارزال و اوباش" نامیدند و بدینوسیله به سرکوب و زندان و اذیت و شکنجه‌ی آنان جنبه‌ی قانونی بخشیدند." ...

بقیه در صفحه‌ی ۲

چند خبر از مریوان

روستای "برقرو":

خودسوزی یک زن جوان

روز ۱۴ آبان ماه دختری به نام فروزان فرجی که نامزد داشت ۳ روز قبل از عقدش خود را به آتش کشیده است. پدر وی ناصر فرجی نام دارد.

مرگ مشکوک

روز ۱۸ آبان ماه جسد مردی به نام فرج اصلی محمد که در ترمینال شهر مکانیکی دارد در مغازه‌اش در حالی که حلق‌آویز شده بود، پیدا شد. نامبرده قبل از کشته شدنش گردن و سینه‌اش شکسته شده و سپس حلق آویز شده است. نام برده دارای همسر و ۴ فرزند است.

فشار بر دست فروشان

بنا به خبر دیگری از شهر مریوان، شهردار این شهر مداوماً دست فروشان را تهدید به درهم شکستن اسباب و اثاثیه‌ی آنان می‌کند.

۳ سال پس از ترور وحشیانه‌ی محمد مختاری و جعفر پوینده هم چنان خطری برای جمهوری اسلامی

ص ۳

www.iran-archive.com

همان گونه بسیاری از سخنان خاتمی را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد شاعرانه توصیف کرده‌اند، خاتمی حامل هیچ پیغام روشنی نبود. و به طرز برجسته‌ای آشفتگی و تضادها و اختلافات درونی جمهوری اسلامی را همراه با تنگناهایی که این رژیم با آن مواجه است، نشان داد.

گفتگوی تمدن های خاتمی برای وی و برای رژیمی که ریاست جمهوری‌اش را تقبل کرده است، اسم رمز خزیدن به لاک دفاعی و پیدا کردن فرصتی برای رهایی جمهوری اسلامی از تنگناهایی است که سال هاست با آن روبرو است.

اما زمان حضور خاتمی در مجمع عمومی سازمان ملل چندان به سود وی و رژیمش نبود. در حالی که طی دو ماه گذشته اسلام نوع طالبان و نوع جمهوری اسلامی به شدت زیر ضرب قرار گرفته است، در حالی که افکار عمومی جهانی پدیرای هر اقدامی علیه چنین سیستمی است، خاتمی که در موقعیت ریاست جمهوری رژیمی که بیش از دو دهه است سیستم طالبانی را در ایران مستقر ساخته است، سخن می‌گفت نمی‌توانست چندان سرباند و اعتماد به نفس داشته باشد. واقعیت این است که طی دو ماه گذشته و از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر در آمریکا به این سوی موقعیت اسلام حکومتی و اسلام سیاسی به شدت تضعیف گشته است. و جمهوری اسلامی که از بیست سال قبل منشأ تقویت کننده و گسترش خشونت، ترور، دسته‌جات اسلامی و ارتجاع و کوردلی بوده است، بیش از پیش زیر ضرب قرار گرفته است. این اوضاع خاتمی را در موقعیت دشوار قرار داده است. شرایط به طور عینی چه در داخل ایران و چه در سطح افکار عمومی جهانی پدیرای اراجیف بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی نیست، و خاتمی که همواره واژه‌های دمکراسی و مردم سالاری و مدارا و دوری از خشونت را بی‌ربط در سخنانش گنجانده است، سعی در پنهان ساختن ماهیت واقعی جمهوری اسلامی و موقعیت کنونی‌اش دارد.

خاتمی عاجزانه می‌خواهد جمهوری اسلامی را با روندهایی که چندان خوشایند بنیانگذاران و مدافعانش نیست، ساخت و ساز سازد. می‌خواهد به افکار عمومی جهانی بقبولاند که جمهوری اسلامی راه مدارا، راه دیالوگ میان "تمدن ها"، راه "مردم سالاری دینی" و غیره را در بر گرفته است. خاتمی حدود ٤ سال قبل وقتی برای نخستین بار به کرسی ریاست جمهوری تکیه داد، همین رسالت را اما در داخل ایران، برای منحرف کردن مبارزات مردم و کاستن از پتانسیل و انقلابی آن برای خود قائل بود. اما هم سرنوشت و منافع جمهوری اسلامی در گرو آن بود که کماکان راه سابق را بپیماید و هم فاصله و شکاف میان مردم و حاکمیت سجدی رسیده بود که شعارهای سطحی و بدون برخورداری از هیچ گونه ضمانت علمی نمی‌توانست مردم را از خواست برکناری و سرنگونی ان رژیم بازدارد.

هدف سفر خاتمی به مجمع عمومی سازمان ملل و سخن رانی‌ها و مصاحبه‌هایش اساساً این بود که خطری را که حول جمهوری اسلامی در گردش است، دور سازد. خاتمی هم می‌بایست سیاست های رسمی جمهوری اسلامی را موعظه کند و هم به گونه‌ای ظاهر شود که در تحولاتی که به ویژه در منطقه‌ی خاورمیانه و در همسایگی ایران در جریان است، جمهوری اسلامی هرچه کم زیان تر بیرون آید.

موضع خاتمی، موضع حفظ بنیادهای جمهوری اسلامی با زبانی است که زمانه اقتضا می‌کند. موضع خاتمی لاپوشانی چهره‌ی رژیمی است که راز بقایش را در سرکوب و ناامنی و استبداد و تروریسم می‌داند. آن چه که خاتمی پنهان می‌کند، ماهیت و نیات و اهداف جمهوری اسلامی و سردمدارانش است. بعید به نظر می‌رسد که خاتمی بتواند رسالت نامشروعش را انجام دهد. چهار سال گذشته خاتمی نتوانست بر چهره‌ی زشت جمهوری اسلامی، ماسک مردم سالاری و مدارا و دیالوگ بزند، و هر اندازه که بر چنین مقولاتی پای فشرد و موقعیت عمومی جنبش انقلابی و اعتراض را علیه جمهوری اسلامی و تناسب قوای واقعی میان مردم و حاکمیت را به سود اولی تقویت می‌کرد. آن چه که چهار سال گذشته خاتمی با زبانی الکن و دم و گوش بریده بنا به جبر زمانه و ضرورت و نیازهای جمهوری اسلامی بر زبان رانده است، اعتماد به نفس مردم را در مقابله و رودرویی‌شان با رژیم بالا برده است. بالاخره رئیس جمهور رژیمی را به سخن آورده‌اند که سیاتل ها قبل جز زبان خشن، زمخت و مستبدانه منطق دیگری نمی‌شناخت.

خاتمی تا چه اندازه توانست در داخل چهره‌ی جمهوری اسلامی را پنهان سازد و ماسک جدیدی با روپوش آغشته به "مردم سالاری" و دمکراسی و غیره آویزان سازد، به همین اندازه می‌تواند در خارج افکار عمومی را به پذیرش تغییرات و تحولاتی در جمهوری اسلامی متقاعد سازد.

آن چه که خاتمی پنهان می‌کند، برای توده‌های مردم در ایران و برای افکار عمومی مترقی و آشنا با جمهوری اسلامی، مصائب، دردها، جنایات و وحشیگری‌هایی است که اذهان را شدیداً به خود مشغول کرده است و محال است از حافظه‌ی این مردم پاک گردد. و سرمنشأ تمام حرکت ها و اعتراضات و هم چنین اعتراف به تغییر و تحول در جمهوری اسلامی از سوی خاتمی و جبهه‌ی متحدش کینه‌های انباشته شده در دل مردم است که همواره در پی فرصتی هستند که با انفجارهای اجتماعی جمهوری اسلامی را به سوی سرنوشت محتوم خود سوق دهند.

هوشمند

دیواندره:
درگذشت کاك عباس لطفی

بنا به خبری که از منطقه دیواندره به رادیو صدای کومه‌له رسیده است هفته‌ی گذشته کاك عباس لطفی ساکن روستای "قه‌لاکون" و پدر رفیق جانباخته پیشمرگ فداکار کومه‌له یحیی مشهور به"وریا" و هم چنین پدر رفیق صابر لطفی از رفقا و پیشمرگان قدیمی کومه‌له بدلیل بیماری که مدت طولانی به آن مبتلا بود, در گذشت.

ما بدین وسیله به خانواده‌ی کاك عباس لطفی تسلیت می‌گویم و هم چنین به رفیق صابر لطفی تسلیت می‌گویم و خود را شریك غم‌واندوه آنان می‌دانیم.

رفیق یحیی "وریا", در سال ۱۳٦٦ طی نبرد نابرابر که بین واحدی از پیشمرگان کومه‌له با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درگرفته جان باخت.

روزانه ٤٥ کودك خیابانی در تهران جمع آواری می‌شوند

مساله کودکان خیابانی در چند سال گذشته در ایران ابعاد وسیع و در عین حال نگران کننده‌ای به خود گرفته، صدها و هزاران کودك خیابانی در تهران و دیگر شهرهای ایران در پارکها, خرابه‌ها و خیابانها زندگیشان را سپری می‌کنند و مورد آسیبهای فراوانی قرار می‌گیرند.

"فاطمه صادقی" مسئول مددکاری اداره‌ی دادگستری تهران روز چهارشنبه گفت: طبق آمار ارایه‌ی شده از سوی اداره‌ی اجتماعی نیروی انتظامی روزانه حدود ٤٥ نفر دختر و پسر نوجوان در پایانه‌های مسافربری جمع آوری می‌شوند. وی که با خبرگزاری ایرنا گفتوگو می‌کرد,می‌افزاید: علاوه بر این تعداد روزانه عده‌ایی به صورت مخفی و شماری نیز در پارکها و میدانها دیده می‌شوند که تعداد آنها بیش از ٤٥ نفر است.

www.iranarchive.com

اطلاعیه‌ی کانون نویسندگان ایران: مراسم بزرگداشت محمد مختاری و محمد جعفر پوینده لغو شد

بنا به اطلاعیه کانون نویسندگان ایران، مراسم بزرگداشت محمد مختاری و محمد جعفر پوینده لغو شد. کانون نویسندگان ایران اطلاعیه ای انتشار داده است. در این اطلاعیه که توسط ایسنا انتشار یافته است آمده است:

به آگهی دوست داران جانباختگان راه آزادی اندیشه و بیان و قلم، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده اعضای کانون نویسندگان ایران و علاقمندان فرهنگ و ادبیات ایران می‌رسانیم که در آخرین لحظات تدارک مراسم یادمان این دو هم قلم گرانمایه، مدیریت مجموعه فرهنگی- هنری تهران مخالفت قطعی خود را با برگزاری این مراسم در تاریخ ۲۱ آبان ماه اعلام کرد. مدیریت این مجموعه دلیل مخالفت ناگهانی خود را به رغم قرداد قبلی، تهدید و مخالفت و کارشکنی افراد غیر مسئول بیان کرد.

لازم به یادآوری است که تاکنون در پاسخ به مراجعات مکرر، مرجع رسمی ذی‌ربطی درباره‌ی این مخالفت ابراز بی‌اطلاعی کرده است. از این رو با کمال تأسف عدم برگزاری مراسم مزبور را اعلام می‌کنیم و حق پی‌گیری درباره‌ی چگونگی این رویداد نومید کننده و ضد فرهنگی را برای خود محفوظ می‌داریم.

نخستین دادگاه اعضای نهضت آزادی برگزار شد.

روز یک شنبه گذشته بیستم آبان ماه، نخستین جلسه‌ی دادگاه اعضای نهضت آزادی به صورت غیر علنی برگزار شد. علی‌رغم درخواست های مکرر خانواده‌ها و متهمین مبنی بر علنی بودن دادگاه و حضور هیأت منصفه، دادگاه کماکان غیر علنی برگزار شد.

دادگاه در شعبه‌ی ۲۱ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد و متهمین همراه با وکیل ها و خانواده‌هایشان حاضر بودند. مأموران دادگاه از ورود خبرنگاران به محوطه دادگاه و گفت و گو با خانواده‌ها مخالفت کردند.

ایسنا-خبرگزاری دانشجویان ایران با محمدعلی دادخواه، وکیل تعدادی از اعضای نهضت آزادی گفت و گویی انجام داده است. محمد علی دادخواه می‌گوید: امروز(یکشنبه ۲۰ آبان ماه) دادگاه با حضور اکثریت متهمان تشکیل شد و جلسه‌ی بعد فردا ساعت ۸\۵ صبح خواهد بود. در این جلسه تفهیم اتهام نشد و تنها ۱۰۰ صفحه از مقدمه کیفر خواست خوانده شد.

صدای کومه‌له دەنگی کومه‌له
بر روی انترنت
برنامه‌های رادیو صدای کومه‌له را، روزهای شنبه، یکشنبه، سه‌شنبه، پنج شنبه و جمعه را با مراجعه به آدرس انترنتی:
دریافت دارید

۳ سال پس از ترور وحشیانه‌ی محمد مختاری و جعفر پوینده هم چنان خطری برای جمهوری اسلامی

سه سال قبل در پاییز سال ۱۳۷۸ در جریان قتلهای زنجیره‌ای، محمد مختاری و محمد پوینده دو روشنفکر مبارز و چپ، دو انسان آگاه، دو مبارز راه آزادی اندیشه و قلم و دو تأثیر گذار مسلم بر عرصه‌ی ادبیات و اندیشه به ویژه در دهه اخیر ربوده شدند، وحشیانه به قتل رسیدند و جسدشان در بیابانها رها شد. جریان قتلهای زنجیره‌ای و عواقب پس از آن به فراوانی بحث شده است قتلهای زنجیره‌ای تقلای عاجزانه، کور و در عین حال بزدلانه‌ای بود که سردمداران جمهوری اسلامی به خیال واهی برگشت به دوران قدر قدرتی و ترور و آدم کشی سازمان دادند. اما در گلویشان گیر کرد. سازمان امنیتشان با رفسنجانی و فلاحیان به دام افتادند، در انظار همگان افشا و خرد شدند و برای همیشه و در حالی که کمان بر تخت قدرت تکیه زده‌اند، منفور و طرد شدند. تقلای عاجزانه که سردمداران و سازمان دهندگان آن نمی‌توانستند بفهمند که جامعه‌ی ایران با دهه‌ی ۶۰ بسی فاصله گرفته است.

۳ سال از ترور محمد جعفر پوینده مترجم سرشناس که انتخابهایش در عرصه ترجمه و عرضه آن به جامعه‌ی ادبی روشنفکری و دانشگاهی خدمات فراموش نشدنی محسوب می‌شود و محمد مختاری شاعر و نویسنده توانا و متعهد که آثارش در کنار بزرگان ادبی ایران برای همیشه ماندگار شده است، می‌گذرد. محمد جعفر پوینده ومحمد مختاری دو مبارز راه آزادی و اندیشه و مخالف سانسور خودسانسوری و اعضای کانون نویسندگان ایران بودند، جانیان و آدم کشان که خیال واهی تحمیل دور جدیدی از توحش و ترس و وحشت برآمده بودند، آنان را به عنوان نخستین قربانیان خود انتخاب کردند.

محمد جعفر پوینده و محمد مختاری ترور شدند، اما مرگشان نام و آثارشان را در ابعادی وسیع تر و اجتماعی‌تر به همگان شناساند. در این ۳ سال نه فقط نام شان کم نشد بلکه آثار این دو انسان فرزانه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. مرگ شان برای جمهوری‌اسلامی هم چون زندگی‌شان دردسر بیشتری آفرید. هر چه زمان می‌گذردو هر چه شناخت از زندگی و آثار این دو انسان روشنفکر و مبارز و متعهد غنی‌تر می‌شود، نفرت از جمهوری اسلامی و جنایاتش بیشتر می‌شود.

سه سال پس از مرگ محمد جعفر پوینده و محمد مختاری نام و آثارشان و خدمات و مبارزاتی که در راه آزادی انجام داده‌اند بیش از پیش شناخته شده است. در عین حال خشم و کینه کوردلانه‌ی سردمداران جمهوری اسلامی و باندهای آدم کش و جانی‌اش از آنان بیشتر می‌شود. برای همین است که اجازه ندادند که مراسم یادمان این عزیزان در روز یکشنبه بیست و یکم آبان ماه برگزار شود و با تهدیدات مکرر نگرانی خود را از یادواره‌ی این عزیزان نشان دادند.

ممنوعیت از برگزاری مراسم محمد جعفر پوینده و محمد مختاری نشانه‌ی نگرانی و خشم مقامات جمهوری اسلامی است. نگران آن هستند که داستان قتل های زنجیره‌ای مجدداً به بیان کشیده شوند، نگران آنند که با شناخت بیشتر از دو تن از قربانیان قتل های زنجیره‌ای نفرت و کینه علیه رژیم جمهوری اسلامی به ویژه در شرایطی که با تظاهرات های هفته‌های اخیر فضای مبارزاتی پرشوری ایجاد شده است، اجازه ندهند که خاطره‌ی جنایات جمهوری اسلامی به این فضا دامن بزند.

اما تلاش های عاجزانه‌ی جمهوری اسلامی برای ممانعت از برگزاری مراسم یادمان پوینده و مختاری، چندان تأثیری ندارد. در سه سال گذشته نام این عزیزان در ابعاد گسترده مطرح گردید و اینک توده‌ی وسیع تری از مدافعان آزادی و قلم و اندیشه و دوست داران هنر و ادبیات پیشرو و متعهد با این نام ها و آثارشان آشنایی دارند و به همان اندازه از جنایات جمهوری اسلامی نفرت به دل دارند.

یاد محمد جعفر پوینده و محمد مختاری هر ساله در دل هزاران هزار مدافع آزادی و برابری و انسانیت گرامی داشته می‌شود. بدون شک در فردای رهایی ان جامعه، جنبش انقلابی توده‌های مردمی که جمهوری اسلامی را به زباله‌دانی تاریخ افکنده‌اند، نام جعفر پوینده و محمد مختاری را بر درفش رهایی مشت خواهند کرد و برای همیشه هم چون تلاشگران و پیکارگران راه آزادی گرامی خواهند داشت.

www.iran-archive.com

Khabar Nameh
(Komala Newsletter)
saturday
14 / 11 / 2001
No: 40

ساری:

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه‌ی نساجی چوخاسازی

بخشی از کارگران کارخانه‌ی چوخاسازی ساری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایای معوقه و تعطیلی فعالیت های این کارخانه در مقابل استانداری مازندران تحصن کردند.

بنا به گزارش روزنامه‌ی کیهان این کارگران که بالغ بر یکصد نفر برآورد شده‌اند نسبت به بی‌توجهی مسئولین کارخانه و تعطیلی یکساله‌ی کارخانه اعتراض داشته‌اند و خواستار بازگشت به کار کارگران بی‌کار شده‌ی این کارخانه شده‌اند.

یکی از کارگران معترض در این رابطه گفته است :"کارگران بی‌کار شده این واحد از یک سال گذشته تاکنون هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده‌اند و حتی عیدی و پاداش سال ۷۹ را هم به کارگران نداده‌اند." این کارگر هم چنین گفته است:" مسئولان کارخانه حدود ۱۰۰ نفر از کارگران را بازخرید کرده‌اند و با عملی نشدن تصمیم آن ها برای انحلال شرکت آینده‌ی مبهمی در انتظار ۳۰۰ کارگر باقی مانده است."

عدم پرداخت به موقع دست مزدهای کارگران و عیدی و پاداش سالانه، به یک معضل اساسی کارگران ایران در سال های اخیر تبدیل شده است. در حالی که خود دست مزدهای تعیین شده کفاف زندگی خانواده‌های کارگری نمی‌کند، ماهها گاه تا بیش از یک سال پرداخت شان به تعویق می‌افتد. این در حالی است که گرانی و تورم، هر روزه یکی از نیازمندی‌های اساسی زندگی کارگران را از سر سفره آنان ناپدید می‌کند. مضافا این که ورشکستگی کارخانجات و مراکز تولیدی و تعطیلی آن ها همواره خطر بی‌کاری و از دست رفتن شغل را بر بالای سر کارگران هم چون تهدیدی جدی نگه داشته است.

طی ماه‌های گذشته مبارزات و اعتصابات و تحصن ها و تجمعات کارگری در بسیاری از مراکز کارگری روی داده است. ماه گذشته فقط در اصفهان ده‌هزار کارگر در اصفهان به مدت طولانی در خیابان های این شهر به راه‌پیمایی پرداختند. و در ساری، تبریز، اراک، شاهین شهر، بندر عباس، تهران و غیره اعتصابات و اجتماعات اعتراضی اساساً حول مطالبه پرداخت به موقع دست مزدها صورت گرفته است.

طالبان در آستانه‌ی سقوط کامل

سحرگاه روز سه‌شنبه ۲۲ آبان ماه برابر با سیزدهم ماه میلادی نوامبر کابل پایتخت افغانستان با فرار طالبان و درگیری نه‌چندان طولانی، از حکومت سیاه، ترور، وحشت و قرون وسطایی پنج ساله‌ی طالبان رها گردید. تصاویری که از کابل به سراسر جهان مخابره گردید، مردمی را نشان می‌داد که برق شادی‌شان پیام روشنی به جهانیان داشت. پنج سال بود که موسیقی حرام شده بود، پنج سال بود که به تن زنان کفن پوشیده بودند، پنج سال بود که اصلاح ریش و پاکیزگی جرم محسوب می‌گردید. جوانان به زور به سربازی طالبان کشانده می‌شدند، دختران و زنان جوان ربوده می‌شدند و در کشورهای خلیج فارس خرید و فروش می‌شدند. هجوم هر لحظه به منازل و دستگیری‌های بی‌رویه، اعدام های وحشیانه در ملاعام و ... شرایطی بود که طالبان در کابل و دیگر مناطق تحت کنترل خود حکم فرما ساخته بود.

با ورود نیروهای ائتلاف شمال و ضدطالبان، غریو شادی و هلهله مردمی رنجدیده در سراسر جهان عمیقا احساس می‌شد. جوانان به آرایشگاه هجوم بردند تا چهره‌شان را که بوسیله‌ی طالبان به رنگ دیگری درآمده بود عادی سازند، تعدادی از زن ها، کفن ها را پرت می‌کردند و توانستند صورت هایشان را در مقابل خورشید قرار دهند و روشنایی را ببینند. موسیقی پخش شد و جوانان رقص کنان بر ماشین ها در خیابان ها به گشت زنی پرداختند.

کابل از دست طالبان درآمد. و متقاعب آن ۸۰٪ درصد خاک افغانستان از وجود نیروهای طالبان پاک گردید. طالبان در تنها ستاد مهم سیاسی و نظامی‌شان در قندهار به حال نیمه‌محاصره درآمده‌اند. شایعاتی مبنی بر تصرف قندهار، فرار ملاعام و بن لادن و تسلیم شدن هزاران تن از نیروهای طالبان سراسر خبرگزاری‌های جهان را تحت پوشش خود درآورده است.

پیروزی و رهایی مردم از چنگ طالبان و حکومت وحشت، هنوز نمی‌تواند مجالی برای فکر کردن درباره‌ی آینده‌ی کشورشان فراهم گردد. "هرچه می‌خواهد باشد، فقط طالبان برود". این شاید حرف دل همه‌ی کسانی باشد که زیر سرنیزه‌های طالبان در پنج سال گذشته که تحت حاکمیت پاکستان و منابع مالی عظیم عربستان و امارات متحده سرپا ایستاده بود، هیچ روزنه‌ی امید بخشی را نمی‌دیدند. همین چند ماه پیش هیچ کس نمی‌توانست چنین تحولات سریعی را پیش بینی کند و حتی بدان فکر کند چه رسد به مردمی که زیر سلطه‌ی طالبان به تدریج هستی وجودشان ذوب می‌شد.

آینده‌ی افغانستان چه خواهد شد؟ نیروهای شمال که چندان تفاوت اساسی با طالبان نداشتند، چکار خواهند کرد. موقعیت زنان افغانستان چه خواهد شد؟ اختلافات عمیق قومی که جنگ های بیست سال گذشته همواره آن را تشدید کرده است، به کجا خواهد رسید. پاکستان، ایران، تاجیکستان، و دورتر هند و عربستان و غیره چه سهمی از آینده‌ی افغانستان طلب خواهند، و آمریکا و انگلیس در این میان به چه موقعیتی رضایت خواهند داد.

متأسفانه در ۲۰ سال گذشته، مجال و امکان برای دخالت سرنوشت ساز مردم به دلایل گوناگون تاریخی، قومی، مذهبی، سیاسی و حزبی و هم چنین جنگهای پی‌درپی و دخالت کشورهای همسایه فراهم نشده است.

شاخص های واقعی برای تغییر اوضاع در زندگی مردم چندان ناشناخته نیست. موقعیت آتی زنان افغانستان به درجات زیادی، ماهیت و موقعیت قدرت سیاسی را در افغانستان به نمایش خواهد گذاشت. اتخاذ سیاست ها و روش و راه‌هایی برای کاستن از دشمنی‌های قومی و نهایتاً محو آن، جلوگیری از کشتارهای بی‌رویه‌ی مخالفین، جدایی عمیق دین و دولت، برچیدن قوانین اسلامی از قوانین رایج قضایی و اداری و سیاسی کشور، فراهم آوردن امکانی برای مشارکت مردم، قدرت سیاسی، انتخابات آزاد، بازگشت آوارگان و اتخاذ اقداماتی برای بازسازی افغانستان و غیره و غیره... شاخص هایی هستند که ظرف ماه‌های آیندی می‌تواند حداقل قدم های اولیه‌ی آنها برداشته شود.

م. روبین